



امکوز

دوره دوم سال هشتم ★ ارگان سیاسی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) ★ ۸۰ ریال قیمت: شماره ۳۷ فروردین ماه ۱۳۶۶

رهنمودهایی درباره صدویکمین سالگشت اول ماه مه

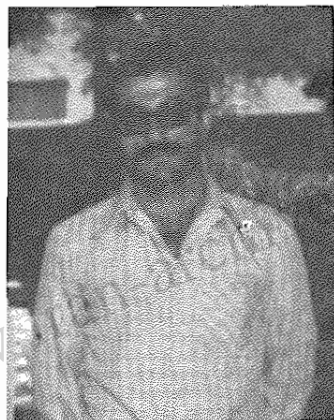
رهنمود دبیرخانه کمیته مرکزی به کمیته‌ها و واحدهای سازمان راجعت اطلاع همه نیروهای هوادار سازمان روزی می‌آوریم. هیئت تحریریه

اکنون در آستانه صدویکمین سالگشت اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روزهمبستگی بین المللی کارگران قرار داریم. در این روز کارگران سراسر جهان با دست کشیدن از کار و برگزاری جشن اول ماه مه، قدرت همبستگی و اتحاد بین المللی خود را علیه سرمایه‌داران و تنظیم سرمایه به نمایش می‌گذارند. صدویکمین سالگشت این روز بویژه از آن جهت نشانه تداوم و استمرار این سنت در میان کارگران سراسر جهان است و تبدیل آنرا به یک سنت و رسم خدشه‌ناپذیر طبقه کارگر بین‌المللی اعلام میدارد، حائز اهمیت ویژه‌ای است. سازمان ماکه برگزاری منظم‌تر هر

بقیه در صفحه ۹

پیام کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) به مناسبت صدویکمین سالگشت اول ماه مه

در صفحه ۲



رفیق
ولی‌الله حسینی

«طرح نوین اقتصادی» یا

اقتصادی نوین برای جنگ؟!!

سقوط سهای نفت در سال جاری — بدون تردید بیامدهای بسیاری را در همه جهان و بویژه در کشورهای نفتی سبار آورده است اما شاید بتوان گفت تاثيراتی که این رویداد در حرات سیاسی و اقتصادی ایران نهاده است در نوع خود — بحدده ترین و برداشته ترین است. هم‌اکنون بخشی از این تاثيرات نمود پیدا کرده و حتی سروندهایی نیز منتهی شده است، و بعضی دیگر صرفاً نطقه‌های تحولات آینده را سوجود آورده اند بدون آنکه نشانه‌ای ملموس از آنها در شرایط کنونی بتوان ندست داد.

گوناه گونی و بیجیدگی تاثيرات ادا مانع از آن نیست، تا بر خملت بحران زائی آنها تا کید بقیه در صفحه ۵

سیاست تسکیناتی ما در قبال معامل کلان و روشنفکران

در صفحه ۱۵

نظری به طرح پیشنهادی حزب دموکرات درباره جبهه دموکراتیک — ضد امپریالیستی

حزب دموکرات کردستان ایران مدت‌هاست که در نشریه "گوردستان" شماره ۱۱۴ (اردیبهشت ماه ۶۵) پیشنهادی در زمینه ایجاد جبهه

حزب دموکرات کردستان ایران مدت‌هاست که در نشریه "گوردستان" شماره ۱۱۴ (اردیبهشت ماه ۶۵) پیشنهادی در زمینه ایجاد جبهه

رهنمودهای امینیتی برای ارتباط مکاتباتی

اخبار مبارزات کارگران و زحمتکشان

- ★ گزارشی از کارخانه علاء الدین
- ★ جوراب آسیا ★ کفش شاه‌هد
- ★ قلعه حسن خان ★ ایران یا سا
- ★ گروه صنعتی رنا ★ لندرور
- ★ کفش پیروزی ★ جنرال استیل
- ★ تحریم ثبت نام برای جنگ
- ★ ماشین سازی تبریز ★ ارج

...

علیه رفو میسیم:

در نقد نظرات اکثریت

در صفحه ۱۷

نگاهی کوتاه به تحولات اتحاد شوروی

در صفحه ۸

کودکان قربانی رژیم جمهوری اسلامی

در صفحه ۳۵

حکومت اسلامی، سنن ملی و کارمندان

در صفحه ۲۶

نزاکتهایی از سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

به مناسبت صدویکمین سالگشت اول ماه مه

فلسطین و بان اسلامیستها در صفحه ۳۵



سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

پیام کمیته مرکزی

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

به مناسبت صد و یکمین سالگشت اول ماه مه

کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) صد و یکمین سالروز همبستگی بین المللی کارگران را به طبقه کارگر قهرمان ایران و عموم کارگران جهان تبریک می گوید و بدین مناسبت بار دیگر عهد خوین خود را با کلیه کمونیستهای جهان در هدایت و سازماندهی مبارزات طبقه کارگر جهت تسخیر مواضع نوین و پیشرویهائی تازه تر علیه نظام بهره کشی سرمایه در سراسر جهان اعلام می دارد.

سال ۱۸۸۹ درکنگره مؤسسون بین المللی کارگری (مجمع بین المللی کارگران) - که فردریک انگلس، یکی از بنیان گذاران کمونیسم، رهبر آن را بعهده داشت - پیشنها دنا بنده کارگران آمریکا مبنی بر تشبیت و اعلام اول ماه مه به عنوان روز جهانی کارگر مورد استقبال عموم نمایندگان قرار گرفت و تا کنون یک قرن است که در این روز پرچم رزم متحد و اقتدارسی مانند پرولتاریا که بر آن خون کارگران شیکاگو و نمای شهدای جنبش کارگری جهان نقش بسته است با نمایش اعتصاب عمومی و توقف یکپارچه تولید، افزایش کرده است. نمایشی که کارگران قهرمان ناسی شیکاگو در سال ۱۸۸۶ بدنبال دوسال پیکار طبقه کارگری برای تأمین خواست ۸ ساعت کار روزانه آغاز کردند و دوطی اعتصاب خودبیرستمر باره خوین با او با نشان و ارتش بورژوازی، نیم میلیون کارگر از دوازده هزار کارخانه را به خود ملحق ساختند؛ سرانجام با تحمل ۸ ساعت کار روزانه به بورژوازی، مهر و نشان قدرت خلیل نا پذیر پرولتاریائی را در توقف جریضی تولید برای دست یافتن به خواستهائی خود بر مبارزات پرولتاریائی سراسر جهان نقش کردند.

اتحاد، همبستگی و پیکار انقلابی طبقه کارگر در طول یک قرن که از سنت اول ماه مه می گذرد، پیشگویی عرصی کارل مارکس، بنیانگذار کمونیسم، گشاینده راه رهایی کارگران را به اثبات رسانده است که می گفت: کارگران بجز تنجیرهای خود چیزی ندارند که از دست دهند، اما آنان جهانی را در پیش رو دارند که بگشایند. در این صد و یک سال، طبقه کارگر جهانی با سلاح شکل و رزمندگی خود، نه تنها سرمایه داران و مرتجعین را و جب به و جب و سگر به سگر به عقب نشینی واداشته و درخواستهای فوری خود را بر آنان تحمیل کرده است، بلکه در بخش بزرگی از جهان آذوقه های سرمایه را در هم کوبیده، زنجیر بردگی را گسسته و با گامهای غول آسا از دروازه های رهایی گذشته است. انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر ۱۹۱۷ و به قدرت رسیدن طبقه کارگر در روسیه، آغاز عصر فتوحات بزرگ و فرمانروائی طبقه کارگر بر جهان را اعلام کرد. طبقه کارگر پیشیناز و قهرمان روسیه از برکت شکل و آگاهی طبقه کارگری برخوردار است. رهبری حزب کمونیست خود که توسط آموزگار بزرگ کارگران جهان - لنین کبیر - هدایت می شد، برای نخستین بار در جهان پرچم نظریه حاکمیت کارگران و لگد مال شدن رابریورانه های کاخ سرمایه داران، شاهان و مستگمران سرافراشت و راه رهایی بشریت - راه سرخ پرولتاریا - را در برابر چشم کارگران و مستمیدگان سراسر جهان به نمایش گذاشت. با پیدایش قله پیروزی و رهایی دربر تفسخ نام خورشید انقلاب سوسیالیستی اکتبر، طبقه کارگر جهانی با عزم و پایداری و با عشق و ایثار مدجندان، راه پیمائی توانانگیز خود را برای دست یافتن به رهایی سرعت بخشید، در مدتی کوتاه، در بسیاری از کشورهای جهان، طبقه کارگر با متکل شدن در زیر پرچم حزب کمونیست انقلابی خود بدست گرفتن رهبری توده های میلیونی دهقانان و زحمتکشان، راه تصرف قدرت سیاسی، یعنی راه رهایی خود و توده های ستم کشیده دهقانان و زحمتکشان را با موفقیت تمام بپیمود و پرچم سرخ خود را بر قله رفیع رهایی کوبید. اینک یک سوم سیاره ما به فرمانروائی طبقه کارگر درآمده و پرچم نظریه آن از دورترین نقطه در شرق و جنوب شرق آسیا تا شرق اروپا و از آمریکای مرکزی تا قاره آفریقا به اهتزاز درآمده است، وارد و گاه سرزمند کشورهای سوسیالیستی، هم اکنون تجلی رهایی و قدرت تشبیت شده طبقه کارگر جهانی است.

صف پر شوکت و شکست نا پذیر طبقه کارگر برای فتح تمام جهان، همچنان با استواری و ظرفیت بی بدیش می تا ز دوراه رهایی را در بخشهای دیگر جهان نیز می گشاید. این مارش یکپارچه و امن و ظنبن زنده انقلاب جهانی که سراسر کره زمین را به لوزه می افکند هر سال بر طراوت خویش می افزاید و پیروزیهای نوینی را وعده می دهد. اما لنین چون سال پیش که طبقه کارگر قهرمان نیکا را گوشه و کارگران کشورهای بحران زده سرمایه داری اروپا و کشورهای غوطه در حنگ و بحران انقلابی فریقای جنوبی، السالوادور، فیلیپین و نیلی در عرصه مبارزه علیه امپریالیزم جهانی به سرکردگی امپریا آمریکا، نژادپرستی، استبداد و تمامی حاکمان بهره کشی سرمایه، وعده پیروزی های نوین می دادند و جانانه در تحقق وعده های خویش جنگیدند، انقلاب جهانی به پیش می رود و هر چه بیشتر در زیر پرچم سرخ پرولتاریا سازمان می یابد. اما جنبش انقلابی کارگران، زحمتکشان و جوانان کشورهای سرمایه داری اروپا (در ایتالیا، اسپانیا، بلژیک و فرانسه) که انفجارش علیه فشارهای بحران عمومی جهان سرمایه داری تکانی جدی به این جوامع داد و اعتصابات گسترده کارگری در این کشورهای سوسیالیست در فرانسه و اسپانیا که در عین حال پیوند عمیق خود را با جنبش اعترافی میلیونی جوانان به نمایش گذارند، بی تردید برگسترش و عمق خود می افزاید و مرگ بورژوازی در عرصه جهانی را نوید می دهد. تحولات چشمگیر سال گذشته در این زمینه، بازتاب تشدید و تعمیق مبارزات کارگران و شکل هر چه بیشتر زحمتکشان حول پرچم افزایش رزم پرولتاریا بوده است و این را کیست که انکار کند؟!

طبقه کارگر ایران نیز در این پیکار متحد و خوین، بمشابه گردانی از ارتش جهانی طبقه کارگر در منطقه حساس خاور میانه و تحت رژیم اسلامی، عزم و اراده استوار خویش را در منظر جهانیان بخوبی نمایانده است و در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی می کوشد به هر طریق و با توسل به هر نوع وحشیگری و قصابی، مقاومت فزاینده توده های کشورمان را علیه تمامیت خود در هم کوبد تا جنگ ارتجاعی خویش را شعله ورترازد، نبرد رهایی کارگران بیش از پیش، نقش تعیین کننده خود را با ثبات می رساند. هم از اینروست که فقها تمرکز زنجیر سراسری شان را بر مبارزات و اعتراضات کارگری قرار داده اند. حکومت هشت ساله بر نظام سرمایه داری ایران به فقها آموخته است که در هم شکستن مقاومت طبقه کارگر تنها راه گشای آنان در سرکوب همه جانبه ترو استیلا خنثاق خود بر جا است. کیست که انکار کند عقب نشینی مذبحا نه رژیم فقها در جریان تلاش برای تصویب سه پیش نویس قانون کار خود، سیاستگری مانندی جبهه نبره کار سرمایه در ایران ما است؟ کیست که انکار کند در هر کجا که مبارزات طبقه کارگر ایران - نظیر سایر کشورهای - به خواست های خود دست یافته یا دولت و کارفرمایان را به بی نشینی واداشته، حاصل شکل و وحدت مبارزاتی کارگران بوده است؟ و این همه چشم انداز روشن پیروزی رزم انقلابی پرولتاریا و توده های زحمتکش ایران را علیه نظام بهره کشی سرمایه و حکومت سیاه اسلامی حافظ آن، بیرونی آنگار می سازد.

کارگران قهرمان ایران!

شما که تجربه یک اعتصاب عمومی و قیام مسلحانه شده ای و درس های جنبش شورائی و کنترل کارگری را در حافظه خود نقش کرده اید؛ شما که با پیکار قهرمانانه خود که بازندان و شکنجه و اعدام بسیاری از رفقایان همراه بوده است به قانون کار اسلامی فقها را در برابر دیدگان هراسناکنندگان از هم دریده اید و ضرورت تدوین و تصویب قانون کار مترقی به توسط خودتان، پای فشرده اید؛ رژیم فقها برای چهارمین بار در تلاش تصویب قانون کسار خویش است؛ قانون کاری که جوهره اش جبری جزه قانون منسوخ شده پیشین نیست و فقها می کوشند آن را که فاقد ابتدائی ترین دستاوردهای تاکنونی

پروکناریای جهان در مبارزه اش علیه سوزواری است به تصویب رسانند؛ قانون کاری که فقها می کوشند از طریق تصویب آن به بی حقی مطلق کارگران در ایجا دستکل های خود، قانونت دهد. روز اول ماه امسال نیز تجدید میمانی است برای درهم کوفتن تخیل واهی فقها در تصویب چهارمین سارهی قانون کارشان! بی تردید در سارمفاومت یکبارجه شما چون دوره های پیشین، فقها زانومی زند و قانون نان را زیر عیای خود مخفی می کنند!

تجربه عینی سردهای خونین تاکنونی، ضرورت سازمانیابی و شکل و گردآوری بخش های هرجه وسیع تری از طبقه کارگر را حول برجی واحد برای پیشبرد هرجه موثرتر مبارزات جاری و طرح روشن تر و برحسته تر خواست ها و تمرکز مبارزات بخش های مختلف طبقه سزان ها را به عیان نمایانده است. امکان ناپذیر است که بدون سازماندهی جبهه ای واحد از کارگران علیه جبهه متحد سوزواری و دولت سوزواری حاکم، مقاومت کرد و پیروز مندانند. جنسید. اول ماه امسال تجدید میمانی ست سترگ در سازماندهی جبهه واحد کارگری به منظور هرجه یکبارجه تر و موثرتر باختن مبارزات بخش های مختلف طبقه کارگر. کارگران انقلابی و پیشروایستی امسال را به سال تشکیل جبهه واحد کارگری در کلیه واحدهای تولیدی و در گستره جامعه مان تبدیل کنند و تمام کارگران را به مبارزه برای خواست هایی که سواتع در شمول قانون کاری مترقی است که سلاح رزم کارگران تاکنون علیه قانون کسار ارتعای فقها بوده است جلب نمایند. این خواست ها را در آستانه ای صدویکمسن سالروز اول ماه مه و سیعاً در میان لایه های مختلف طبقه طرح و تبلیغ کنید:

۸ - ساعت کار در روز و در روز تعطیل بی دربی در هفته در تمام کارگاه ها و برای تمام کارگران، و عرصی سالبانه یکماهه برای تمام کارگران.

۹ - تعیین حداقل دستمزد رسمی یا تصویب نمایندگان سراسری منتخب کارگران سربا به هزینه وسایل معیشت و رفاه خانواده پنجگونی و افزایش سطح دستمزدها متناسب با لافتن بهای وسایل معیشت و نرخ تورم.

۱۰ - دفاع از حق کار که ضرورتاً دفاع از سیمه بیکاری و تمام اجتماعی برای کارگران را در بر میگیرد. این سیمه باید: ۱) در وهله اول کلیه کارگرانی را که در اثر اقتصاد جنگی بیکار شده اند، شامل شود؛ ۲) تمام ما به هزینه کارفرمایان و دولت باشد؛ ۳) برای تمام دورانی بیکاری، و سیمه میزان حقوق دریافتی کارگران در ایام اشتغال باشد. ۴) موسسات سیمه باید توسط خود سیمه شندگان اداره شود. در این شرایط که اخراج های دستجمعی ابعادی بسیار جدی و تهدیدآمیز برای کل طبقه و مبارزات آن به خود گرفته و هرروزه سایه شوم خود را سرفراز این و آن واحد تولیدی می گسترده، سیمه بیکاری یا سیمه از اهم خواست های کارگران باشد.

۱۱ - تضمین شغلی و برابری دستمزد کارگران زن با مرد.

۱۲ - نظارت بر شرایط کار و امور صنفی. رفاهی و بازرسی کارگری. این امر طبق قانون فقهی به "شورا" های اسلامی کارخانه ها محول گردیده که نه بازرسی برای جلوگیری از غارت و دزدی و فشارهای مدیریت و کارفرمایان، که در واقع امرحاسوسی برای سرمایه داران را سازمان می دهد. خواست تشکیل یک هیئت بازرسی کارگری منتخب کارگران به هزینه دولت و کارفرمایان در تمام واحدهای کارگری در زمینه بیکاری، اشتغال دار و سوزواری و خدمتکاران خانگی، همچنین انتخاب بازرسان زن در موسساتی که از کارگران استفاده می شود را در میان بخش های مختلف طبقه طرح و تبلیغ کنید!

۱۳ - تنظیم و احرای طرح طبقه بندی مشاغل: ارزشیابی مشاغل و تنظیم بک نظام واحد شغلی در سطح کشور یا تصویب نمایندگان سراسری منتخب کارگران.

۱۴ - انحلال انجمن ها و شوراهای اسلامی و تأثیر حراست؛ آزادی بی قید و شرط بیان، تجمع، تشکیل های اتحادیه ای و سیاسی، احزاب، اعتمادات - تنظیم و تصویب قانون کار با مشارکت عموم کارگران و سیمه نمایندگان سراسری منتخب کارگران. قانون کار با بد تمام کارگران بخش دولتی، خصوصی، صنعتی، کشاورزی، دانشی، فصلی، خدماتی، چادر نشینی و کارگران خانگی را در بر میگیرد.

کارگران قهرمان ایران!

حک هستی سوزواری جبهه پیشتر سرنوشت رژیم جمهوری اسلامی را به سرنوشت خویش گره میزند. جنگی که نه فقط چهره مرکز و ویرانگر خود را سرجان انسان ها می کشاید که تبا می هستی اقتصاد کشور را به ناسودی می کشد. اعتراضات توده ای فزاینده ای در کشور ما به یکی از محورهای مبارزه انقلابی بوده ها تبدیل گشته است. طبقه کارگر نمی تواند بدون دامن زدن به این اعتراضات، مبارزات انقلابی عموم زحمتکشان را به مبارزات خود ملحق سازد و ستر انقلاب کارگری را ژرف تر نماید؛ از اینرو خواست خاتمه فوری جنگ، سرفراری صلح بدون الحاق طلبی و پرداخت غرامت سربا به حق تعیین سرنوشت خلق های دو کشور یا سیمه وسیعاً مورد مدافعه تمام کارگران قرار گیرد.

در چنین برهه ای که چشم انداز طوفان های تعیین کننده چندان دور نیست و رژیم ولایت فقیه در وحشت مرگ، هرروزه روزجه از میان شما و چیه از میان ساریخ ها و طبقات جامعه گروه گروه را به سیاهال ها می افکند و دسته دسته را به جوخه اعدام می سپارد، دفاع از زندانیان سیاسی و خواست آزادی آنان، مبارزه توده ها و بویژه خانواده زندانیان سیاسی را در طرح و پیشبرد این خواست سراسری و عمومی جامعه ما هرجه بیشتر تقویت نموده و بیروانش می سازد؛

خواست آزادی رفقای خود را به خواست آزادی کلیه زندانیان سیاسی پیوند دهید!

جز از طریق طرح و پیشبرد یکا یک این خواست ها در ابعادی هرجه وسیع تر، امکان سرنوشتی رژیم ضد کارگری و ارتعای جمهوری اسلامی تحقق نمی یابد و راه تسخیر قدرت سیاسی هموار نمی گردد. کارگران! در اول ماه مه (۱۱ دییشت) یکبارجه همراه با بیرولتراهای تمام کشور دست از کار بکشید و خواست رسمیت یافتن اول ماه مه را به عنوان تعطیل رسمی کارگری با پرداخت حقوق وسیعاً تبلیغ کنید! رژیم فقها امسال نیز بی تردید در تلاش سبرای به کاروسیگاری کشیدن کارگران در روز اول ماه مه می باشد. وقاحت رژیم که سال پیش این روز را نه تنها تعطیل اعلام نکرد بلکه کوشید کارگران را سربا جبهه های جنگ به بیگاری کشد و سوزی ناشناخته دارد؛ آماده باشیم که امسال نیز وسیع تر از سال گذشته تشیبات فقها را در این زمینه با اعتماد عمومی خود در این روز با سخی در خوردهیم. مراسم فرمایشی رژیم را تحریم کنیم و اجازه ندهیم که اول ماه مه به روزگیل کارگران به جبهه های جنگ تبدیل گردد. در آستانه اول ماه مه، امسال نیز وسیع ترین همکاری و نزدیکی را میان توده کارگران دامن سزیم و از طریق گوناگون برگزاری مسابقات ورزشی بدین مناسبت و ایجا دکمیتته های تدارک این مسابقات از هم اکنون، و نیز ایجا دکمیتته های سرگزارکننده جشن اول ماه مه که نزدیکاً و همفکری کارگران را در سرگزاری هرجه شایسته تر این روزجه در محلات و جدها و واحدهای تولیدی افزایش داده و بر جسته ترمی کند و سکارگرفتن سربا بتکارات بکوشیم که جشن همسنگی بین الطلی کارگران به بهترین نحوی برگزار گردد.

رهائی طبقه کارگر، تنها به دست خود کارگران میسر است؛

چاره کارگران، وحدت و تشکیلات است؛

کارگران جهان متحد شوید!

سرنگون ما در رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی!

زنده ما دآزادی! زنده ما دوسولیم!

کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

۸ فروردین ماه ۱۳۶۶

رهنمودهای امنیتی برای ارتباط مکتوباتی

رفیق ولی الله حسینی

رفیق ولی الله حسینی در سال ۱۳۳۷ در خانواده‌ای زحمتکش در شهر اراک متولد شد و همان او آن کودکی با درود رنج و مشقات محرومین جامعه ما آشنا شد. دوران دبستان و دبیرستان را در اراک گذراند و در همان حال برای تامین مخارج زندگی و معیشت خانواده به کارگری می پرداخت. علاقه و عشق او به آموختن او را وامی داشت که از تمام فرصتهایی که بدست می آورد برای آموختن استفاده کند، به این خاطر از دانش آگاهی بالایی نسبت به سایر همسالان و مشکلات جامعه طبقاتی و راه‌حلهای آن برخوردار بود و این تلفیق کینه و خشم نسبت به جامعه طبقاتی و شناخت از دردها و رنج‌ها و راه‌حلهای آن، وجهه اجتماعی او را در میان مردم و بخصوص جوانان همشهری‌اش هر روز بیشتر و بیشتر تقویت می کرد، با توجه به اینکه خیلی‌ها می دانستند که رفیق ولی مخالف رژیم آمریکا‌نشین است، برای حل مشکلاتشان به او مراجعه کرده و از او راه حل می خواستند.

بارها هیاتی او به دانشگاه، زمینه‌های ای شرکت او در مبارزات انقلابی - دمکراتیک و رشد آگاهی سیاسی اش فراهم آمد و در مبارزات دانشجویان دانشگاه پلی تکنیک تهران علیه رژیم شاه فعالانه شرکت جست و با ارتباط فعالی که با مبارزین فعال شهر اراک داشت توانست در تعمیق شعارهای انقلابی مردم و سازماندهی مبارزاتشان نقش شایسته‌ای ایفا کند. رفیق ولی در قیام بهمن و تسخیر پاریس و کلاترینیا و سقوط رژیم شاه فعالانه و پر شور شرکت نمود و تجارب گرانبهای از انقلاب بهمن و شرکت در قیام مسلحانه خلق بدست آورد. رفیق ولی جزء اولین رفقای بود که به همراه رفیق شهید محمد شفیع و رفقای دیگر، که در دانشگاه پلی تکنیک تهران به سازمان مبارزات پیوستند، فعالانه در تبلیغ و ترویج نظریات انقلابی "راه کارگر" در فضای فرمیس و روزبه - نیم "سه جہانی" و گسترش پایه‌های سازمان در میان دانشجویان شرکت کرد. دانش سیاسی و شخصیت انقلابی و مردمی باعث می شد که در دانشجویان از محبوبیت خاصی برخوردار باشد. هنگامیکه رژیم فقها تا قوس مرگ و تازیکی وجهالت را با اسم دروغین "انقلاب فرهنگی" در دانشگاهها بصداء درآورد، رفیق ولی به همراه سایر دانشجویان انقلابی به دفاع از میراث انقلابی - دمکراتیک دانشگاه پرداخت و فعالانه در بارزما - ندهی مقاومت دانشجویان در دفاع از دانشگاه شرکت کرد و بعد از آن مدتی در شهرک ساز کبکبای کار کرد و در آنجا نیز لحظه‌ای از تبلیغ ایده‌آلهای سوسیالیستی و ترویج مواضع راه کارگروا فضا - رژیم جنایتکار رفقا باز ناپیدا.

رفیق ولی، در اواخر سال ۵۹ تا اوایل تابستان ۶۰ در شهر مسجد سلیمان مشغول کار بود و در میان کارگران و همکارانش از محبوبیت خاصی برخوردار بود. خصوصیت مردمی و سادگی و بی‌آلشی رفیق در کناره‌های سیاسی اش به او روحیه‌ای داده بود که بتواند در همه جا با مردم نزدیک شود. دردها و نیش را بشناسد، از آنان بیاد بگیرد و به آنها راه‌های شان را با زبانشان، این روحیه بقیه در صفحه ۳۵

سرقاری، حفظ و تحکیم ارتباط با سازمان یکی از وظائف مهم کمیته‌ها و واحدها و تمامی اعضا و هواداران در شرایط کنونی است. پایه اساسی سازماندهی ارتباطات با سازمان نیز بر اساس زمانه‌های گزاشده‌ی بی‌امان و ارسال و وسیع گزارشات تشکیلاتی، سیاسی، خسری و تحریکات سازماندهی کارگری و نوده‌ای استوار شده است. نحوه پیشبرد این جنبه از فعالیت یکی از معیارهای اصلی موفقیت ما در سازماندهی جنبش کارگری - توده‌ای و برقراری ارتباط آن با رهبری سازمان از یکطرف و مبارزه با توطئه‌های پلیس سیاسی دشمن در این زمینه از طرف دیگر است. ما پیشتر در جنبه از مبارزه انقلابی در شرایط مبارزه مخفی و سرکوب پلیس تا به فواین و سزای است که بدون شناخت درست و همه جانبه آن و مهمتر از آن بدون بکارگیری دقیق و همه جانبه این قوانین تا من پایداری و تداوم مبارزه غیرممکن است. از این رو سازماندهی موفقیت آمیز هر جنبه از فعالیت انقلابی مشروط به اختصاص بخشی از نیرو و جهت شناخت و خنثی نمودن توطئه‌های پلیس سیاسی و هنر بکارگیری هوشیارانه قوانین مبارزه مخفی است.

رژیم حنا بتکار اسلامی با آگاهی به اهمیت ارتباطات در فعالیست نیروهای انقلابی و هراسان از فعالیت روز افزون سازمانها و گروههای انقلابی و نقش موثر آنها در جنبش رشدیابنده کارگری - توده‌ای، نیروی ویژه‌ای را برای قطع ارتباط نیروهای فعال با رهبری سازمانها و جلوگیری از انعکاس مبارزات توده‌ای منمركز نموده است. علاوه بر آن مزدوران رژیم نسل‌دار ندان از طریق کسب اطلاعات و سرنگی‌های از نیروهای فعال سازمانهای سیاسی و انقلابی اقدام به گسترش شبکه تورپلیسی خود نموده و با گسترش تعقیب و مراقبت از روی ردها و سرنگیهای اطلاعاتی بدست آمده از طریق کنترل تلفنی، نامه‌ها و آدرسه‌ها و غیره به شبکه ارتباطات سازمانی آنها دست پیدا کرده و هدف بلند خود را در فرسودن آنها حاصل عمل بیبوند.

دشمن در راه رسیدن به این هدف شوم خود از آخرین تجربیات و امکانات تکنیکی سازمانهای پلیسی - جاسوسی کشورهای امپریالیستی سود جست و سرا به هتگفتی برای خرید دستگاههای پیشرفته جهت کنترل مکالمات تلفنی و مکتوباتی اختصاص داده است. ما در هر جنبه از مبارزه انقلابی خود بر نیروی سکران توده‌ای تکیه داریم و علیرغم تلاش مذسوحانه رژیم اسلامی تحریک نشان داده است که با هوشیاری و اجرای دقیق رهنمودهای امنیتی از جانب نیروهای انقلابی رژیم در رسیدن به این هدف خود نا موفق مانده است. ولی بدیهی است که اگر نتوانیم خود را با شدت گیری کنترل پلیسی انطباق دهیم دبریا زود ز سرضربه قرار خواهیم گرفت.

سررسی نامه‌های ارسالی از جانب کمیته‌ها و واحدهای سازمان در دوره اخیر نشان میدهد که میزان باز نویسی نامه‌ها توسط دشمن به میزان قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است. سیوه باز نویسی نامه‌ها بگونه‌ای است که مطالب نامه‌ها پس از ظاهر شدن قابل استفاده نیستند و ما تنها از رسیدن آنها مطلع میشویم. هدف دشمن از ارسال مجدد نامه‌های باز نویسی شده آنست که از یکطرف اسطوره‌آلودی آنها را خواناتر کند و از طرف دیگر با ارسال باز نویسی شده بدلیل عدم رعایت ضوابط نامرئی نویسی از جانب رفقا - سوده‌ها و از طرف دیگر با ارسال نامه‌ها به اطلاعات بیشتر دست پیدا کند. میزان اطلاعاتی که پلیس سیاسی دشمن میتواند از طریق کنترل نامه‌ها بدست بیاورد اینست که:

- الف) - در جریان فعالیت روزمره تشکیلاتی کمیته‌ها و واحدهای سازمان قرار میگیرد.
 - ب) - اگر نامه‌ها حاوی اطلاعات مشخصی باشد و ضوابط نامرئی نویسی و رمز نویسی و غیره بطور دقیق رعایت نشده باشد این اطلاعات بدست دشمن میافتد.
 - ج) - خط رفقای ارسال کننده نامه‌ها در اختیار دشمن قرار گرفته و از این طریق قادرند شناختی از رفقای دستگیر شده و نوسنده این نامه‌ها و ارتباط تشکیلاتی آنها خواهند شد.
 - د) - با باز نویسی نامه‌های متعدد تشکیلاتی و در صورتیکه ضوابط رمز نویسی بدقت رعایت نشود به یادوبیا مقایسه مطالب رمز نویسی شده و غیر رمز، قادر به کشف علائم رمز خواهند شد.
 - ه) - مناطق کار و فعالیت رفقا (محل زندگی و محل کار - مناطق پخش و تبلیغ و غیره) در اختیار دشمن قرار میگیرد.
- "مرکز ارتباطات سازمان" ضمن جلب توجه و هوشیاری کمیته‌ها و واحدهای سازمان به تاکتیک اخیر باز نویسی نامه‌ها از جانب مزدوران رژیم اسلامی و خطرات ناشی از آن از ما می رفقا میخواهد که رهنمودها و اقدامات زیر را بدقت بمرور اجرا بگذارند.

اقدامات و رهنمودها برای مقابله با تاکتیک باز نویسی نامه‌های تشکیلاتی

- ۱- با دریافت خبر نامه‌های باز نویسی شده از جانب "مرکز ارتباطات سازمان" از ارسال نامه‌ها به آدرسهایی که نامه‌های باز نویسی شده به آنها ارسال شده است خودداری کنید. در اولین فرصت این آدرسه‌ها را حذف کرده و از آدرسه‌های دیگر بویا جدیدی که از جانب "مرکز ارتباطات سازمان" در اختیارتان قرار میگیرد، استفاده کنید. به بیامهای رادیویی و تلفنی در رابطه با حذف آدرسه‌های سوخته توجه کرده و با درمیان گذاشتن این خبر تا می رفقای که این آدرسه‌ها را در اختیار دارند، از ارسال نامه‌ها به این آدرسه‌ها خودداری کنید.
 - ۲- حجم ارسال نامه‌های نامرئی را کاهش داده و با سطح بندی مطالب، مطالبی نظیر، تجربیات سازماندهی توده‌ای و کارگری، سئوالات و نظرات و پیشنهادات در مورد مطالب نشریه و بیرون سازمان را بصورت نامه‌های علنی ارسال کنید، طبعاً چنین نامه‌های مطلقاً ناشی از بیگانه ردا اطلاعاتی و امنیتی داشته باشند.
- بقیه در صفحه ۳۵

”طرح نوین اقتصادی“

یا اقتصادی نوین برای جنگ؟!

کنیم و با قاطعیت بگوئیم سقوط بهای نفت — تنها بردهٔ مهربان های مرمی خواهد افزود، بلکه خودستیزمجران های نوسی خواهندند .

درواکنش نسبت به تنزل بهای نفت — در دست در قضا و وح آن ، حکومت فقها و شعاعا را بعنوان وظائف روزمیان کشید : ”حمله سرسوست ساز“ و ”طرح نوین اقتصادی“ . محورهای آن چه به ”حمله سرسوست ساز“ برمی گشت ، در شماره های قلمی نشریه بحث گذاشته شد . این نوشته سسر ”طرح نوین اقتصادی“ و سررسی مضمون آن متمرکز است و با چند توضیح مقدماتی آغاز می شود :

در کشورهای معنی ، آنگاه که ”نفیست“ صورت انزوا را اصلی مداخله در اقتصاد ، به انحصار دولت در میآید ، لامخاله ”دولت“ را بلحاظ حکومتی می کشد ، و سرساخت ، ترکیب و مختصات دیگر متاثر میسازد ، میزان این تا ندرستما با حاکمانی که ”نفیست“ در حیات اقتصادی هر کشور داشته باشد و از ترکیب مالیه دولتی کسب کند ، متسلسل خواهد بود ، اما در همه حال ، چنین فاکتوری موجب میشود از یک سو سیاست با زار نفیست و قسمت آن ، سرعت از حیا ر حوب های اقتصادی فرا تر رفته و خطی سیاسی پیدا کند . ارسوی دیگر دستگا ه دولتی به گامون جذب پیا مد های آن تبدیل شود . بی جهت نیست افزایش قیمت نفیست در سال ۵۳ در حیات سیاسی اغلب کشورهای نفتی ، به فرآیندهای مباحثه مذکوره فرا رسیده ها با کاهش قیمت نفیست در سال جاری معکوس میشوند ، باعتبار چنین احتمالاتی است که ، ”دولت“ دیگر ”دولت نفتی“ است .

قاعددهای چنین کلی ، البته برای توضیح ”کمی پیا مد ها و مختصات بحران ناشی از سقوط احتمالی قیمت نفیست هیچ وجه کافی نیست . بخصوص آنجا که پای دولت های با وسوگی های متفاوت ، پیمان آن دو با مشخصات از حالتی باشد که نوعی حاکمیت بنا بر رتیبی سردولت اعمال میشود ، یعنی حالتی که دیگر نفیست نه صرفا یک ابزار انحصاری دولتی برای کنترل و ساز — سازی نظام اقتصادی — سیاسی حاکم بطور عام ، بلکه علاوه بر آن اهرمی باشد که بطور ویژه ساز — تولید پایه های مادی بنا بر رتیبم حاکم را نیز برعهده دارد ، بنا بر این سقوط بهای نفیست در چنین حالتی ، نه تنها نقش عمومی دولت را مسخا طره ماندازد ، بلکه قادر است قدرت حاکمه دولتی را از اهرم اقتصادی لازم برای مانور میان طبقات اصلی ، محروم سازد . لازم به تاکید است ، ”نفیست“ بعنوان پایه اقتصادی یک حکومت بنا بر رتیبی سوزیه آنگاه اهمیت حیاتی پیدا می کند که شرایط تاریخی شکل گیری چنین قدرتی در حال تغییر باشد و پایه های اجتماعی بنا بر رتیبم دچار ریزش شده باشد ، بنا بر این اعتبار دوام خصیصه بنا بر رتیبی قدرت دولتی در شرایط کنونی ، بیش از همیشه به دوام با زار بر رونق نفیست نیازمند است .

سرا نحه گفته شد ، اگر مختصات مذهبی ”ولایت فقیه“ را سافزائیم ، بعددگیری از گره خوردگی ”نفیست“ با ”دولت“ و قدرت حاکمه آن در ایران را سمان کشیده ایم . اینجا صحبت از ”بنا بر رتیبم مذهبی“ است ؛ بنا بر رتیبی بلحاظ گرایشات ، فوق ارتجاعی و بلحاظ مسانی اعتقادی و ارزشی مطلقا سازگار با زیربنای مادی دولت در ایران ، و فراتر از آن سازگار با محیط مادی دنیای معاصر ، بنا بر رتیبی که حل حسن تضادهای را تنها از طریق سرکوب و با سازی پلیسی — نظامی وایدئولوژیک متصور میباید و در این راه — خط مشی سی منوسل می شود که عنصر مرکزی آن ”جنگ“ ، تارفع متنه در عالم ”است“ . حسی مختصاتی از قدرت حاکمه در یک کشور نفتی ، بدان معنی است که اهرم نفتی سبب از هر چیز باشد — تثبیت عمده ترین خصصه آن حکومت یعنی خصصه ایدئولوژیک آن باری دهد ، معارفی دیگر ، در چنین حالتی ، نفیست سازنگه ابزار انحصاری دولت باشد برای کنترل اقتصادی ، و حتی پیش از آنکه تکلیف گاه قدرت حاکمه دولتی باشد برای مانور در میان طبقات اجتماعی ، با بسد به پشنوای بدل شود برای پیش برد خط منسی توسعه طلبانه حکومتی و تحقق بخشیدن رسوهای فوق ارتجاعی آن .

اهمیت نفیست بعنوان پایه های جنگ و ”صدور انقلاب“ سوزیه زمانی بر حسته می شود که قدرت مذهبی حاکم ، بطور فزاینده ای مشروعیت خود را از دست بدهد ، و توانایی اش در کنترل ایدئولوژیک جامعه تحلیل رود و درست همزمان ناچار به گسترش دامنه جنگ باشد ، بنا بر این اعتبار بنا بر رتیبم بذریفت اتکا “ ”جنگ“ به ”نفیست“ در شرائط کنونی سبب از همیشه است و کمتر از هر وقت دفاع از ”ارزش های مکتبی“ بدون ”دلارهای نفتی“ میسر است .

سادآوری های بالا ، عمدتا شاملی از سوستگی مضاعف و جدوجوی ”دولت“ و ”نفیست“ را در شرائط حاکمیت ”ولایت فقیه“ سردستگا ه دولتی بدست می داد ؛ و تا کنونی بود در اینکه تنزل درآمدهای نفتی حکومت فقها از ۲۲ ملیا ردد دلار در سال ۶۱ سر کمتر از ۱۰ ملیا ردد دلار در سال ۶۵ ، در شرائطی رخ میدهد که حاکمیت اسلامی سبب از همیشه برای انقای نقش خود در حیات اقتصادی ، و برای دفاع از موجودیت بنا بر رتیبی و مذهبی اش ناچار است به نفیست متکی شود ، باعتبار این مقدمات همچنین می توان مدعی شد ، سقوط قیمت نفیست ، چنان بحران آفریده و ”ولایت فقیه“ را با همه وجوه و در همه مرصه ها ، همان گام خود گذشته است که نصات از آن بدون قربانی کردن خیلی چیزها در عین توسل به رجز ، غیر ممکن است .

منطق اساسی ”طرح نوین اقتصادی“ کسه زمانه مداران حکومت اسلامی در پاسخ به ”شرایط جدید“ و برای مقابله با ”توطئه برای سبب از کشاندن امت سبب حواسته و انقلاب اسلامی“ (۱) اعلام

کرده اند نیز همس است ؛ در شرائطی که جنگ همچنان ”مسئله اصلی“ است ، و بیروزی نهائی یگانه ما من نیست موجودیت ”اسلامی“ حکومت ؛ سقوط بهای نفیست بهر ضایعه ای منحرف شود ، بنا بر حسن چشم اندازی را تیره سازد . در این شرایط ، یگانه وظیفه تقویت پایه های مالی و ارزشی ”جنگ سرسوست“ است به هر قیمت ، یعنی : ”ضمن آنکه مناسع ما محدود میشود ... بنا بر مناسعی را کسه به جنگ اختصاص داده بودیم ، (را) محدود کنیم . یعنی درست است که ممکن است منابع ارزی ما نسبت به سال گذشته به نصف رسیده باشد ، اما تخصیص ارز به جنگ هیچگونه تغییری نکرده است . بدیهی است (در این صورت) به سایر قسمت ها بحز جنگ فشار آید .“ (۲) این اظهارات معاون امور جنگ و زربصایع را و زربصایع سنگین رژیم چنین تکمیل می کند : ”بنا بر کاهش شدید قیمت نفیست و کاهش صدور نفت و شکل آتی به ما تحمیل شده ... بنا بر این ... پیا مد ها را تحمل کنیم ، یعنی نمی توانیم شتر سواری دولاد ولان کنیم ، و بنا بر این ”یک دوره سختی و مشا را ز نظر تولید ، معیشت و اشتغال داریم ، همه مسائل دچار گرفتاری سختی میشود .“ ”حرا کسه ؛ ”اگر می خواهیم سختیم و یک جنگ طولانی هم (داشته باشیم) ، اگر حرا معای انقلابی هستیم و الگوی مصرف را می خواهیم تعدیر بدیم ، یک دوره رباضت کشی با نداشته باشیم .“ (۳) و با الاخره وزیر دگر رژیم ، یعنی وزیر اقتصاد دود را کشی ر پیام خود به سمنار ”اقتصاد جنگ“ چهار ر حوب عمومی سیاست ها و برنا مه های متناسب با ”شرایط نوسن“ را اسطور فرمولندی میکند : ”سیاست ها و برنا مه های اقتصادی در شرایط کنونی قبل از هر چیز باید منطبق با نیازهای جنگ و درجه است تا مین این نیازها سرآید .“ البته به قیمت اعمال : ”سیاست رباضت کشی اقتصادی به منظور مقابله با مشکلات موجود ...“ (۴)

بنا بر این ”طرح“ و ”سیاست“ ”برنا مه نویسن اقتصادی“ در اساس برنا مه ایست برای تحدید تقسیم ”دلارهای نفتی“ بسود نیازهای جنسکی ، در شرایطی که دلارهای نفتی خدیدا کاهش مییابد و نیازهای جنگی افزایش مضمون اقتصادی ایسن طرح در حقیقت قطع شا هرگ نفیست است از سبب اقتصاد متکی به نفیست ؛ و اختصاص کامل آن بمصرف سوخت ماشین جنگی و دستگا ه های سرکوب سسر ای مدت ۳ سال . کاری که فقط از رژیم چون ”ولایت فقیه“ ساخته است .

بنا بر این سیاست در ”طرح“ بعدده یکسی از اهداف اینجگا نه است که میگوید : ”تداوم حرکت در جهت اصلاح ساختار اقتصادی ، قطع وابستگی به نفت و حفظ سطح اشتغال مولد ، تا حد امکان“ (۵) اما چگونه ”ساختار اقتصادی اصلاح میشود“ و چگونه ”وابستگی به نفت قطع میشود“ و ”حفظ سطح اشتغال مولد ، تا حد امکان“ یعنی چه ؟ رهوس خط مشی

"فقها" برای تحقق چنین اهدافی بدین قرار است :

قطع سهمیه ارز دولتی برای صنایع غیر نظامی یکی از محوری ترین عناصر مشیایک برای تحقق اهداف "طرح نوین اقتصادی" در پیش گرفته شده است. محروم ساختن صنایع غیر نظامی از سهمیه ارز دولتی و یا درست تر گفته باشیم محروم ساختن از سهمیه ارز با شرح "ارزان" است. وزیر کار رژیم کاهن سهمیه ارزی صنایع را بطور عام - اعم از نظامی و غیر نظامی - چینی ارزیابی میکند: "ما نزدیک به هفت هزار واحد صنعتی بزرگ در سطح کشور داریم... این مجموعه صنعتی برای ادا مباحثات خدیک نیاز از زیاده است نزدیک به ۷ میلیارد دلار... امروز ما مواجهه با این حقیقت شدیم که این ۷ میلیارد دلار بر سه هفتصد میلیون دلار تقلیل یافته است." (۶) اما مشخصا در مورد بخشی از صنایع غیر نظامی یعنی صنایعی که زیر پوشش وزارت صنایع سنگین قرار دارد این کاهش همبازان چندین برابر است و "وزارت صنایع سنگین که نیاز از ری آن سالانه نزدیک به ۲ میلیارد دلار بود، امروز از ابتدای سال تا کنون بیش از ۳۰ میلیون دلار نصیبش نشده است" (۷). یعنی در حالیکه درآمدهای نفتی یک برابر کمتر شده و به میزان پنجاه درصد گذشته رسیده است، ارز صنایع هفتاد درصد کاهش یافته و به میزان ۱/۵ درصد گذشته رسیده است بقوت میتوان گفت بخش قابل ملاحظه ای از این سهمیه ناچیز هم به کارخانجاتی تعلق میگیرد که تولیدات آنها مصرف جنگی را تا مینمیکند. چرا که وزیر صنایع سنگین در ستایش از موفقیت های صنعتی کشورش میبازد: "در سال جاری ۱۵ تا ۱۶ میلیارد تومان قرار داد تولید با بخش دفاعی کشور منعقد شده است." (۸)

کاهش شدید سهمیه ارز دولتی برای بخش کشاورزی: میدانیم که مصرف ارز دولتی در بخش کشاورزی، تا چه اندازه حیاتی و بیابیه ای است و می دانیم کاهش سهمیه ارزی در این بخش معنی آنست که واردات و توزیع بذراصلاح شده، سموم دفع آفات، علوفه دامی، خوراک طیور، ماشین آلات و... و مدها قلم نیاز دیگر کشاورزی محدودتر خواهد شد. علاوه بر اینکه می دانیم چینی محدودیتی بمعنی تنزل تولیدات بخشی است که برکردن معده چند میلیون بوروکراسی، ارتش، بسیج، سپاه و جمعیت حزب الله را بعنوان بسک وظیفه ثابت بعهده دارد و بنا بر این تا چه اندازه دشوار و حساس است. با این وصف سهمیه ارزی بخش کشاورزی تا میزان ۴۰ درصد گذشته کاهش می یابد. توضیحات وزیر کشاورزی چنین است: "تا سال قبل که دچار مشکلات ارزی فعلی نشده بودیم، سالانه حدود ۵۰۰ میلیون دلار جهت تامین نهاده های مختلف نظیر برداروهای دامی، ماشین آلات و... در اختیار بخش کشاورزی قرار داشت... در سال جاری با پیدایش شرایط جدید... در حدود ۲۰۰ میلیون دلار از در اختیار وزارت کشاورزی... موجود است" (۹)

تلاش برای قطع سهمیه ارز دولتی و ادارات و از جمله واردات ما محتاج ضروری: درجه وابستگی

اقتصادی که در سال ۶۲ برای باز تولید خود به بیش از ۲۴ میلیارد دلار نیاز دارد، محتاج تاکید نیست، حال با توجه به اینکه این رقم، مجموع پرداخت های ارزی است برای واردات کالا و خدمات، معنی تلاش در جهت خودداری از پرداخت ارز دولتی برای واردات کالاهای غیر نظامی را می توان بهتر درک کرد. برای نشان دادن ابعاد این تصمیم بهتراست از زبان وزیر صنایع سنگین تنها به یک مورد اشاره کنیم: "الان چون ارز نداریم - ۲۰ میلیون لیتر نفت (سفید) در روز وارد نکنیم که این ارز را بتوانیم صرف مصرف بهتری بکنیم." (۱۰) وقتی در زمستان و یخبندان و شرایط بی برقی و بمباران، واردات کالاهای مثل نفت سفید روزانه بهشت میلیون لیتر (یعنی سرانه تقریباً نیم لیتر در روز) کاهش پیدا کند، تکلیف سایر کالاهای ملاروشن خواهد بود!

آنچه مسلم است، تلاش برای منحصرنمودن ارز نفتی به مصرف جنگی، عوارض و پدیده های اقتصادی و اجتماعی بسیار عمیق و سنگینی بسیار خواهد آورد. بررسی تدا بیری که برای مقابله با چنین عوارضی، اتخاذ شده است عمق ارتجاعی "طرح نوین اقتصادی" و "انقلاب اقتصادی" - به شیوه "فقها" را بهتر نشان خواهد داد. و روشن خواهد ساخت، در پوشش "اصلاح ساختار اقتصادی" و "قطع وابستگی به نفت" و... در واقع چگونه روندهای حریان دارد. نخستین و اساسی ترین پیامد احراق "طرح" بروز اختلالات وسیع در تولید صنعتی و کشاورزی است. راههایی که برای اجتناب از توقف تولید عملاً در پیش گرفته شده است مختصراً بدین قرار است:

تغییر خط تولید در جهت میلنایز کردن صنایع: بتدریج نشت و نمان و آسار و تضمین نشده آنست که: "در شرایطی که صنعت از رز کمتری دارد و دچار مشکل ارزی شده است... فعالانه وارد جنگ میشود." و "الان کم نیستند کارخانجاتی که تولید عمده شان را مستقیماً برای رفع نیازهای جبهه از مهمات و اقدام مهندسی گرفته تا خوراک و یوشاک مورد نیاز رزمندگان تخصیص داده اند... معاًون وزیر صنایع رژیم در ادامه سخنان خود می گوید: "مدیران مادر کارخانجاتی که برای تولید لوازم منزل بوجود آمده امروز مهمات تولید میکنند" و در حالیکه "صنعت ما (که) تا ۳-۴ سال پیش به عنوان پشتیبان جنگ محسوب میشد... (امروز) شریک جنگ شده است." (۱۱) و با پیدافه کرد که "تعبیر ساختار اقتصادی" در این جهت همچنان ادامه دارد، و روند میلنایز شدن صنایع گسترش مییابد.

ادامه تولید برای صادرات: سیاست رسمی چنین است: "کارخانجاتی که تولیداتشان امکان صادرات دارد، حتی دارای تنخواه گردان ارزی میشوند، رزبه آنها واگذار میشود که مواد اولیه بیاورند، تولید کنند و صادرات کنند و ارز را برگردانند." (۱۲) وزیر صنایع سنگین رژیم ابعاد این سیاست را در عمل چنین بازمی کند: "همین الان ما حواله اتومبیل رنو برای هیچکس صادر نمی کنیم، ولی هر کشور خارجی رنو بخواهد بیاورد، می دهیم." (۱۳) بنا بر این مطابق سیاست رسمی، مسئله این نیست که صنعت وابسته بماند به مواد اولیه "خارجی" و یا وابسته بماند به بازارهای فروش "خارجی" و یا تولیدات آن با الگوی مصرف

"مشروع" مطبق باشد... بلکه مسئله آنست که وابسته بماند به ارز دولتی و لااقل به ارز "ارزان" دولتی! این سیاست البته اختصاص ندارد به صنعت، بلکه کشاورزی را هم کاملاً شامل میشود. وزیر کشاورزی تصریح میکند که: "مادر بعضی موارد پیش بینی کرده ایم که به ازاء صادرات کشاورزی، تولید کنندگان بتوانند وسایط مورد نیازشان را وارد کنند... در مورد کالاهای مرکبات دولت اعلام کرده است که تولید کنندگان می توانند با ارز صادراتی اقدام به واردات کالاهای مرکبات کنند... دولت نیز اگر کالاهای مرکبات وارد کند آنرا به نرخ ارز صادراتی (یعنی ۶۰٪ برابر ارز دولتی) توزیع خواهد کرد." ما برای این کار الزام داریم، چون ما مجبور به اختصاص ارز به بخش های مهمتر و محصولات مهمتری باشیم." (۱۴) حفظ و گسترش خط تولید از طریق جذب "ارز غیر نفتی": در توضیح چنین تدبیری که راساً از جانب مدیریت صنایع اتخاذ شده است، معاون وزیر کار چنین می گوید: "مواردی شاهد هستیم که بعضی از کارخانجات ملی شده، و بخش خصوصی با اجازه دادن کل کارخانه به دارندگان "ارز" د" و تسلط کامل دارندگان ارز، بر کارخانه که حتی در نحوه قیمت گذاری و فروش تابع هیچ ضابطه ای نیست... خط تولید را حفظ می کنند." (۱۴) اما مسئولین رسمی دولتی از این فرا ترمیروند و حتی گسترش صنعتی و سرمایه گذاری های جدید را تا سنجین قاعده ای میکنند: "به متقاضی (سرمایه) - گذاری) اعلام شد، کسانی که می خواهند سرمایه گذاری کنند و ارز دولتی در اختیارشان نیست، سرونه از محل ارزهای غیر دولتی استفاده کنند." (۱۵) به تعبیری روشن تر، مسئله "ساختاری" اقتصادی از دیدگاه "فقهای عظام"، وابستگی ارزی آنست به ارز نفتی. "اصلاح ساختار" از این زاویه منحصر میشود به جانشین کردن ارزهای غیر نفتی بجای ارز نفتی در نیازهای صنایع غیر نظامی، و در عمل بمعنی تسلط غارتگری و لجام - کسختگی سرمایه تجاری و صاحبان ارز صادراتی و قاچاق است بر تولیدات صنعتی. ضمناً اینکه به برکت چنین "اصلاحی" ارز غیر دولتی، برای ارز دولتی به پایه سیستم قیمت گذاری کالاهای صنعتی داخلی تبدیل خواهد شد و سیر صعودی قیمتتها را تا میزان چند برابر مجاز خواهد ساخت.

توسل به شیوه "بای بک": "بای بک" (بایا شیوه حق العمل کاری و گرفتن مواد خام و قطعات و تولید برای صادرات و یا تولید مشترک برای بازار سوم) که حتی به اعتراف خود دست اندرکاران حکومتی: "چیزی نیست جز سرمایه گذاری خارجی، جز نوعی استقرار، البته با یک بسته بندی زیباتر." (۱۶) از مدتها پیش پیگیرانه توسط وزارت صنایع دنبال می شود و در دفاع از آن معاون این وزارتخانه، تاکید می کند: "وزارت صنایع بر این عقیده است که بای بک اگر بطور محیی - تدوین تعیین شود، می تواند یکی از راه حل های مقطعی و حتی دراز مدت صنایع کشور باشد." (۱۷) وزارت صنایع در واقع عقیده دارد، تغییر ساختار علاوه بر آنچه گفته شد، می تواند شامل تغییر منبع تامین ارز هم بشود، و از جمله پای سرمایه های بین المللی را بطمع "نرخهای آزاد ارز" و سودها افسانه ای به حوزه صنایع ایران بازتر کند.

دنباله از صفحه ۱

پیشنهاد کرده است، لازم است نظرها را درباره نکات اصلی طرح پیشنهادی حزب دمکرات، بیان کنیم.

در شرایطی که رژیم انجمنی ولایت فقیه دچار بحران عمیق و همه جانبه گشته و حاکمان های سوزناک، ماسد سلطنت طلبان و "شورای ملی مقاومت" نیز بیش از پیش در انتظار توده های مردم ایران می آید، پیشنهاد اشتراکی ارسروهای دموکراتیک

استماعا رشوبده ومحرورم که اکثرست قاطع جمعیت راستگنیل می دهد، مبارزه با قدرت دولتیستی موجود را همچون مقدمه و سرآغاز مبارزه با نظام بهره کنتی موجود تلقی می کنند. عبارات دیگر آنها علیه خودکام، سیاسی و حکومت خودکامه حاکم می نوردد و سرای سرگونی آن می کوشند تا راحت تر بنواهند سلطه طبقه بهره کن حاکم را درهم بشکنند. در کشور ما سرزمین حشش دموکراتیک واقع، می تواند صرفا خود را به مبارزه با رژیم

ارسی کسوز" علمی می کند. امیرالهای جمهوریخواه علسرغم تمام ادعاهای دموکراسی طلبی شان، در شرایط حاضر تلاش خود را عمدتا بر عقلا، ساختن رژیم جمهوری اسلام، متمرکز ساخته اند. دود ف اساسی آنها در حال حاضر عبارتست از تضعیف سبگراسی مذهبی، رژیم ولایت فقیه و انطباق دادن هر چه بیشتر آن با المراتب جامعه سرمایه داری؛ و فراهم آوردن زمینه مساعد برای

نظری به طرح پیشنهادی حزب دموکرات درباره جبهه دموکراتیک - ضد امپریالیستی

و ضد امپریالیست می تواند کام موثری در راستای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و گسترش هر چه وسیع تر آزادیهای دموکراتیک و آغاز یک انقلاب حقیقتا خلقی باشد.

ما زمان مایلانیم خود را در باره تاکتیک جبهه و اتحاد دموکراتیک ضد امپریالیستی، در شرف ۳۵ "راه کارگر" اعلام نموده و همه اجزای سازمانها و نیروهای دموکراتیک انقلابی را به تشکیل جبهه وسیع دعوت نموده است.

تاکتیک جبهه و اتحاد دموکراتیک ضد امپریالیستی در صورتی می تواند کام موثری در راستای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و وسط دموکراسی سیاسی و سایر مطالبات مردم توده ها باشد که در همین مرحله کسوی مبارزه نسوی بیکسر و انقلابی سردموکراسی تاکتیک باشد.

ضعف اصلی طرح پیشنهادی حزب دموکرات سر خوردن به غیر اصولی آن به مساله دموکراسی است. در این طرح، سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی از طریق یک قیام عمومی، توده های آزادیهای سی قید و شرط سیاسی، انحلال ارتش و ارگانهای سرکوب دولتی، و تسلیح توده های تا گذاشته شده است. و در سر خوردن های بعدی حزب دموکرات به مساله جبهه دموکراتیک و ضد امپریالیستی، بیهیچکدام از این مطالبات که در واقع ستون فقرات یک پلاتفرم دموکراتیک محسوب می شوند، طرح نشده است. و حتی در سر خوردن به مساله ملی، سبز شعار روشن حق تعیین سرنوشت خلقها در مواردی به شعار رفتار لیسیم (با عدم تمرکز) تقلیل داده شده است. این سر خوردن و بیهیچسری اصولی به خواستهای دموکراتیک، در سر خوردن به نیروهای طبقاتی سی که باید به تشکیل جبهه دموکراتیک و ضد امپریالیستی باشند سز خود را نشان می دهد. تاکتیک شرکت "نیروهای اصیل ملی" و "جمهوریخواهان" که همان سوزناک جمهوریخواه، امیرالهای جمهوریخواه هستند، و چه دیگری از همان سر خوردن و بیهیچسری اصولی به خواستهای دموکراتیک است. هر چند سوزناک دموکراتیک واقع، تنها با بمردان آمدن توده های وسیع مردم امکان پذیر می گردد و بیهیچسری دلیل نه تنها با قدرت دولت موجود می سبزد بلکه مساسات اقتصادی - اجتماعی حاکم را نیز به مبارزه می طلبد و به محاطر می اندازد. سوزناک در یک جامعه مستثنی بر بهره کنتی، توده های

مشارکت در قدرت دولتی با عبارت دیگر بیان دادن به "انحصار طلبی" سیاسی فقهی حاکم، شعار سرنگونی بخشی از آنها صرفا حربه ای است برای اعمال فشار رحمت گرفتن امتیاز و داشتن دست بالا در ساخت و بخت با فقهی حاکم. مبارزه برای دموکراسی و علیه امپریالیسم اساسا وسیله طبقه کارگر و توده های زحمتکش شهر و روستا پیش می رود. تا دیده گرفتن این حقیقت، حشش دموکراتیک را به سیرا می کشاند و از مضمون زنده و انقلابی اش تهی می سازد. بنابراین در هر اشتلاف و اتحاد عملی برای دموکراسی با بنی سنا که را بر اتحاد عمل نیروهای دموکراتیک و انقلابی گذاشت و شیوه ای انقلابی و استوار برای دموکراسی، جنگیده و با طرح عسار و حربانان لبرال و طرفداران دروغین دموکراسی، از طرح قاطع و صریح شعارهای دموکراتیک خودداری نکرد. اگر شعار دموکراسی طلبی وسیله ای برای اتحاد و سازش با این پاتان حربان لبرال سوزناک نیست و اگر اتحاد و اشتلاف واقع برای دموکراسی است، با بنیستی خواستهای دموکراتیک را با صراحت پیش کشید و شیوه ای انقلابی برای تحقق آنها جنگید و سی توجه به هراس و ناخشنودی لبرال سوزناکها پیش رفت.

گفتن ندارد که پلاتفرم طبقه کارگر در اشتلافهای دموکراتیک، از آنجا که بر مبارزه بیکر و شیوه انقلابی استوار است، اساسا معطوف به همکاری با نیروهای دموکراتیک و انقلابی است. و متحدین کمونیستها در هر جبهه یا اشتلاف دموکراتیک اساسا عبارتند از نیروهای سوزناک - دموکرات، یعنی آنها که منافع توده های خسرده - سوزناک شهر و روستا را نمایندگی می کنند و پایه مبارزه شان را بر محور اتحاد این توده ها با طبقه کارگر قرار می دهند. اما تردیدی نیست که در تاکتیک جبهه دموکراتیک - ضد امپریالیستی مسای حرکت سربک پلاتفرم انقلابی - دموکراتیک گذاشته می شود و نه بر ترکیب نیروها. از این رو، گرچه در صحنه کسوی طبقات درجا معسار، سوزناک لبرال نیروی ذخیره ضد انقلاب محسوب می شود و منافع عینی اش او را در بیکارهای بقیه در صفحه ۳۰

ولایت فقیه محدود کند. توده های میلیونی، زحمتکشان که سرای سرگونی رژیم ولایت فقیه بر سر دارد، از جمله به نظام اجتماعی، بهره کنتی موجود خودداری نخواهند کرد. و این حزی است که سوزناک ایران، یعنی طبقه بهره کنتی حاکم در جامعه ما را ز هر حشش دموکراتیک توده ای سوخت می اندازد. هر چند منافع رژیم ولایت فقیه سنا منافع سوزناک ایران کا ملاسطاق ندارد و حوزه های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در باره ای موازت و منافع حدی آنها را از همدگر جدا می کند. و هر چند حشش مهمی از سوزناک ایران خواهان سرگونی رژیم ولایت فقیه است، اما هم سوزناک و هم رژیم ولایت فقیه در دفاع از مساسات تولیدی حاکم سز معسار، یعنی در مقابل توده های میلیونی کارگران و زحمتکشان، اشتراک منافع حدی دارند. سمدان آمدن توده های میلیونی کارگران و زحمتکشان در سربک حشش دموکراتیک و انقلابی، به تنها منافع رژیم ولایت فقیه بلکه منافع عمومی سوزناک را نیز به خطر می اندازد. سمس دلیل سوزناک ایران از هر نوع مبارزه انقلابی برای دموکراسی سیاسی و سز دارد، هیچک از اقشار سوزناک، خواهان شکل گیری یک حشش دموکراتیک توده ای که اشتراکات م انقلابی، توده های میلیونی کارگران و زحمتکشان را به مدان نکشاند، هستند. تنها دنی نیست که امیرالهای جمهوریخواه، آلترنا سوزناک، رژیم ولایت فقیه، با اصطلاح "متبادل سوزناک معقول تر شدن" سز همچون مسعدترین آلترنا سوزناک می سگرد و اسهم روی با اصطلاح "استحاله رژیم شرط بندی می کنند، آنها سرای آنکه گرفتار یک "سیلاب" انقلابی توده ای شوند سز احتسار حاضرند با سلطنت با روحانیت سازش کنند. هراس آنها از یک انقلاب توده ای سراسری کا ملاسطاق فهم است. آنها از آن می ترسند که در حربان انقلاب توده های زحمتکش و لگد مال شده، تفنگ را از اس دوش به آن دوش سمانند و قدرت مسلح توده ای خود را منوجه انهدام نظام سرمایه داری حاکم سازد. از این رو، آنها حق انقلاب توده های مردم را "ماحرا حوشی و سزای سزناک" آزادیهای سی سز و شرط سیاسی را "سزناک"، تسلیح توده ای و انحلال ارگانهای سرکوب دولتی سرمایه داری را گمائی ناخشنودی، و حق تعیین

نگاهی کوتاه به تحولات اتحاد شوروی

جامعه شوروی در دو سال گذشته، بعضی از اسباب مسخ شیل گورباچف به سمت دسرکلکی کمیته مرکزی ج. ک. ا. ش. با نسو، وارد دوره ای از تحولات بسیار جدی و پیرامنه شده است. مضمون وجهی این تحولات هرچه باشد، اثرات آن بی تردید از محدوده اتحاد شوروی فراتر خواهد رفت و نه تنها در اردوگاه کشورهای سوسیالیستی، بلکه در سراسر جهان بارتاب گسترده ای خواهد داشت. زیرا این تحولات گذشته از اینکه در اتحاد شوروی، یعنی اولس و قدرتمندترین کشور سوسیالیستی جهان، صورت می گیرد، دارای ابعاد و امسبه بسیار مهم و بی سابقه برهبت، بهمین دلیل همه اجزای و جزایهای سیاسی در سراسر جهان، از کمونیستها گرفته تا هائرنس ضد کمونیستها را ز دوستان شوروی گرفته تا دشمنان آن، مضمون و مسراس تحولات را با دقت تمام بررسی و تبعیت می کند. کمونیستهای ایران نیز با سستی رویداد این تحولات را با دقت و حساسیت اغلاسی تعقیب کنند و از علل تکیس، مضمون و وجهی آن درک روشنی داشته باشند.

اما برای بدست آوردن یک درک مقدماتی از این تحولات، لازم است نگاهی کوتاه به خطوط کلی سیاستها و اقدامات رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی در دو سال اخیر پیدا کنیم. سیاستها و اقداماتی که مهم ترین خطوط آنها در پلنومهای کمیته مرکزی و کنفره بیست و هفتم حزب کمونیست اتحاد شوروی و در یک سلسله انصمیمات دقتی سیاسی کمیته مرکزی بیان شده است. و در این میان پلنوم کمیته مرکزی در آوریل ۱۹۸۵، کنفره بیست و هفتم، و سوزنه پلنوم کمیته مرکزی در ژانویه ۱۹۸۷ اهمیت و برجستگی زیادی دارند. به خلاصه نرس روایت چنین است:

ارسن بردن لحنی ورگودکنونی در اقتصاد اتحاد شوروی و ثبات بخشیدن به رشد اقتصاد - احساسی این کشور، بحسن و مهم نرس محسور سیاستها و اقدامات اجریرهبری حزب کمونیست شوروی است. در توضیح این سیاست، گورباچف در گزارش به کنفره بیست و هفتم چنین می گوید: "منظور ما از ثبات بخشیدن چیست؟ مقدم بر هر چیز، معنی آن بالا بردن آهنگ رشد اقتصاد است. اما این، همه معنی آن نیست. اساسا منظور از آن، کیفیت سوسیالیزم است؛ زرفایسیدن (انسیفیکاسون) همه خانه تولید بر اساس سرفت علمی و فنی، بازسازی ساختاری اقتصاد، اشکال موثر مدیریت و سازماندهی و ترغیب به کار". و در همین رابطه، در گزارش دقتی سراسری به پلنوم کمیته مرکزی در ژانویه ۸۷ چنین می گوید: "هدف اصلی استراتژی ما، بهبود دادن انقلاب علمی و فنی با اقتصاد سازماندهی، و یکبار انداختن طرفت کامل سوسیالیسم است". برای دست یافتن به این هدف، علاوه بر سیاست افزایش وسع سرمایه گذاری در سوزای و تقویت فنی تولید، از طریق سکارگیری گسترده تکنولوژی جدید،

وسایب اغلاسی ساری در سراسر مهربیهای انصمادی و صرفه جویی در مصرف و بحصص مناسع، توجه بیشتر به کیفیت محصولات و خدمات تا به کمیت آنها؛ سیاستهای مهمی سز در زمینه تجدید سازمان ساختاری اقتصاد شوروی اتحاد شده و با اسجاد خواهد شد که آثار اجتماعی و سیاسی بسیار پیرامنی سار خواهد آورد. مهم نرس این سیاستها که با سال اغلام شده اند، بحین هستند:

- به سگاههای انصمادی، اسفلال مالی سشرو نرس ساری، سابعه ای داده خواهد شد تا حدی که پاره ای از آنها خواهند توانست با شرکتهای خارجی مستقیم وارد معامله شوند. در راستای این اسفلال مالی وجود کردایی، سگاههای انصمادی حق خواهد داشت بحسن اعظم درآمد خود را به سستی که مناسب می سسند سرمایه به - گذاری، با داشتن کارکنان و غیره احتصا بدهند. و سگاههایی که کارآئی و بهره وری لازم را ندارند مورد حصا سب قرار نخواهند گرفت، سعارت دیگر به سگاههایی که ضروری دهند، اجازه ورشکسته شدن داده خواهد شد.

- سیاست سراسری دستمردها بطور کامل کنار گذاشته می شود و سیاست اسفاده از مشوقهای مادی بطور وسیع سکار گرفته می شود. در این مورد، گورباچف در پلنوم ژانویه ۸۷ اغلام کرد که: "ما بطور قاطع تصمیم گرفته ایم که سراسر - سازی دستمردها را رها کرده و بدون سزلزل، اصل سوسیالیستی با داشتن سراسر کمیت و کیفیت کار انجام شده را رعایت کنیم".

- به بحسن نعا و بی اهمیت سبشتی - داده می شود و تعاضی های کشا و رزی (کالخورها) از اسفلال عمل سشتری برخوردار می شود، آنها می توانند محصولات اضافی (یعنی اضافه بر میزان تعبیین شده در سراسر) را به قیمت آزاد در بازار عرضه کنند. تعاضی های پیشه وری ایجاد می گردند. - فعالیت خصوصی در محدوده و تحت سرناطی معیین آزادی می گردد. در نوا سز گذشته شورای عالی اتحاد شوروی قانونی را تصویب کرد که طبق آن افرادی سواسد سراسری کار خود را اعصصای حاسوبه شان در حوره های معیین به فعالیت خصوصی سپردارند. و برای امکان پذیر ساختن فعالیت اسن واحدهای خصوصی به همه کارخانه ها حق داده می شود که مازاد مواد خام و محصولات حسی خود را به کارخانه های دیگر با معوم مردم بفروشند.

مجموعه این اقدامات بدون اسفاده از مکان سراسری سار در محدوده ای معیین، امکان با بدرسسند، سراسر رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی مصمم است که در محدوده ای معیین از مکان سبزیهای ساز در کنتر سراسر مهربی سوسیالیستی اسفاده کند. در پلنوم ژانویه ۸۷، گورباچف در دفاع از این تصمیمات گذشته اسفاد کرد و اغلام نمود که: "پیش دا و سبهای مربوط به بحسن مناسات کالای پولی و کارکرد

ما سوار سش، که غلنا بطور آشکار سقظه معا سل سوسال سس و سگاه سنا آن تلقی می شد، به سرحوردهای اراده گرایانه در اقتصاد، سفسی اسفلال مالی، و همسان سازی دستمردها منحصر شد. اس پیش دا و سبها موجب سوجود آمدن اصول ذهنی گرایانه در شکل گیری سسما، اسفلال در گردن پول، بی توجهی به مسائل مربوط به سسطیم عرصه و سعا سز گردیده است".

هر حصد ثبات دادن به آهنگ رشد اقتصاد، هدف اصلی سیاستها و اقدامات جدید رهبری اتحاد شوروی است. اما تحولات این کشور سبب چه سس حوره اعتماد محدود سبی گردید و در واقع جنسه سیاسی تحولات آغاز شده سبب وحکم اهمیت تر ارحبه اقتصادی آن سست. رهبری اتحاد شوروی در اسفاده است که بدون سبج سس، بدون اطلاعات دادن به مردم و حطب مشارکت آنها در تصمیم گیریها، سشاب بخشیدن به آهنگ رشد اصصا د کشور عموما ممکن است. در تاکت سراسر نکه بود که گورباچف در گزارش به کنفره بیست و هفتم اغلام کرد که "ثبات بخشیدن به رشد سس بدون سشتر سس سس سس سس و تحلی سات دموکراسی سوسیالیستی غیر قابل تصورنا ممکن است". و در گزارش به پلنوم ژانویه ۸۷ با آوری سمود که "تنها کسی که خود را از اسفلال خود سناد، می سواند سنا سس سس سس". در این راستا اقداماتی آغاز شده اند که مهم ترین آنها عبارتند از:

- اطلاعات دادن به مردم و درجریسان واقعات قرار دادن آنها که اسفلال "علمی ساری" معروف شده است. هم اکنون در این جهست اقداماتی صورت گرفته که در چند دهه گذشته در اتحاد شوروی بی سابقه بوده است. مطبوعات و رسانه های عمومی به افشای سسهای سس، اسفلال و اسفلال دست زده اند. و در این میان گاهی حتی بای مقامات مهم حری و دولتی نیز بمیان کشده شده است. گزارش گورباچف به پلنوم ژانویه ۸۷ سحوی روح ساست "علمی سازی" را بیان می کند. در این گزارش سرحا اغلام می شود که مشکلات جامعه شوروی به یکی دوده اخیر محسود نمی گردید بلکه منشاء آنها در گذشته دورتر قرار دارد؛ گفنه می شود که تصورات نظوریک رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی در سطح دهه های ۴۰ - ۱۹۲۰ ساقی مانده است؛ گفنه می شود که راه حل مشکلات درنا زگشت به ارزشهای دوره لنینی و اصل سسی سسود ذاتی میان دموکراسی و سوسیالیسم سسخته است؛ و تا کیدی شود که "... خود تجدید سس سازماندهی نیز جز از طریق دموکراسی و در نتیجه دموکراسی امکان نا پذیر است، تنها از این طریق است که می توان قدرتمندترین سسروی حلی سوسیالیسم را آراساحت؛ کار آزاد و تولید سس آزاد در کشور آزاد". در همین راستا سس گورباچف در یکی از سسراسی های خود به سسوم بقیه در صفحه ۲۹

دنباله از صفحه ۱

ساله این روز را یکی از وظایف مستمر عمده تشکیلاتی خود میداند و بدین لحاظ نیز با مسرت و تدارک برگزاری این روز را یکی از وظایف اصلی کمیته مرکزی قلمداد می‌کند. امسال نیز بمناسبت صد و یکمین سالگشت اول ماه مه تمامی اعضا و هواداران تشکیلات را به برگزاری منظم و یکپارچه و سازمانیافته این روز فرا میخواند. بدین لحاظ دبیرخانه کمیته مرکزی ضرورت یکدوره تبلیغات منظم مرکزی را به مناسبت بزرگداشت صد و یکمین سالگشت اول ماه مه به عموم تشکیلات اعلام میدارد. بدین مناسبت رعایت و اجرای دستورالعملهای زیر برای کلیه کمیته‌ها، واحدها و هواداران تشکیلات الزام آور است.

رهنمودهایی درباره

صد و یکمین سالگشت اول ماه مه

میهمانی، بیکنیک و جشن تولد و عروسی و غیره)، رفتن به نزد خانواده‌های کارگران اخراجی، زندانی و شهید و برگزاری مراسم جشن اول ماه مه در این محافل یکی از وظایف ماست. از طرف دیگر شرکت در پانتهای کارگری و سازمان دادن جشن اول ماه مه همیاری کارگران با وجهه قدیمی، همراه با بخش شیزینی و شربت و... معرفی این روز و اهداف ما به اشکال مختلف می‌تواند در ارتقاء آگاهی و اتحاد طبقاتی کارگران و گسترش آید. تعطیل این روز و اهداف ما در بین بسیجی‌ها از کارخانه‌ها و محلات کارگری بسیار موثر باشد. از آنجا که اول ماه مه سال مصافق است با روز جمعه و ماه رمضان، بنابراین در نحوه برگزاری مراسم امسال با یستی بسته به وضع و احوال تغییراتی داده شود و شیوه‌های اتخاذ کردگی مراسم هر چه با شکوه‌تر برگزار گردد. مثال سالیهای پیش احتمالاً لازم خواهد

مرکزی انتشار می‌یابد که ناظر بر محورهای اصلی تبلیغات ماست. تکثیر و توزیع این اعلامیه یکی از اجزای اصلی تبلیغات کتبی و مخفی ما را تشکیل میدهد. علاوه بر اعلامیه کمیته مرکزی، با بساز تراکت و شعاری نیز استفاده نمائیم. برای آنکه مضمون و شکل تراکتها و شعاری ماسر سراسر ایران حتی المقدور یکدست و واحد باشد، دبیرخانه کمیته مرکزی مضامین تراکتها و شعاریها را تنظیم کرده در اختیار کمیته‌ها و واحدها قرار می‌دهد. برای تنظیم دیگر شعاریها بنا به صلاح دید با مضمون مطروحه در اعلامیه کمیته مرکزی، نشریه مرکزی (که مطالبات ویژه‌ای برای اول ماه مه اختصاصی می‌دهد)، رادیو "صدای کارگر" و نیز مطالبات پلانفرم جنبه‌ها

۱- شعار و رهنمود اصلی ما بمناسبت این روز: برگزاری صد و یکمین سالگشت اول ماه مه روز همبستگی بین المللی طبقه کارگر شعاری ما بمناسبت این روز می‌باشد. این شعار را نظریه پیوندناگسستی و بین المللی طبقه کارگر در سراسر جهان است. شعار اصلی ما برای سال آینده، شعاری که طبقه کارگر کشورمان را به اقدام حول آن فرامی‌خوانیم، جنبه واحد کارگری است. ما کارگران کشورمان را دعوت می‌کنیم به منظور هر چه یکپارچه تر و موثرتر ساختن مبارزات بخشهای مختلف طبقه کارگر ایران، جنبه واحد کارگری را با جدیت بنا بند. مطالبات مقدم این جنبه در حال حاضر، نظریه مبارزه علیه لایحه ارتجاعی قانون کار رژیم جمهوری اسلامی و برای یک قانون کار دموکراتیک؛ و مبارزه علیه جنگ ارتجاعی ایران و عراق و آزادی زندانیان، بی است. این مطالبات می‌توانند طبقه کارگر را برای نبردهای بزرگ آینده متحد و مجهز نمایند. ما با ارائه پلانفرم جنبه کارگری، بر اساس مطالبات پایه‌ای طبقه کارگر ایران در شرایط موجود مبارزه طبقاتی، کلیه کارگران را به هماهنگی و اتحاد دعوت می‌کنیم و بویژه روز اول ماه مه را بمناسبت تجدید پیمانی برای این اتحاد مقدس طبقاتی کارگران میدانیم.

با توجه با آنکه تعطیلی رسمی روز اول ماه مه با پرداخت حقوق، یکی از مطالبات اصلی جنبه کارگری است، با یدانین شعار را بطور منظم و گسترده و بعنوان یکی از اجزای دانشی تبلیغات ما مطرح کنیم. راهنمای عمل و اقدام متشکل ما بمناسبت این روز همین شعار است. ما با بساز کارگران را دعوت به تعطیل کار در ایستگاه روز و مبارزه برای دریافت حقوق این روز بعنوان تعطیل رسمی کارگری بنمائیم. علاوه با بساز هرگونه مراسمی را از جانب رژیم بمناسبت این روز تحریم کنیم.

۲- مضامین تبلیغات کتبی و مخفی ما: بمناسبت این روز، اعلامیه‌ای از جانب کمیته

کارگری را مدنظر قرار بدهید. در تبلیغات کتبی و مخفی همواره با یدان ما سازمان ذکر کرده. علاوه تلاش نمائید تا در تبلیغات کتبی حتی المقدور از رنگ سرخ نیز استفاده کنید. در مجموعه تبلیغات کتبی ما همواره با یدجا یگانه اصلی رهنمود ما مبتنی بر تعطیل کار در روز اول ماه مه و مبارزه برای دریافت حقوق این روز و تحریم مراسم رژیم محفوظ باقی بماند.

۳- اشکال تبلیغات کتبی و مخفی ما: رعایت نکات امنیتی: در ارتباط با تبلیغات مضامین، با یداز کلیه طرق بویژه تکثیر و توزیع اعلامیه، چسبانک، تراکت و شعاری نیز استفاده نمائیم. در میان کلیه این طرق بویژه با یدبسر شیوه بست سرخ تا کیدکنیم. تمامی کمیته‌ها، واحدها و هواداران سازمان را به استفاده از این شیوه، در مقیاسی وسیع فرا می‌خوانیم. اعلامیه کمیته مرکزی و تراکتها با یدبوسیله پست سرخ و سیما در مناطق کارگری و زمینکش نشین توزیع شوند. در مورد تشکیل واحدهای بخش و توزیع و شعاری نویسی با یداستحکام امنیتی واحدها در نظر گرفته شود و تنها در صورتی که واحدها از استحکام امنیتی و تدارکاتی مطلوب برخوردار باشند با ید شعاری نویسی و بخش تراکت را سازمان دهند. در کلیه این موارد رهنمودهای مطروحه در نشریه رسد شماره‌های ۳۵ و ۲۴ در مقاله‌های مربوط به تبلیغات و پست سرخ رجوع نمائید و مطابق این رهنمودها عمل کنید.

۴- رهنمود درباره برگزاری مراسم: همانطوریکه پیشتر گفتیم، رهنمود اصلی ما بمناسبت اول ماه مه عبارتست از تعطیل روز اول ماه مه با پرداخت حقوق و تحریم هرگونه مراسم رژیم. بنا بر این حاضر نشدن سرکار و لوبه قیمت آنکه حقوق آن روز کارگران پرداخت نشود، راهنمای اصلی اقدامات ما می‌باشد. ما با یدبرای تبدیل اول ماه مه به روز تعطیل رسمی کارگران مبارزه کنیم. در این روز ما با ید درجا ها شبکه کارگران دست از کار کشیده‌اند، محافل خانوادگی را شکل دهم، تشکیل محافل خانوادگی در اشکال مختلف

کوشید مراسمی بمناسبت این روز برگزار نکنند. ما با یدکارگران را به تحریم این مراسم فراخوانیم و برای سازماندهی موثر این تحریم، بسته به شرایط مشخص، تدابیر مشخصی اتخاذ کنیم.

۵- مضامین و اشکال تبلیغات شفا هی و علنی ما: ما با یداز چند هفته (سه هفته) پیش از روز اول ماه مه (۱۱ روزه پیش) و نیز تا مدتی پس از این روز درباره اهمیت این روز، صد و یکمین سال بزرگداشت آن، و سازمان تبلیغات می‌تواند در میان کارگران و در مجامع عمومی (اعم از تجمعیات و انجمن‌ها، مجامع عمومی کارگری، غذا خوریها و غیره) دست به تبلیغات شفا هی بزنیم و از کلیه امکانات این روز و بزرگداشت آن (فی المثل ترتیب مسابقه ورزشی با نام روز کارگر با اول ماه مه و ترتیب دادن قرعه‌کشی ویژه برای اجناس مصرفی تعاونی مصرف تحت عنوان اول ماه مه و غیره) استفاده نمائیم.

در این موارد تبلیغات شفا هی جزئی از تبلیغات علنی و توده‌ای ما را تشکیل میدهد و می‌باید از کلیه ضوابط مطروحه در مقاله مربوط به تبلیغات در نشریه رسد شماره ۲۴ تبعیت نمود. بدین معنا که اولویت تشکیلاتی ما بهیچوجه نباید آشکار شود، تا نباید در انجام این تبلیغات محلیهای طبیعی با یدمورد استفاده قرار گیرند تا موجب کمترین حساسیت ویژه‌ای روی ما نشود.

محورهای تبلیغات شفا هی ما کداند؟ در این تبلیغات ما با ید هشت محور زیر مدنظر داشته باشیم:

۱) معرفی روز اول ماه مه، بویژه تاریخچه آن و اهمیت بزرگداشت صد و یکمین سالگشت این روز، در این مورد علاوه بر مطالبی که سازمان بطور ویژه بمناسبت اول ماه مه تهیه می‌کند، رفق می‌توانند از کتب و مقالات موجود قانونی، که به شرح تاریخچه اول ماه مه اختصاصی دارند، استفاده کنند.

۲) شرح ضرورت تعطیلی رسمی اول ماه



مه با پرداخت حقوق و تبلیغ تحریم مراسم فرمایشی رژیم با نحا و طرق گوناگون.

۳) احیای خاطرات بزرگداشت اول ماه مه در اولین سالهای پس از انقلاب بهمین ونیز نقش کارگران (بویژه نفعگران و کارگران کارخانههای بزرگ) در براندازی رژیم شاه.

۴) ضرورت اتحاد کارگران و تاکید بر قدرتی که از اتحاد کارگران ناشی می شود و همبند و ضرورت اتحاد دسديکائی کارگران برای مطالبات مشخص و روزمره خود، در این حوزه تبلیغ جبهه واحد کاری حول پلاتفرم پیشنهادی کمیته مرکزی سازمان اهمیت ویژه ای دارد.

۵) سادآوری از کارگران اخراجی، زندانی و با اعدام شده، در اسن مورد بویژه ضرورت مقاومت در مقابل اخراجی، تاکید بر حق کار و بیمه بیکاری ونیز تشویق کارگران برای رفتن نزد خانواده کارگران اخراجی، زندانی و اعدامی بمناسبت اول ماه مه.

۶) افشای تضییقات کارفرمایان، انجمنها و شوراهای اسلامی بطور اعم و در ارتباط با اول ماه مه بزرگداشت آن منحا به روزسین المللی کارگران بطور اخص.

۷) توه دادن به این حقیقت که تا کنون سه لایحه قانون کار ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی در مقابل مقاومت کارگران کننا رفته ورژیم، با دیگر برای تحمیل قانون کار ارتجاعی دیگری دست به اقدامات و تشبثات گوناگون زده است. ضرورت مبارزه علیه لایحه قانون کار ارتجاعی و تاکید بر مطالبات پایه ای طبقه کارگر در مقابل تنها کارفرمایان ورژیم به حداقل سطح زندگی کارگران.

۸) تبلیغ علیه جنگ و اختناق و ضرورت صلح و آزادیهای سیاسی برای متشکل شدن کارگران بمنحا به یک طبقه واحد و بیگانه و برای آنکه بتوانند بعنوان تنها طبقه انقلابی و مقتدرترین نیروی اجتماعی به پشتاتما می استنما روشندگان علیه جنگ ارتجاعی و استبداد دواستنما ربا شد.

در کلیه این تبلیغات ما با بدشعرا رها و رهنمودهای اصلی خود را در نظر داشته باشیم و کارگران را به این حقیقت رهنمون شویم که "چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است"

۹- گزارشی درباره اقدامات و تبلیغات اول ماه مه: کلیه کمیته ها، واحدها و هواداران منعهد موظفند گزارش اقدامات خود را بمنحا سبت اول ماه مه بر طبق پرسشنامه ویژه ای که بمنظور ارزیابی از اقدامات تشکیلات در این روز تهیه شده است، به مرکز ارتباطات سازمان ارسال نمایند. این پرسشنامه به پیوست دستورالعملهای فوق الذکر در اختیار رفقا قرار می گیرد.

دسیرخانه کمیته مرکزی سوم فروردین ۱۳۶۶

پرسشنامه ویژه اقدامات و تبلیغات دوره ای منظم مرکزی اول ماه مه

۱) از اشکال توزیع اعلامیه، تراکت و شعرا نویسی کدامیک را مورد استفاده قرار داده اید؟ به چه نحو (بست سرخ، نوربغ خانه به خانه وغیره)،

از هر کدا مه چه سندا در چه مدت زمانی (از چه تاریخی شروع و تا چه تاریخی ختم کرده اید) در محله، یا کارخانه اسفا ده کرده اید؟ واکنش کارگران و مردم در مقابل مضمون تبلیغات ما و در چه حضور ما چه بوده است؟ (بویژه در مورد شعرا ورهسود اصلی ما)

۲) شعرا و مضمون تبلیغات ودا مننحه فعالیت ما بر نسروها در این روز و واکنش کارگران و مردم در مقابل تبلیغات و فعالیتشان چه بوده است؟

۳) در چه مواردی دست به تبلیغات شفا هی وعلی زده اید؟ از چه هنگامی اینگونه تبلیغات را شروع و در چه مو قعی آن را پایان داده اید، تاثیر مشخص این تبلیغات بر کارگران چه بوده است؟

۴) آیا اعضای شرکت کننده در محافل کارگری ویا محافل مطالعاتی کارگری وغیره در بزرگداشت این روز فعالیت داشته شرکت کردند، به چه نحوی؟

۵) آیا بحثهایی در میان کارگران پیش از اول ماه مه و بعد از آن بطور خود خودی در گرفته است، مسائل مطروحه در میا حثات کدا م بوده اند؟ استنکارات کارگران در برگزاری اول ماه مه چه بوده است؟

۶) ابتکارات خود شما چه در موقع تبلیغ شفا هی و چه در تبلیغ کننی و چه در نحوه برگزاری اول ماه مه و چه در تحریم مراسم فرمایشی رژیم کدا م بوده است؟

۷) آیا مواردی از برخورد بدین کارگران با مدیران و کارفرمایان، انجمنها و شوراهای اسلامی ویا عوامل سرکوبگر رژیم در برگزاری اول ماه مه سراغ دارید؟ این برخوردها را شرح دهید (زمان و نوع حرکت، دلیل آن، مدت آن، تعداد کارگران کارخانه و تعدادی که درگیر بوده اند و غیره) روحیات کارگران را در طی اقدام و نظراتشان را در باره این برخوردها توضیح دهید؟

۸) آیا هیچک از سازمانهای شرفای حوزه فعالیت شما (مثلا نعا ونیها یا گروههای ورزشی کارگران و...) فعالیت داشته بزرگداشت اول ماه مه شرکت کردند، ابتکاری در این زمینه بروز دادند؟ چگونه و تحت تاثیر چه عواملی؟ تاثیر آن بر کارگران چه بوده؟

۹) آیا در روز اول ماه مه محافل مختلف کارگری در محلات کارگری، با توفهای کارگری و... اقدام به برگزاری مراسم اول ماه مه کردند؟ چگونه؟ عکس العمل و نظراتشان نسبت به این روز، نحوه برگزاری مراسم، محملهای آن، تاثیر بر کارگران و محیط و... را مقلتا توضیح دهید.

۱۰) نحوه برگزاری روز اول ماه مه توسط کارگران صنوف چگونه بود؟ نحوه برگزاری، زمان برگزاری، مضمون جلسات بزرگداشت این روز، تعداد جمعیت و ناثیرات بر مبارزه و روحیه کارگران و... را توضیح دهید.

۱۱) چند در صد از کارگران کارخانه (ونیز تعداد) حوزه فعالیت شما در روز اول ماه مه به مراسم فرمانشی نرفتند؟ و چند درصد (تعداد) بر شرکت در مراسم از خود تعابیل نشان دادند؟

۱۲) مراسم رژیم را گزارش نماید (نحوه تشکیل آن، تعداد دوا در صد تقریبی کارگران شرکت

کرده در آن در مجموع، شیوه های رژیم برای شرکت اجباری کارگران در مراسم، نحوه سخنرانی مقامات دولتی و تاثیر آن بر کارگران، نحوه محافظت از مراسم و سخنرانان توسط رژیم، نقش انجمنها و شوراهای اسلامی و کارفرمایان در تدارک مراسم رژیم ونیز نقش خانه کارگر در تدارک مراسم (وغیره). اقدامات کارگران در حین مراسم چه بوده است؟ و ابتکارات آنان در تحریم مراسم چه قرار بوده است؟ آیا نیروهای دیگر در حین مراسم اقدام به اخلاص در مراسم نموده اند، به چه شکل، ناچه اندازه موفق بوده اند و تا تاثیر آن بر کارگران چه بوده است؟

۱۳) بطور کلی تصورات و میزان شناخت کارگران حوزه فعالیتتان را از روز اول ماه مه توضیح دهید.

۱۴) تاثیر برگزاری اول ماه مه توسط کارگران و تبلیغات ویژه ما در مورد این روز بر روی دیگر طبقات خصوصا توده های تهیدست چگونه بوده است؟ و آنان در مورد این روز چه فکر میکنند؟ اقدامات آنان نسبت به برگزاری این روز چه بوده است؟

۱۵) پیشنهادات مشخص شما برای برگزاری مورنرا اول ماه مه و نحوه تبلیغات در این باره کداست؟

۱۶) سمنه های از اعلامیه و تراکت های تکنیر شده توسط خودتان را برای ما ارسال کنید. لازم بیایدآوری است که تنظیم و ارسال گزارشات فوق باید اکیدا با توجه به تما جنبه های امنستی وبدون هرگونه اطلاعات مشخص و سرنخ، همراه باشد.

دسیرخانه کمیته مرکزی سوم فروردین ۱۳۶۶

منتشر میشود

کارگران همه کشورها متحد شوید!

تظریع پرفراشه

سازمان کارگران متحد ایران



سازمان کارگران متحد ایران

جنگ و کارگران ...

کفش شاه

گروه صنعتی رف

ارج

در این کارخانه هم مثل سایر کارخانجات، تعدادی از کارگران را برای فرستادن به جبهه، به جبهه‌سازندگی و با کارخانجات اسلحه‌سازی و نظامی فرستاده‌اند. ۵۰ تن از این کارگران را به یکی از مراکز اسلحه‌سازی و سازنده مواد انفجاری در نزدیکی تهران اعزام کرده‌اند که مدتی پیش، این کارخانه اسلحه‌سازی بدلائل نامعلومی دچار آتش‌سوزی گردید که منجر به کشته شدن تعدادی از کارگران گردید. ۲ تن از کشته‌شدگان جزو کارگران کارخانه ارج می‌باشند. ضمناً در این کارخانه ماهانه مبلغ ثابتی بعنوان کمک به جبهه‌ها به اجازت حقوق کارگران کسر می‌گردد. کارگران از این مسأله ناراضی می‌باشند.

در تاریخ ۱۱/۱۱/۶۵، یک ساعت پیش از پایان ساعت کار، کارخانه تعطیل گردید و کارگران را به شرکت در مراسم عزاداری فراخواندند. در این مراسم که به مناسبت کشته شدن یکی از کارگران کارخانه برگزار شده بود، آخوندی سخنرانی کرد و از کارگران خواست که جانی همکارشان را در جبهه پر کنند و سپس آیه‌ها و احادیثی درباره جنگ و جهاد مسلمانان آورد. پس از وی نیربنا به قرائت قرآن ادامه یافت. در این مراسم اکثر کارگران ساختار کشته شدن همکارشان شرکت کرده بودند ولی کمتر کسی رفتن این کارگر به جبهه را تأیید می‌کرد، اکثر کارگران می‌گفتند تقصیر خودش بود، مگر آدم بخاطر یک مشت آخوند جنگ طلب جانش را به خطری اندازد. علاوه بر این، اوایل بهمن ماه از طریق بلندگسوز از کارگران خواسته شده بود که برای اعزام به جبهه خود را به مسئول بسیج معرفی نمایند که آن استقبال صورت نگرفت و کارگران مطرح کردند که کسی که عقل سالم ندارد، به جبهه می‌رود.

از طرف انجمن‌های اسلامی شرکت‌های وابسته به ناعنی زامیاد، رادیو توریستی و نیرسازی، به مناسبت دهه فجر برنامه‌های ویژه‌ای برگزار کردند. از جمله اینکه در تمامی روزها سه مدت یک ساعت مراسم سخنرانی اجرا گردید و مسئولان انجمن و سخنرانان دیگر، همگی در رابطه با حکم و مزایای انقلاب اسلامی و چگونگی حمایت و پشتیبانی از انقلاب و غیره صحبت کردند. اکثر کارگران این مراسم را تحریم کردند و در سالن تولیدی نقاط دیگری مشغول صحبت بایکدیگر بودند. کسانی هم که در سخنرانی شرکت کرده بودند، از این برنامه‌ها بشدت خسته شده بودند، سخنرانان هم‌های ورزشی، کارگران سایر برنامه‌ها را چون شرکت در کلاسهای عقیدتی، مباحثات و غیره را نیز تحریم کردند. کارگران می‌گفتند که رژیم قصد دارد اجرای این مراسم برای خودش شکوه و حلال کسب‌کنند زیرا روز به روز می‌بینند نفوذ در میان مردم از دست می‌رود. ضمناً علیرغم تبلیغات وسیع در سطح کارخانه، تنها ۶ نفر به جبهه رفتند.

گزارشاتی از ایران یاسا

اعتراض دسته جمعی علیه شبکاری

در پی اعتراضات و نارضایتی‌های کارگران علیه شبکاری، سرانجام کارگران قسمت تیوپ بطور دسته جمعی جلوی سرپرست را گرفتند و از وی خواستند که با مسئولین کارخانه صحبت کنند. سرپرست که ابتدا قصد طرده رفتن از مسأله را داشت، سرانجام در نتیجه فشار کارگران عقب‌نشینی کرد و قرار شد با مدیریت صحبت نماید. کارگران می‌گویند این رژیم، کارگران را مثل دستگساره می‌داند و ارزشی برای آنان قائل نیست. هم‌اکنون جهان می‌گویند در شبانه روزها ساعت کار ۸ ساعت استراحت و ۸ ساعت هم تفریح، ولی ما نه ساعت کار با معلوم است، نه ساعت استراحت، البته تفریح برای ما هم که با این همه مشکلات، معنی ندارد. کارگر دیگری ادامه داد که مگر در ایران آخوندی تفریح وجود دارد؟

کمک به سیل زدگان

هیئت مدیره تعاونی مصرف شرکت برای کمک به سیل زدگان، از کارگران عضو خواست تا مقداری از پولشاک داخل تعاونی را که فروش نمی‌رشد، جهت کمک به سیل زدگان داده شود. اکثر کارگران بدلیل آنکه کمک به سیل زدگان یک اقدام انسان دوستانه است، پذیرفتند. ولی از طرف دیگر چون هیئت مدیره تعاونی مورد اعتماد کارگران نمی‌باشد، مطرح کردند که هیئت مدیره می‌بایستی لیست احسان را به همراه رسیدی که به هر کارگانی تحویل داده است، در تابلیسوی اطلاعات تصدیب نماید. در غیر این صورت ما جلسه هیئت مدیره را خواهیم گرفت. هیئت مدیره نیز با انجام چنین کاری موافقت نمود. در مجموع بیش از ۹۵ هزار تومان به سیل زدگان کمک شد. اما نظر کارگران این بود که در درجه اول دولت وظیفه دارد به سیل زدگان کمک کند. دولت اگر سواهد خرج یک روز جبهه را به سیل زدگان بدهد، احتیاج به کمک ما نیست. دولت باید جلو سیل

گزارش اولین مجمع عمومی شورای اسلامی

در تاریخ ۱۲/۱۰/۶۵، شورای اسلامی کارخانه اولین مجمع عمومی خود را برگزار کرد. شورا هسندف این مجمع را آشنائی اعضای شورا با کارگران اعلام کرده بود. کلیه کارگران در این مجمع شرکت کردند. رئیس شورا ضمن سخنرانی به خواسته‌های کارگران نیز اشاره‌ای نمود. این خواسته‌ها عبارت بودند از: (۱) پرداخت مابه‌التفاوت طرح طبقه‌بندی. (۲) پرداخت حق بهره‌وری (۳) کمبودهای رستوران. رئیس شورا شروع به توجیه پیرامون خواسته‌های فوق و وعده دادن نمود و در ضمن همه را به مدیریت حواله داد. وی افزود: یک چیز دیگر هم هست، چرا کارگران در داخل توالتها شعاری نویسنند. اگر حرف حق دارید بیا شید در میمان همه بنویسند. اگر حرف شما حق نیست، پس چرا می‌زنید. آقایان می‌آیند می‌نویسند: زندانی سیاسی آزاد بید کرد. آدم چرا باید که خلاف کند تا زندانی شود. شما چرا می‌آید این مسأله را برای کارگران می‌گویند. من به شما قول می‌دهم که اگر حرفی دارید بیا شید بنویسند. از شما حمایت خواهد کرد. رئیس شورا کمی در این زمینه توضیح داد و کمی هم تشدید کرد. پس از رئیس شورا، مدیریت سخنرانی نمود. وی ابتدا درباره نقش شورا سخنرانی کرد سپس بعزت عدم پرداخت مابه‌التفاوت، معذرت خواهی کرد و وعده داد که آنرا در سه قسط پرداخت نماید. در مورد حق بهره‌وری نیز گفت ما جدول حق بهره‌وری را تنظیم نمودیم و به سازمان صنایع ملی دادیم تا پس از آن بنویسند. انشاء الله پولها را پرداخت نمائیم. مجمع عمومی حدود یک ساعت بطول انجامید. نظرات کارگران چنین بود: مدیریت دروغ می‌گوید، سال گذشته نیز چنین قولهایی به ما داده بودند. هم‌شورا، هم مدیریت طوری صحبت کردند که اگر قولشان اجرا نشد، توجیهی داشته باشند، چون می‌گفتند انشاء الله حل می‌شود. مردم خیال می‌کنند می‌توانند زندانی سیاسی را آزاد نمایند. می‌گویند بیا شید ما مطرح کنید، من حل می‌کنم. اعضای شورا که به این قدرت رسیده‌اند، خیال می‌کنند قدرت همه کار را دارند و می‌گویند حرفی دارید به ما بنویسید، ما حل می‌کنیم. این شورا هم اگر بخواد حرفی از حق بنزند، آنها را هم روانه زندان خواهند کرد. اگر تعدادی از کارگران در مجمع عمومی جلسوی دروغگوئیهای مدیریت را می‌گرفتند خیلی خوب می‌شد.

شعاری نویسی مجدد در کارخانه

پس از سخنان رئیس شورا پیرامون شعاری نویسی در داخل توالتها، کارگران به شعاری نویسی مجدد پرداختند. شعارهای "کارگران عزیز، از شورای اسلامی بخواد که طرح طبقه‌بندی را اجرا کند، اگر چه شورا هیچ قدرتی ندارد"، "زندانی سیاسی آزاد بید کرد"، "در یک روز تعداد ۴۰ زندانی در اوین اعدام شدند" و "زندانی سیاسی سزاکارگران و روشنفکران ما کس دیگری نیست" و ... این شعارها تا ما ژیک و بهامضای کارگران پیشرو نوشته شده بود. شعارهای دیگری چون مرگ بر خمینی جلا، مرگ بر خمینی هیتلر دوم جهان بشیرت مرگ بر خمینی جلا و خون آشام، بدون امضا نوشته شد.

را با ساختن سیل بند بگیرد تا باعث نابودی زندگی مردم نشود. معلوم نیست این کمکها به سیل زدگان داده شود. احتیالاتها را به جبهه‌ها و یا خانواده شهدا خواهد داد.

پس از اقدام تعاونی، انجمن اسلامی کارخانه به قسمتهای تولیدی کارخانه مراجعه کرد و از کارگران خواست تا به سیل زدگان کمک نقدی کنند و در مقابل کمک نقدی، قبض می‌دادند. در مجموع تعداد اندکی کمک کردند. مثلاً از یک قسمت ۴۵ نفری، فقط چهارتاش نفر کمک کردند. قبضی که به کمک کنندگان می‌دادند مربوط به کمک به زمندگان جبهه‌ها بود. این عمل انجمن اسلامی مورد تنفر کارگران قرار گرفت.

گزارشاتی از ایران یا سا...

نارضایتی از شبکاري

علت قطع برق در روزگه مدت پنجاه هشت ساعت صورت می گرفت، فشار بر زیراتورها می مولد برق زیاد شد و منجر به سوختن یکی از زیراتورها گردید. در نتیجه بار دیگر تغییراتی در صنعت قسمتها صورت گرفت، یکی از قسمت های کارخانه که سه در دو شیفت صبح و بعد از ظهر مشغول کار بود، در حال حاضر شیفت صبح تعطیل شده و کارگران آنرا سه شیفت شب منتقل کردند. کار در شیفت شب (از ساعت یازده تا هفت صبح) باعث ناراحتی های روحی کارگران گردید. چون از طرفی در فکس تنها بودن زن و فرزندانشان تا توجه نام امن بودن شهرها و بیماران آنها بود و از طرف دیگر سی خواسی شب و روزها دنبال ارزاق عمومی در صفا مانع استراحت آنان گردید و باعث ناراحتی چشم، لاغری و بی میلی به غذا می گردید. کارگران از کار در شیفت شب ناراضی بوده و در محبت های خود علت شکاری را در جنگ می دانند. گویند چون جنگ است، برق قطع می گردد و قطع برق باعث این تغییرات گردیده است. عده دیگری از کارگران می گویند مدیریت چشم ندارد کارگران را سبند، سهمین دلیل مایل است که

طومار نویسی

برای ادا مه سواد آموزی

کارگرانیکه دوره تکمیلی نهفت سواد آموزی را به پایان رساندند، خواهان ادا مه تحصیل و ایجا دکلاس پنجم در خلال ساعات کارخانه در کارخانه شدند. سال گذشته مسئولین کارخانه گفته بودند کارگران باید خارج از ساعت کاریه کلاس بیایند، کارگران در ۶/۱۰/۶۵ طوماری تهیه کردند که ۲۵ نفر از کارگران آنرا امضا نمودند و در مجمع عمومی شورا در تاریخ ۱۷/۱۰/۶۵ به مدیریت دادند. در این کارخانه حدود ۴۰۰ کارگر وجود دارد. مدیریت پس از خواندن طومار، قول رسیدگی داد. پس از چند روز به کارگران اطلاع داد که برای ثبت نام مراجعه نمایند. کارگران از اینکه توانسته بودند به این خواست خود برسند، خوشحال بودند.

اعتراض علیه

عدم پرداخت حق فنی

تعدادی از کارگران قسمت های مختلف کارخانه، مدت بیش از دو سال است که روی دستگانه های تولید مشغول بکار بودند ولی حق فنی روزانه ۱۸ تومان به دستمزد روزانه شان اضافه نگردیده بود. این حق فنی می بایستی پس از ۳ ماه کار روی دستگاه به کارگران پرداخت گردد. کارگران بارها و بارها به سرپرست قسمت های خود فشار آوردند. پس از شکل گیری شورا نیز به آن نامه نوشتند. سرانجام مدیریت مجبور گردید که ایس مبلغ را پرداخت نماید. اما هنگام پرداخت حق فنی، کارگران متوجه شدند که مدت شش ماه عقب افتادگی پرداخت نشده است. هنوز کارگران دیگری نیز وجود دارند که حق فنی به آنها داده نشده است و اعتراض شان ادا ندارد.

کارگران در صنعت های دوم و سوم به سرکار ساینده تا سواد سیرای دزد سایش مزاحمی نداشته باشد. علاوه بر اس بار ماتی، کیفیت عدا در صنعت به نسبت به گذشته آسان پائس است که تعدادی از کارگران برای غذا خوردن به رستوران می روند. این سی نوحی حان بر حسته است که کارگران با ناسرا گشتن به مدیریت تفسیر خودشان را از وی نشان می دهد. مدیریت کارخانه اعلام نمود که از اس سعید کارگران می بایست طبق ساعت اعلام شده ساعت ۲۵ دقیقه برای خوردن غذا در رستوران حضور ساند. همجنس ساستی فیش غذا را به همراه داشته ساند، در غیر اس صورت غذا آنها تعلق سواهد گرفت. مدیریت فدکارگر برای اینکه مانع خوردن غذای بیشتر کارگران شود، به هر کارگری فیش غذا داد تا با ارائه فیش فقط بکسار غذا دریافت ساند. وی علت تعیین وقت برای خوردن غذا را حک و احتمال حمله هوایی اعلام نمود. وی گفت که می خواهیم طوی اجتماع بی روبه کارگران را بگیریم. ولی کارگران معتقدند که اس راهم جنگ به اس است تا مسدود غذا خوردن کاهش یابد و هر چه بیشتر از کارگران بکشند، کارگران چندین بار بطور دسته جمعی به سرپرستان خود مراد کرده و در این مورد اعتراض نمودند.

مبارزه برای احداث پناهگاه

انجمن اسلامی با داغ شدن جنگ و بیوزنه حمله هوایی به شهرها، به تگاپوافتا دنا با تشویق کارگران، تعدادی از کارگران ناگاه را به حبه ها اعزام نماید. در فضای گرم حمله هوایی و صد آرمند آژیر خطر، انجمن اسلامی با نصب اطلاعیه ای از کارگران خواست هر چه زود تر به محل انجمن مراجعه نمایند تا ترتیب اعزام فوری آنها را دهند. اما کارگران هیچ گونه توجهی نکردند. انجمن اسلامی این بار با گذاشتن میز در رستوران، اعلام کرد که برادران برای ثبت نام به اس محل مراجعه نمایند. اما این بار نیز کارگران ثبت نام را قطعاً نه تحریم کردند. در تاریخ ۲۸/۱۰/۶۵، خبر کشته شدن یکی از کارگران بسیجی به کارگران رسید و انجمن اسلامی حله ای در کنار درب کارخانه ایجا کرد. کارگران از اینکه این کارگر بسیجی کشته شد، برای خان سواده اش ناراحت بودند ولی می گفتند او خودش خواست و حال هم دیگر بسیجی ها با یدیدانند که این مساله، بازی نیست و به فکر زندگی و اداره خانواده شان ساند. بعد از کشته شدن آنها، کسی بفکر خانواده شان نخواهد بود.

مدیریت کارخانه طی اطلاعیه ای از سرپرستان و کارگران خواسته بود که هنگام حملات هوایی، دست از کار کشیده و در گوشه و کنار سالن تولید پناه بگیرند. در یکی از حملات هوایی، کارگرانیکه زیر سقف بتوسی دستوشی پناه گرفته بودند، در مورد جنگ صحت می کردند. آنها می گفتند اگر سبب ان کسند، همه کارگران را می کشند، مسال خودمان را داریم فیت می دهیم، این که نشد پناهگاه، سبک حمله، کارخانه بر سر ما خراب می شود. کارگران در همین حاسه یکی از اعضای شورا اعتراض کردند و گفتند "اگر جان کارگران برای شما اس ارزش دارد، بیاید این سازه را کنار بگذارید، اس کارها سجه ها را هم فربس نمی دهد، چرا بفر پناهگاه نیستید". عضو شورا گفت ما می خواهیم پناهگاه ایجا کنیم، ولی مدیریت می گوید پول نداریم، پناهگاه ۱۸ میلیون تومان خرج برمی دارد. کارگران نیز گفتند، ما نمی دانیم، ولی سطرطور شده ساید پناهگاه سسازید.

پس از مراجعات پی در پی کارگران به مسئولین و طرح کردن پناهگاه، مدیریت مجبور گردید از تاریخ ۲۹/۱۰/۶۵ اقدام به احداث پناهگاه نماید.

کارگران و جنگ شهرها

حملات هوایی به شهرها از حمله شهر کرمانشاه و کشتار مردم، باعث ناراحتی زیادی در میان کارگران گشت. کارگران خبر حمله هوایی به شهرها را که از ادبوه ای خارجی شنیده بودند، بطور وسیع بخش می کردند و از اینکه شاهد قربانی شدن مردم بخاطر جنگ افروزی فقها می ساند اسرا را رتفر می نمودند. کارگران در مجموع خواهان پایان یافتن جنگ بودند، بطوریکه در هر اجتماع کارگری، وقتی از جنگ و حملات هوایی

به شهرها صحبت سبمان می آید، همه بر علیه جنگ صحبت می کردند و حتی اگر یکی از یادی رویم در این صحبتها شرکت می کرد، نمی توانست با سخوی صحت های فد جنگ توسط کارگران باشد. کارگران می گفتند: "اگر کمی بتواند بگوید که این جنگ ۷ ساله ایران و عراق سودی برای مردم داشته، من حاضرم به حبسه بروم". این جنگ دولتهاست نه جنگ ملتها، چرا باید مردم در این آتش سبازی قربانی شوند؟ " اینها، که دست بردار نیستند، تازه بعد از عراق نوبت اسراشیل است."

تراکتهایی از سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)
به مناسبت صدویکمین سالگشت اول ماه مه

<p>کارگران!</p> <p>در صدویکمین سالگرد اول ماه مه برای مبارزه یکپارچه در راه <u>قانون کار مترقی</u> <u>حق کار</u> و <u>افزایش حداقل دستمزد</u> متحد شوید!</p> <p>فروردین ۶۶ سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)</p>	<p>اول ماه مه</p> <p>تعطیل؛ تجمع؛ تحریم!</p> <p>★ تعطیل رسمی کارگری با پرداخت حقوق ★ تجمع مستقل کارگران ★ تحریم مراسم فرمایشی</p> <p>فروردین ۶۶ سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)</p>	<p>جنگ نه : نان! جنگ نه : کار! جنگ نه : مسکن! جنگ نه : آزادی!</p> <p>فروردین ۶۶ سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)</p>
<p>وحدت کارگران، وحشت بهره‌کشان</p> <p>اول ماه مه، روز همبستگی جهانی کارگران مبارک باد!</p> <p>فروردین ۶۶ سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)</p>	<p>مرگ بر جمهوری اسلامی نان، صلح، آزادی حکومت شورائی</p> <p>فروردین ۶۶ اول ماه مه، روز همبستگی جهانی کارگران مبارک باد! سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)</p>	
<p>صدویکمین سالگرد اول ماه مه روز همبستگی بین المللی طبقه کارگر بر کارگران و زحمتکشان کردستان و سراسر ایران مبارک باد!</p> <p>فروردین ۶۶ سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)</p>	<p>کارگران!</p> <p>برای مقاومت یکپارچه در برابر جبهه متحد رژیم جمهوری اسلامی و سرمایه داران؛ برای پایان دادن به جنس اخناق، سیکاری و فقر؛ برای تأمین <u>قانون کار مترقی</u>، بیمه بیکاری، <u>حقوق</u> <u>شکل</u>، صلح و آزادی زندانیان سیاسی جبهه واحد کارگری تشکیل دهید!</p> <p>فروردین ۶۶ سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)</p>	
<p>کارگران!</p> <p>در سنگرمقدم مبارزه علیه استبداد و استثمار</p> <p>از کارگران اخراجی از کارگران زندانی از زندانیان سیاسی و از خانواده‌های آنان</p> <p>فروردین ۶۶ حمایت کنید! سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)</p>	<p>کارگران!</p> <p>آزادی شما تنها بدست خودتان میسر است . پس : در مقابل بیورش متحد رژیم جمهوری اسلامی و سرمایه داران ، جبهه واحد کارگری خود را تشکیل دهید!</p> <p>فروردین ۶۶ سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)</p>	

سیاست تشکیلاتی مادر قبال محافل

کارگران و روشنفکران

احزاب توده‌ای و علنی و مبارزه حزبی آشکار، براهیت‌آنان افزوده‌یسا کاسته می‌شود. در کشور ما، با وجود شرایط سرکوب و اختناق، سیاسی شدن تعداد هر چه بیشتری از جوانان انقلابی و کارگران، این مرحله فعالیت محفلی و پیشا حزبی اهمیت ویژه‌ای می‌یابد.

ب) دیکتاتوری و سرکوب، سبب قطع بخش عمده‌ای از ارتباطات و پیوندهای سازمانی یک تشکیلات با اعضا، هواداران و نیروهای پیرامونی خود می‌شود. گسیختگی ارتباطات، دستگیری و زندانی شدن تعداد قابل توجهی از اعضا و هواداران، مهاجرت بخشی از رهبران و غیره، جملگی سبب رشد اشکال محفلی سازمانی مبارزین "بدون ارتباط" می‌گردد. زیرا ارتباطات متشکل نمی‌تواند این نیرو را بی‌بوشا ندوخت داده‌اش زمانه‌ی خود را آوره‌ی غالباً دلیل پیچیدگی و مشکلات مبارزه مخفی نمی‌تواند با بیش از درمندی نسبتاً محدودی از آنان تمان گرفت. فی‌المثل، در روسیه سالهای پس از شکست انقلاب ۱۹۰۵ و پیش از شروع اعتلای انقلابی ۱۹۱۲، لنین در اثبات ادامه‌کاری حزب سارسی وضعیت بیکرهای حزبی، اظهار داشت که بیست درصد روابط سازمان نه‌ای حزبی در شرایط سرکوب حفظ شده‌اند. در کشور ما نیز پس از ۳۰ خرداد ۶۰، قطع ارتباطات سازمانی به دلیل شرایط سرکوب گسترش یافت و هم‌اکنون یعنی در دوران تجدیدآرایش قوا، برقراری مجدد آنها از اهمیت درجه اول سرخوردار است.

ج) شکست انقلاب بهمن، تسلط ارتجاع اسلامی، بحران و تجزیه یولیوم، موجبات عمیقترین تزلزلات، نوسانات و تجدیدنظرها را در بنیادهای ارزشی و فکری و وسیعترین نیروهای چپ و بطور کلی نیروهای ترقیخواه سبب شد. بروز روحیه لیبرالی، عزلت‌جویی، گریز از سیاست و تحزب، سردرگمی عقیدتی و نابسامانی بینشی و روحی از یکسو و تلاش برای جذب و هم‌درسه‌ای انقلاب، آموزش عمیق مارکسیسم (که در سالهای اولیه انقلاب بطور سطحی و به صورت شعارهای کلی رواج یافته بود) و ایجاد پیوند مادی، مستقیم و تشکیلاتی با طبقه کارگر از سوی دیگر، به بحران مفیدبهای گوناگون جنبش چپ و روشد انواع محافل روشنفکری و روشنفکری - کارگری منجر شد. بالاخص اگر به این واقعیت توجه نمائیم که خیانت پیشگی رهبران فدائیان اکثریت و تجزیه و تلاشی سازمان فدائی بمنابه نیرومندترین سازمان چپ، تا چه اندازه به پراکندگی طیف وسیعی از نیروهای چپ انجامید، آنگاه روشن می‌شود که مسیر گردآوری مجدد قوا، تجزیه و تعلیم و تربیت مجدد نیروها و جلب اعتماد آنان به کمونیسم و ضرورت کار حزبی تا چه پایه دشوار است و اینکه چرا در دوره فعلی، رشد محافل در عین حال یکی از قوت‌نمندی‌های عقب‌نشینی موقت از فعالیت حزبی در میان بخشی از نیروهای چپ می‌باشد.

نظریه تنوع مقامین، خصوصیات و محیط‌های نامتجانس تکوین محافل گوناگون کارگری و روشنفکری، سیاست ما با بدلتروم تفکیک و برخورد به اشکال عمده متنوع این محافل را ملحوظ نماید. محافل مذکور، علی‌رغم تفاوتها و بشمار در دو خصیصه اشتراک دارند. اول آنکه مبنای تکوین محافل اعتمادهای فردی است؛ این اعتمادها حاصل آشنایی‌های خانوادگی، مجلسی، قومی و یا دوره فعالیت مشترک فرهنگی و سیاسی در گذشته نزدیک و یا پیوندهای دوستانه در محل کار، زیست، جبهه، زندان و غیره می‌باشد. در شرایطی که هر تجمع می‌شکوک به توطئه علیه نظام جمهوری اسلامی است و میان هر مطالبه ابتدائی در باره بهبود شرایط معیشت و زیست، و هرگونه دعوتی به کوچکترین تغییر در نظام سیاسی با خطر دستگیری، زندان و شکنجه روبروست؛ تجمع محفلی آشنایان، همکاران و هم‌محلّی‌ها بر مبنای شناخت متقابل و اعتمادهای فردی، محملی برای بیان دردهای مشترک و بعضاً راه‌اندیشی‌هایی است که برای تغییر نظر جماعت اجتماعی و سیاسی موجود ارائه می‌گردد. محافل در ضمن محملی برای آشنایی‌ها و برقراری تمان نزدیکی‌تری فیما بین عناصر مبارز و انقلابی (خواه کارگر و خواه روشنفکر انقلابی) می‌باشند که در خارج از چارچوب محفل، به همکاری حدی ترمیم‌رسانی با یکدیگر می‌پردازند و از محافل بعنوان شبکه‌ای طبیعی از روابط دوستانه و خانوادگی استفاده می‌کنند. دوم آنکه عناصر تشکیلاتی

توجه ما به اشکال محفلی تشکل کارگران و روشنفکران انقلابی، از این حقیقت نشأت می‌گیرد که یک تشکیلات کمونیستی، فعالیت انقلابی و سازمانگرا را صرفاً به فعالیت توطئه‌گرا نه‌کمیته‌های حزبی تنزل نمی‌دهد. کمونیستها، سازمان انقلابیون حرفه‌ای یعنی هسته‌سفت تشکیلات حزبی مرکب از انقلابیون منضبط و مسلط به فن مبارزه با پلیس و پنهانکاری را تنها در پیوند تنگ با سازمان کارگری در نظر می‌گیرند و سازماندهی را بمعنای سازمان دادن پرولتاریا بمنابه یک طبقه اجتماعی درک می‌نمایند. طبقه‌ای که به دلیل موقعیت عینی خود در تولید اجتماعی، استعداد مبارزه انقلابی را دارد. از اینرو تشکیلات کمونیستی برخلاف سازمانهای توطئه‌گر بی‌ولیس هستند، سازماندهی مبارزه انقلابی را با سازماندهی اقدامات عفو و هواداران تشکیلات خود (ونه سازماندهی اقدام طبقه‌ای - توده‌ای) و با تحریک و بسیج توده‌های بی‌شکل و سازمان یافته به شورهای خودبخودی مترادف نمی‌پندارند. کمونیستها که امرهای کارگران را صرفاً به دست خود کارگران میسر می‌دانند، وظیفه خود را به مناسبت‌ها هنگام آگاه، پرولتاریا، سازماندهی مبارزه روزمره و عمل بلاواسطه خود توده‌های کارگر تلقی می‌کنند. بدین لحاظ فعالیت حزبی کمونیستها در میان کارگران، با پیدماد خود را سا قابلیت‌های عملی و اشکال طبیعی مبارزه و اعتراض دسته‌های پیشرو کارگران دما زمانه‌ی سطوح تشکل آنان را در نظر آوره‌ی توده‌های گوناگون فعالیت انقلابی را با آن تطبیق دهد.

اگر فعالیت انقلابی به تمیزکاری، مخفی‌کاری و فعالیت کمیته‌های حزبی در محیط‌های معین محدود شود؛ اگر در فعالیت حزبی وظیفه تدارک انقلاب صرفاً به عهده انقلابیون حرفه‌ای، منضبط و آماده‌ی مردن بخاطر سوسیالیسم پنداشته شود و جایی برای دهها هزار مبارزی که نمی‌توانند به شیوه‌ای کاملاً مخفیانه مبارزه کنند و از زمره "اعدامی‌ها" باشند، منظور نشود؛ و به یک کلام، اگر سازماندهی صرفاً بمعنای محدود سازمان دادن تشکیلات و نیروهای خود درک شود؛ در آن صورت باید تحقق انقلاب اجتماعی پرولتاریا فی‌الاجمله محالات تلقی کرد. پس برای آنکه به پیشگام واقعاً انقلابی طبقه مبدل شویم یعنی پیشگامی که در عمل شایستگی جلب اعتماد دو وسیعترین توده‌ها را دارد و در مبارزه انقلابی و طبقاتی پیشوای آنان محسوب می‌شود؛ باید ادا مسر سازمانگری در میان طبقه را در سطوح گوناگون و متفاوت گسترش دهیم؛ هسته

حزبی را بشکله وسیعی از سازمانها و محافل نیمه‌علنی و علنی بیوشانیم و در عین حال از فعالیت‌هایی که براحتی می‌توانند توسط توده کارگران و بطور علنی انجام پذیرد و حال آنکه برای هسته مخفی حزبی حکم‌فرده‌کاری را دارد، پرهیز نمائیم. از اینجا یکبار دیگر، اهمیت توجه به محافل نتیجه می‌شود.

محافل کارگری یکی از ابتدائی‌ترین و ساده‌ترین سطوح تجمع کارگران می‌باشند که در غیاب اتحادیه‌ها و سایر سازمانهای توده‌ای و مستقل طبقه، یکی از مهمترین حلقه‌های سازماندهی آنان محسوب می‌شوند. شکل محفلی سازمانی در کشور ما، مختص طبقه کارگر نبوده، و تقریباً عموم لایه‌های پیشرو روشنفکران طبقات متفاد از آن استفاده می‌نمایند. دلیل اصلی عمومیت یافتن این شکل سازمانی، دیکتاتوری خشن و اختناق بورژوازی حاکم بر کشور ما است. در واقع، شکل ستمگری طبقه سرمایه‌دار، تاثیر قاطع بر اشکال ابزاز همبستگی و حیات معنوی و سازمانی طبقات گوناگون اعمال می‌نماید. فقدان آزادی بیان، مطبوعات، اجتماعات، احزاب، تجمعات گوناگون فرهنگی، اتحادیه‌های سیاسی و اعتمادات سبب می‌شود که اشکال "طبیعی" پیوندهای محفلی که در مقابل سرکوب و بیکرهای پلیسی از قابلیت انعطاف فراوانی برخوردار هستند، رواج یابند. علاوه بر این، بیکرشته عوامل دیگر نیز در رواج وسیع این شکل تجمع عناصر لایه‌های پیشرو و مبارز موثر بوده‌اند، که اهم آنها عبارتند از:

الف) برخی از اشکال محفلی فعالیت همواره یعنی چه در شرایط دیکتاتوری و چه در شرایط وجود آزادیهای دمکراتیک، بعنوان یک مرحله ماقبل حزبی از تجمع عناصر انقلابی وجود دارد که بسته به وجود یا عدم وجود

در صورت وعایت طلب : نالنا ، دعای ارماع اکثریت سیدب و رحمتکش
جامعه ماسرمیای مساوات طلبانه و عدالتخواهان .

حسانکه می داسم گرانس سلط در طیف سروهای "خط دو" ، بویولسم
بود هم اکتون بویولسم دحارجران ، تحریر و بلائی غده اسب و ساکسار رفتن
بوسه کموسرم گنگ ، بهره گرانان به استداشن ، مضمون لسرالی آن سه
وسله حراناب بوسال دمکرات سلط و ساکل می باشد ، در حالیکه همنه
مساوات طلبانه و عدالتخواهان آن به کموسرم مسایل می شود ، نتیجه خبر
و بعضی نمی سوانده حران ، آشنکی و سردرگمی سروهای "خط دو" و سروز
ساروس ها و انواع سرکناب السعاطی سشی سوسال دمکراتک ، آتارشنی
و کموسری در صوف آسنا ساد ، سساری از عاصر زرمنده و اسعاطی اسس
طلب دمدا رجادنه ما فرادار دیده در جاب گوناگون از بعود مسلکی و عقیدتی
ما سنا نرد ، یکی اروطاف مقدم و محوری ما عیار تست از کمک به این دسته
ار گروه ها ، محافل و عصار برای نفد کموسری - ما رگسستی لنبیبستی -
سمن بویولسنی در کلیه حوزه های برسا های ، تاکتیک و تشکیلاتی ؛ و سیز
سلان برای جذب و سارما سدهی مجدد آسها در سطوح گوناگون ، بدون ساج اسس
و طبعه ، هیچ سحی ارگرد آوری مجدد و سارما رگ برای اسعاطی آسبی
می سواند در میان ساند ، آرا ساجاس سنیحه می شود که ساسب ما در سسال
اس دسته ارمامل عصار سار ساجاس سنیحه سعلکی و عقیدتی و سسب
سکلایی ، در اس سسرالسه مواعی مهم وجود دارد .

مقدم بر همه آشنکی فکری و عقیدتی رایج در میان آنان است که ما بد
ار طریق نفد کموسری سمن بویولسنی در همه حوزه ها در بر توجسار با ،
سمن و سجوی صورانه و فاعن کسنده بر آن فاشی آسمن . در خصوص سلسلغ
و سروج صورانه و فاعنی سانداس ملاحظات راهمواره سب العس سبود
فرادهم که اولاس سراجادی ارشی بویولسنی ، کوشنی بر در دور سسج
اسد که بعضی ساسا دس کل سسش و سراسک رایج در حشش چب مانیا سسند
می ساند ؛ اس روی سسها به مد سحره و آموزش عمق مارکسیزم - لنسبیزم
سسر می ساند ، سحره سشکلات ما در اس زمسه گواه سوسی بر اس مدعا سست ،
سانبا اکثریت سروهای مذکور عمدنا از سسهای تشکیلاتی سفا و تی و سه وسزه
سب اسعاطی سشکلات فدائی به سمت ماروی می آوردند ، این سسنا سسسه
سویط رهبران حاش اکثریتی سرح گردیده سنوان وسله های برای تخدیر
اسرئی اسعاطی سسروان حشش حب مورد اسفاده قرار گرفت ، معذاناسد
فراموس گردیده دل سسکی به سس تشکیلاتی سعا سسر سسکی عصار اسعاطی
را به سسی سصح کد می سمانا بدودره ابجاد اعتماد سست به تشکیلات کمونستی
را که سگاه سبار اسس سب اسعاطی می ساند ، طولانی نر می کند ، در تحلیس
سهای ، آسسه سب خواهش سدان این سسروها بر نزلزل خود فاش آسند و سسه
سشکلات کمونستی اعما دسما سند ، سسها صحت سنی کمونستی و توانا سنی ،
سبار و سبگیری سشکلات کمونستی در عمل اسد که ساسسکی خود را سسرای
موردا عناما دفرار گرفتن اسباب می سمانا .

در شرایط سرکوب و اسنای حاکم فعلی سرکشور ، ماسمی سوا سیم با
سحتی اعظم اس محافل سماس سسقیم و سطم سقرار سنا سیم ؛ اما ما بدیتوانیم
سحتی اس مقدور سنا می اس محافل را تحت پوشش ادبیات سارمانی خود قرار
دهیم ، رادو تشکیلات در اس زمسه می توان سسش موثری اسفا کند ، علاوه س
آن ، سمانا آن دسته از سسرات و مقالات سسوریک ما که سسقه سسه سانه
بویولسم اختصا دارند ، می توان سطورا خص مورد اسفاده این محافل
قرار گردند .

دومین ماسمی که در اس مر سسذسکی به اس محافل وجود دارد ، از خصوصیات
خود اس محافل سسب می سگرد ، سسش قابل توجی از عصار سشکلیل ده سسده
اسن محافل قادر سسستندجه سسما و سده از طریق روابط خود در میان سسقه کارگر
اسنقرار سانسو با سسکه آما دگی کافی سسرایک مبارزه سسضط وکا ملامخیا نه
راندارند ، به علاوه سسخت اسن محافل را از لحاظ ترکیب افرا دسشکلیل دهنده
آن می سنوان به دوفقره کلی سسسم کرد ، یک فقره از اس محافل در سگری سده
عصار می اسد که عموما سمان سسگیری کلی "خط دو" را منسب سنا سوانا س
و آشنکی های اسدولوزیک معس می سمانا سبند و عالنا سب مرکز جمع فا سب
ساحاضر دارند ، یعنی سسمای سعلن خاطر سب سسهد اسعاطی و با اس سسر
سهرمای در سندان سهه خود را اقوام سسشیده اسدو با آنکه حول اقتدار معنوی
و سطری سب ساحتس از عصار سسما رزدر محفل گرد هم آمده اند ، فقره دوم اسس
محافل ، از عصار سسشکل می شود که در آن اگرچه افرا دی ساسسگیری کلی
"خط دو" وجود دارد ، اما در کار آنها ، سسار سس سگری سسز وجود دارند که
ار اس سسگیری کلی سسعب می کند ، سمای سسب سسدها سنی های سسعلی
بقیه در صفحه ۲۰

دهنده محافل عموما به ار لحاظ فکری ، به ار لحاظ در حره سسذسکی و فاسلسهای
سار راسی و عموما به سنی ار لحاظ سواسگاه و سسکب سسعی سسگون و سسحاس
سسسد . اس ساهمگویی دروسی محافل ، اسسنا سسج ار آن نمی سسود که سسه
در مورد سسری ار محافل (اسلاص محافل کارگری) ، سسعات مذکور در حده سسب
سارما ، هی اسساطاب سعلی و سسه سعلی سب مبارزه اسعاطی و اعما سبی در
کا رجاه ساملحه فرار سگرند ، اما سسنا عموما محافل کارگران و روسسگران
اسعاطی را سسلول حری اسسنا سگرفت و ار آن اسسظار سسکی اسدولوزیک و
رعنا سسساط حری رادانت ، سساساب دروسی محافل سسره سسرسسای
"اساسا سه" ، سسکه اساسا سسریا ساعما سها و سسحاسهای رفیقا سه اسراد سسب
به سبکدر سسظم می سسود و سس سلوک ، سعا و سگدسشهای سسما سه و رفیقا سه
سسرس وسله سسرای رف سس ، سسها سب اسسعالی و سسکم سساساب اسد .
در سسنا سواع محافل ، سسدم سسنا آن سهه از محافل را که در حده
ساجل گروه های هواداری و محافل روسسگری و سسرو سسگری - کارگری سسرار
دارند ، ساساسم ، سسرا اسن سسنا ر "محافل" ارسعظ سسظر فاعل سب حری ،
در سسگری سسلا واسطه سسب سسوده ها را سسشکلات کمونستی دارا می سسند .

۱) محافل انقلابی روشنفکران کمونیست و یا متمایل به کمونیسم

گروه اول در اس محافل اسسروهای سارمای سسشکلیل می ده سکه
سب از حده ده به دلالل سسفل از روابط و سسهای سشکلاتی سساده اسدو
هم اکتون اسساطاب سسشکل مانمی سواند سسز سس محدودی ، همه آسها را تحت
سوش فرار دهد . سسروهای مذکور عمدنا سامل اس موا ردمی سانه (اسسب)
رفعائی که بدلیل سرکوب رواسطان سسشکلات سسعه اسسب) رفعائی
که ما در سسوده سسنا سسب پای اس سارمان سسبی سسرا سسغرا در سسش کارگری
سعی سسند ، و سسرا سب در دوره سسکم سسنا سسسفرار ، رواسطان سسس
سارمان سسعه گردید ؛ ج) رفعائی که در سسگری سسذسکی سسده ، و اکتون آزاده اسد
و سسراسوده سسها و سسذسنا سس ساسی که بدلیل گوناگون سشکلات سسمی سواند
ساسی خواهنا آسها سسای سسسسم سسقرار سساید ؛ اس دسته ار رفعا می سواند
ساهمکاری تعداد سدی از اسسانا و اقوام سساز و اسعاطی خود سسور سسفلها
وهسه های هواداری سسشکل سسده و از طریق رادوی سارمان و سسار سسروق
اسساطی به سسرات سارمان سسنا سسوسر سسقی ره سسوده های ار اه سسده ،
سس سسرخ را سسده گسرد و ساهسه های سسعلی - سسده ای را سسزما سسده و
سادرمل کاروز سسب خود ، هسه های سرح کمونستی را سسرای سسلیغ ، سسروج و
سارمان سسدهی سسارات سسشهای سسشکل کارگران و سسسکشان سسود و سسرد .
رفعا مذکور اساناسا سسریا به سسوده های سارمان در ساره نحوه سارمان سسبایی
هواداران سسشکل سسوده و سسسنا سکی از بواس سس مقدم آنها سسلا سسرای سسقراری
رابطه سسارمان و در سسنا سسره سسوده های لازمه از سسرات و رادوی سسزان
اسد . اگرچه تحت سسرا سب سسکتا توری و سرکوب سسدید ، اسساطاب سسظم و رهبری
سسذک و سسره اکثریت اس هسه ها سسوسظ سسارمان عصار سسرسسب ؛ اما س
کو سسگری سسسر در سسرا سساط مبارزه سسفا تی به سسع فاعل سب سعلنی و گسسره ،
اس هسه های سوانده سسرت حول سشکلات گرد اسد و اس سسخته های
سدا گانه ارکاسم سسده نام و سسما می سسوده اسد ، سسنا سسرا سسش سسذک
سارمان فدائی در آسنا سسقیام ، از جمع سسش از سسگروه هواداری ، سسوام
سامت و اس سسب سسب سسوجه سسفا دنی سسود ، در سسرا سب سسکتا توری سسس
سوز و سسلی ، اکثریت هسه ها و محافل هواداری سسسها ماسعی در راه مبارزه سدی
و اسعاطی نمی سسند بلکه سکی از راه های سسلی سسشش نفوذ سسشکلات
کمونستی در میان و سسسر سسب سسده ها سس .

گروه دوم محافل که در اس رفیق ، سسب مورد توجه سسلا واسطه و سسقی سسقرار سسید ،
عصار سسب از محافل سسب سسب سسروهای موسوم به "خط دو" ، سساذ سسسر سسوسیم ،
سسروهای سسکه در سسبه سسرا سسکی و سسعا سسنا سه سسفا ی سسشهای سسدا گانه
سسش فدائی سهای سسده اسد ، آسجا سس" طبع" را سعلبر سس سسوع عقیدتی و
اسدولوزیک از سسگر و هسدهای سسلی حشش سب سسورما سسما سز می سمانا ،
عصار سس سسگیری کلی اسی طبع سسنی سسرا و لادعاغ از اردو گاه سسوال سسز ،
سس وار داسسنا اسفادانی سسشی آن و سسدم سسعت از سسلیما سس آن سه
سسوان سسنا سسمن اسسرا سسز مبارزه سسبه دولت و سسوز و سسوزی "سودی" .
سنا ، سسرسدی سس حزب سسوده و رهبری سسش آن به سسنا سه حری سسز سسار ،

انقلاب سوسیالیستی را ترسیم نمی کردند، بشدت مورد حمله قرار داده و بر خصلت بورژواشی انقلاب دمکراتیک روسیه تاکید می کرد. انقلابی که اگر بگیرانه به پیش میرفت قبل از همه به نفس سنج برولناربا و ارتقای سطح آگاهی و تشکل او بود. این درک لنینی از یک انقلاب دمکراتیک است. از جانب دیگر پدیده استعمار و اسارت ملل تحت ستم توسط کشورهای پیشرفته، در کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین، مبارزه بسرای بیرون راندن استعمارگران خارجی و برقراری استقلال ملی را نیز در کنار مبارزه علیه نظامات ماقبل سرمایه داری موجب شده بود. این ویژگی

حیات اجتماعی به یک تحول انقلابی دمکراتیک در راستای سوسیالیسم نیازمند است. انقلاب در کشور ما به جهت سطح تکامل جامعه، خصلتست تضادها و آرایش نیروهای طبقاتی آن کماکان در مرحله ملی و دمکراتیک قرار دارد. (۵ ص) ما رکیستهای از انقلاب دمکراتیک و ملی در کمینگی دارند. از نظر آنان این انقلابات در کشورهای لازمند که بعزت رشدناکای بورژوازی و مناسبات سرمایه داری، نه تنها بقایای ماقبل سرمایه داری با قدرت به حیات خود ادامه میدهند بلکه یکرشته وظایف مهم بورژوا دمکراتیک در روبنای سیاسی جامعه به فرجام نرسیده، دولت ماهیت غیر

مدتی است که مجدداً سروصدای وحشت "دوارگان طراز نوین طبقه کارگر" یعنی حزب توده و اکثریت بلند شده است و در این مورد قطعاً مه ای از جانب اکثریت، به تصویب کمیته مرکزی آن، منتشر شده است. به اعتقاد ما این وحدت گرچه هنوز شکل سازمانی نگرفته است اما بلحاظ مبنای سیاسی و ایدئولوژیک مدتهاست تحقق پیدا کرده و در جریان همکاری و حمایت رسوای این دو جریان از رژیم جمهوری اسلامی تحکیم گشته است. پایه اصلی این مبنای فرمیسم بورژواشی است. فرمیسمی که بطور کلی بیان گرایشات اقشار میانی و متزلزل جامعه است. این فرمیسم جا به جا

علیه فرمیسم: در نقد نظرات اکثریت

یعنی خصلت ملی و ضد استعماری مبارزه انقلابی در این کشورها بطور مستقیم ناشی از حضور نظامی آشکارا میریالیسم در این کشورها بود و در نتیجه انقلاب در این کشورها علاوه بر برپا شدن نظامات فئودالی یا نیمه فئودالی و طبقه کسب استقلال را نیز بر عهده داشت و بدین لحاظ شکل ملی انقلاب برجسته بود. انقلابات ویتنام و چین نمونه های برجسته این ویژگی جوامع مستعمره و یانیمه مستعمره هستند.

اما بسبب این که ما میک از این شرایط عینی اجتماعی در ایران وجود دارند که موجب میشوند "انقلاب ایران کماکان در مرحله انقلاب دمکراتیک و ملی باقی بماند" نظریه پردازان راه رشد غیر سرمایه داری که "افتخار" کشف مرحله دمکراتیک ملی و "اتحاد استراتژیک" طبقه کارگر و نیروهای ملی را دارند همواره در استدلال خویش بر غیر سرمایه داری بودن و با حداکثر "همزیستی" چند ساخت تولیدی، در جوامعی که پتانسیل راه رشد غیر سرمایه داری را دارند تاکید کرده اند. آخر آنها خوب میداند که هر کس اندکی به موازین مارکسیسم - لنینیسم آشنائی داشته باشد میداند که انقلاب دمکراتیک ملی قصد فرا تر رفتن از مناسبات موجود سرمایه داری را نمی تواند داشته باشد چه این وظیفه خاص انقلابی است که فراتر از آنجام وظایف دمکراتیک رفته و بلاد رنگ بسوی سوسیالیسم گام بر میدارد و بدین لحاظ نه بر اساس "اتحاد استراتژیک" با خرده بورژوازی و سایر "نیروهای ملی" بلکه بر اساس تعارض استراتژیک با منافع حقیر و تنگ نظران خرده بورژوازی بنساخته است. بهمین دلیل تمام این نظریه پردازان کشورهای آمریکای لاتین را از حوزة کشورهای که در "استان" این انقلاب دمکراتیک ملی هستند بیرون گذاشته بودند. حزب توده نیز که در محصسه تحلیل خود از اصلاحات شاهانه ارضی و راه رشد غیر سرمایه داری گیر کرده بود، ناچار شد علیرغم یک دوره هورا کشیدن برای این اصلاحات ارضی بورژواشی که از نظر این حزب در برابر مناسبات ارباب رعیتی "مترقی" محسوب میشد، بعداً با هزار جعل و دروغ بر بقایای مناسبات پیشا سرمایه داری "نور افکن بیاندازد و تکه های از بلوچستان و کردستان و آذربایجان را زیر میکروسکوپ راه رشدی بعنوان نظام فئودالی موجود قالب کند. خنده دار اینکه در این نهفت

بورژواشی (اشکال مختلف سلطنت مطلقه) دارد و بنا بر این مسائلی چون الفای بقایای سرواژو سلطنت مطلقه در صورت انقلاب قسرا دارد. مثلاً در روسیه مبارزه با سلطنت مطلقه تزاری و حل مسئله ارضی (الفای بقایای سرواژو) آن عوام ملل تعیین کننده ای بودند که محتوای انقلاب بورژوا - دمکراتیک در این کشور را موجب میشدند و با در آلمان یونگری، مبارزه برای برپا شدن نظام فئودالی و استقرار وحدت ملی مضمون دمکراتیک انقلاب آلمان را بیان میداشت. بنا بر این در حالیکه شکل و حلقه امیلیک انقلاب دمکراتیک بسته به شرایط اجتماعی هر کشور و ویژگی خاص خود دارد (مثلاً در روسیه حل مسئله ارضی و در آلمان مسئله ملی کلید انقلاب را تشکیل میدادند) اما ناگزیر بودن این انقلاب در یک کشور از شرایط عمومی واحدی سرچشمه میگردانند عدم تسلط قطعی مناسبات سرمایه داری و غیر بورژواشی بودن دولت حاکم در این کشورهاست. امری که خود را در قدرت بقایای نظامات ماقبل سرمایه داری و اشکال مطلقه حاکمیتی که در آن نقش قالب از آن طبقات استعمارگر غیر بورژوا (نظیر یونگرها در آلمان و ملاکان در روسیه) است نشان میدهد. نظریه همین شرایط عینی اجتماعی، سوسیال دمکراسی که برای سوسیالیسم مبارزه می کرد بر نامه خود را به دو بخش حداقل و حداکثر تقسیم کرده بود. بر نامه حداقل مطالبات بورژواشی را مدنظر داشت که در اساس با سرمایه داری قابل انطباق بوده و از چارچوب آن فراتر نمی رفت و بر نامه حداکثرناظر بر اقدامات و انقلاب سوسیالیستی بود. به همین دلیل لنینیسم هزار بار در مبارزه با ناردونیکها برای واقعیت که سوسیال دمکراتها در مرحله فعلی انقلاب خواستار اجرای بر نامه حداقل خود هستند و این بر نامه یک انقلاب دمکراتیک بورژواشی است و بهیچ وجه نباید آن را به رنگ سوسیالیستی در آورد تا کسب می کرد. برقراری اساعت کار، لغو سرواژو و ملی کردن زمین، تشکیل مجلس موسسان، آزادی بی قید و شرط بیان و عقاید، همه این خواسته های که از جانب بلشویسم مطرح میشد در چارچوب بسک انقلاب دمکراتیک و به قول لنین برای فراهم کردن شرایط رشد سرمایه داری به شیوه آمریکائی بود. اونا رودونیکها را که همین خواسته ها را بعنوان مطالبات یک انقلاب سوسیالیستی عرضه کرده و مرز مشخص و روشن میان یک انقلاب دمکراتیک و یک

به رنگ و لعاب سوسیالیستی آراسته شده است. قصداً برای این است که در یک سری مقالات نشان دهیم که این فرمیسم خود را در کجا آشکار می کند و چرا، به اعتقاد ما، آنجا که در ظاهر بیوی سوسیالیستی است، در حقیقت گامی بسوی ارتجاع حاکم برداشته میشود. ما تکیه خود را در این سری مقالات به روی اکثریت نهاده ایم. این امر به دو دلیل انجام گرفته است. اولاً در حالیکه رهبری این سازمان علاحکم با دوی حزب توده را باقی میکند و سراسیمه در "رهروی" از رهبری حزب توده بخود مداخل میدهد، بدین سازمان، اینجا و آنجا، در مقابل این گرایش قهرانی و اکنش نشسان میدهد و از این روانتقا دروشن و کار سازان نظرات این رهبری "توده ای" در نمایانند راه، که همانا طرد فرمیسم و انتخاب خط انقلاب در برابر سازش و فرمیسم است. به این بدنه که هنوز از جنبش انقلابی کشور تا شیر می پذیرد و از این رو در برابر یک خط سازمانی آشکارا "توده ای مسلک" مقاومت می کند، موثر است. ثانیاً در حالیکه سازمان اکثریت، به لطف رهبری با نندنگهدار، در واقع بمنابه سازمان جوانان حزب توده عمل می کند، در برخی فرمول بندی ها هنوز "پختگی" سازمان که نه کار توده ای را پیدا نکرده و از این روگاه در برابر فشار داخلی و خارجی عناصری را در خط مشی خود وارد می کند که تناقضات آن را به پیش از پیش نشان داده و با وضوح بیشتر شکنندگی فرمیسم توده ای را، آشکارا میسازد. تمرکز بر روی این تناقضات در افشای این رهبری که تنها "دستاورد" آن همکاری خاشنا به رژیم جمهوری اسلامی و فریب توده های عضو و هوادار این سازمان بوده است، به ما میسر می رسد. نظریه این دو ویژگی، علیرغم آنکه چارچوب نظری رهبری این سازمان کاملاً مبهم موازین فرمیسم نوع توده ای استوار است و در حقیقت نقد حزب توده همانا نقد نظرات رهبری این سازمان است، می توان و باید به نقد مشخص خط مشی حاکم بر سازمان اکثریت نیز نشست.

بخش اول: استراتژی و تاکتیک فدائیان اکثریت برای انقلاب ایران.

طبق قطعنامه "بلنوم وسیع" این سازمان که در کار اکثریت شماره ۳۰ (مرداد ۶۵) منتشر شده است، انقلاب ایران یک انقلاب دمکراتیک و ملی است: "برای تحقق خواسته های توده های مردم، جامعه ما در عرصه های گوناگون

خف فتوادل ، حزب توده ، که اصلاحات ارضی را مثبت میدانست و ماگونیستها که بکلی منکر تاثیر این اصلاحات در رشد مناسبات سرمایه داری بودند برای یافتن "یقایی عظیم" مناسبات ماقبل سرمایه داری ، با همدگر مبارزه گذاشته بودند!

حزب توده هنوز هم ایران را کشوری چندساختی میدانده که در آن سرمایه داران و فتوادل های بزرگ در کنار هم حیات اقتصادی جامعه را در دست دارند! آنهم پس از ۱۸ سال از اصلاحات ارضی بورژوازی و شهر نشین شدن بیش از نیمی از جمعیت کشور! بهر حال این مباحثه با حزب توده که بسسه راحتی و سهولت با تماشای ارقام و آمار موجود و همسرازان وقایع انقلاب بهمین وصف بنسبتی طبقاتی موجود ، ماهیت دولت شاه واقشار بورژوازی ایران قابل اثبات است بسسه مناسبت های مختلف صورت گرفته و حزب توده جزئیات و جزئیاتی چند که تنها مقبول مها جریبتی که از سال ۳۲ بدینوی ایران رانیده اند هنوز ایران را ملک طلق السلطنه ها و الدوله ه می دانند ، چاره ای ندارد ، اما سازمان جوانان حزب توده چیز دیگری می گوید . درهمه قطعنامه پلنوم ماده یک چنین اشعار میدهد : "بر اثر رفرم های شاه در دهه ۴۰ مناسبات سرمایه داری در پیوند رگاتیک با امپریالیسم جهانی به سرعت رشد کرده مناسبات غالب در کشور ما مبدل گشت ، در این روند ، تضادها و رفرم های سه تضاد اصلی جامعه تبدیل شد و تضاد طبقه و امپریالیسم شدیدی گردید ، در کشور ما گرچه شیوه تولید سرمایه داری شیوه غالب و استعمار سرمایه داری شکل اصلی تصاحب دسترنج کارگران و زمینکنان است ، ولی هنوز بقایای ساختارهای ماقبل سرمایه داری وجود دارد" (هما نجا) .

با این بیان روشن است که جامعه ایران سرمایه داری ماقبل سرمایه داری ماهیت جامعه را تغییر نمی دهد . این بقا با جز در پیشرفته ترین جوامع صنعتی سرمایه داری ، در تمام جوامع سرمایه داری در سرجهان ، از جمله آمریکا لاتین ، وجود دارد . هر کسی اندک آشنائی با علم لنینیستی انقلاب داشته باشد می داند که مرحله یک انقلاب اجتماعی را از بقایای یک ساختار تولیدی نتیجه نمیگیرند بلکه مستقیما از شیوه تولید غالب به آن میرسند . بعلاوه طبقات اصلی جامعه مستقیما از شکل اصلی استعمار ناشی میشوند ، در جامعه ای که شکل اصلی تصاحب دسترنج کارگران و زمینکنان است سرمایه داری است ، بلحاظ اقتصادی طبقه احاکم بورژوازی اصلی ترین تولیدکننده جامعه طبقه کارگر است ، در این صورت انقلاب دمکراتیک در جامعه ای که نقد سرمایه داری است به چه معناست ؟ انقلاب دمکراتیکی که از چارچوب مناسبات سرمایه داری فراتر نمی رود در اینجا که سرمایه داری به شیوه غالب تولیدی بدل شده است دیگر محلی از اعراب ندارد . "ملی بدون انقلاب هم که در کشوری که هرگز مستعمره نبوده و نیست نمی تواند از کلاه شعبده بازی و "مبارزه برای استقلال سیاسی" بیرون بیاید ، پس چگونه است که هنوز انقلاب ایران محکوم است که در مرحله دمکراتیک باقی بماند ؟ گذشته از آن خود نویسندگان

قطعنامه فوق پارافزا ترک گذاشته و اعتبار را کرده اند که "۳- رژیم جمهوری اسلامی رژیم است بورژوازی و تشوکراتیک ، دارای خصیصت عمیقا ارتجاعی ضد خلقی و ضد دمکراتیک که بیش از همه منافع روحانیت و بورژوازی تجاری را تامین می کند ." (هما نجا) یعنی نه تنها شیوه تولیدی غالب در ایران سرمایه دارانه است بلکه دولت نیز یک دولت بورژوازی است . بنا بر این انجام انقلاب دمکراتیک بورژوازی علیه یک دولت بورژوازی در جامعه ای بورژوازی به چه معناست! ما انقلاب می کنیم تا "تفاسای ماقبل سرمایه داری را از میان ببریم"!! اولاً زمین بر داشتن بقایای مناسبات ماقبل بورژوازی بطور کلی در جهت منافع یک دولت بورژوازی است نه برخلاف منافع آن ثانیاً در جامعه ای بورژوازی نام مبارزه برای از میان برداشتن بقایای مناسبات ماقبل سرمایه داری رفرم است نه انقلاب! درست بهمین دلیل انقلابیون کمونیست ایران برنا مه حداقل را مبنای استراتژی خود قرار نمی دهند چرا که در یک جامعه بورژوازی ، انجام وظائف دمکراتیکی (که خود بورژوازی از دست زدن به آنها هراس دارد و بدلائل تاریخی سیاسی مشخص حاکمیت خود او را منزلزل می کند) که برعهده پرولتاریا قرار دارد جز با فرا ترفتن از مناسبات سرمایه داری ممکن نیست ، انقلابیون مفا دبرنا مه حداقل را بدور نمی اندازند بلکه به آن در چارچوب دیگری می نگرند . آنها از این مفا دبعنوان خواسته های مقدم ، خواسته های که تحقق آنها امر مشکل و آگاهای پرولتاریا را تسهیل می کند ، دفاع کرده و برای آن می رزمند ، اما آنها حاکم در چرخ کارگران نمی باشند ، با صراحت می گویند که مضمون این خواسته ها بورژوازی است ، که این خواسته ها نظام سرمایه داری را به خطر نمی اندازد و به یک کلام ذره ای از سوسیالیسم در آنها نیست . آنها می گویند اینها اصلاحات بورژوازی لازم در جامعه ای هستند که بورژوازی خود از دست زدن به آنها هراس دارند ، اما اصلاحات بورژوازی را انقلاب خواندن تنها کار فرمیسم است ، برسیدنی است که پس انقلابیون کمونیست چه چیزی را بجای برنا مه حداقل انقلاب دمکراتیک مبنای استراتژی و تاکتیک خود قرار میدهند؟ آنها در این راه مستقیما به آموزش لنینیست کمونیست رجوع می کنند که می گوید در عصر کنونی ، عصر گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم ، عصر انقلابات پرولتاریائی و انحطاط سرمایه داری مسئله محوری که انقلاب را از رفرم متمایز می کند همانا عبارتست از مبارزه در راه تحکیم و بسط سرمایه داری با مبارزه برای فراتر رفتن از سرمایه داری و انتقال به سوسیالیسم . "برنامه های بخش های ملی (کمینترن) باید بوضوح و قاطعانه ضرورت مبارزه برای درخواست های انتقالی را برقرار نماید . پایه تئوریک برای تمامی تقاضاهای انتقالی و جزئی باید بوضوح در بخش عمومی برنا مه مطرح شود ." (قطعنامه مکنگره چهارم کمینترن - "نترنا سو - نال کمونیست ۴۳ - ۱۹۱۹" - متن انگلیسی - جلد اول - ص ۴۶ - ۴۴) برنا مه انتقال به سوسیالیسم می باید مرکز برنا مه انقلابی احزاب کمونیست را سنن را تشکیل دهد ، اکتفا کردن به انقلاب

دمکراتیک ملی بهمراه "نیروهای خلقی" مضمون برنا مه فرمیسم در عصر کنونی را تشکیل میدهد . اما اکثریتی ها در اینجا فریاد می زنند بهر آن نرسند! آی مردم ، راه کارگر سازم جعل می کند! ما با صراحت گفته ایم که خواستار سمت گیری سوسیالیستی هستیم! این همان "انطباق خلق" مباحث لنینی برنا مه انتقالی بر شرایط ایران است! "راست" می گویند! آنها لفظ سمت گیری سوسیالیستی را بکار برده اند! اما این سمت گیری شامل چه اقداماتی است ؟ درهمان قطعنامه و درست در ادامه همان پاراگراف پیشین مفا دین "سمت گیری سوسیالیستی" روشن شده است . "کماکان در مرحله ملی و دمکراتیک قرار دارد . تا مین صلح ، آزادی و حقوق دمکراتیک مردم ، حدائی دین از دولت ، شناسائی حقوق تعیین سرنوشت خلق ها ، براندازی کسان سرمایه داری ، بزرگ مالکی و محو بقایای ساختارهای ماقبل سرمایه داری ، گسترش بخش دولتی و تعاونی و تحدید عرصه فعالیت بخش خصوصی و دمکراتیزه کردن حیات اجتماعی . - اقتصادی ، قطع وابستگی اقتصاد کشور - امپریالیسم ، اتخاذ سیاست خارجی مترقی از عمده ترین وظائف انقلاب ملی - دمکراتیک ایران است که می باید در راستای سوسیالیسم انجام پذیرند . شرط ضروری پیروزی این انقلاب سرنوشت رژیم جمهوری اسلامی و انتقال قدرت به طبقات و اقشار دمکراتیک جامعه و استفسار حاکمیت انقلابی خلق است . ع- نیروهای محرکه انقلاب ملی و دمکراتیک ایران عبارتند از طبقه کارگر ، دهقانان ، خرده بورژوازی شهری و روشنفکران خلقی ." (هما نجا - ص ۵) کد میک از این اقدامات سمت گیری سوسیالیستی دارد و فراتر از یک انقلاب بورژوازی می رود ؟ اقدامات انتقالی مورد نظر لنین و کمینترن اقداماتی هستند که گرچه سوسیالیستی نیستند اما در مجموعه شان قدرت بورژوازی را درهم می شکنند و راه را برای تحقق دیکتاتوری پرولتاریا هموار می سازند . در مرکز این اقدامات انتقالی برقراری کنگره کارگری بر تولید و توزیع تمام محصولات اساسی ، ملی کردن بانکها و سپردن نظارت بر امور آنان به توده تولیدکنندگان ، سندیکائی کردن کلیه صنایع و موسسات تولیدی و خدماتی قرار دارد . جهت اصلی برنا مه انتقالی نه رسوا مان دادن به اوضاع تولید بورژوازی و انجام رفرم های لازم در آن بلکه فراهم کردن شرایط گذار هر چه مستقیم تر به سوسیالیسم است ، کنترل کارگری گرچه اقدامی مستقیما سوسیالیستی نیست اما نظم بورژوازی تولید را مختل کرده و به تدریج بسترا آموزش توده های پرولتاریا را آماده شدن در جهت اداره اقتصاد جامعه سوسیالیستی است . "دمکراتیزه کردن اقتصاد کشور" ، "حدائی دین از دولت" ، "حق تعیین سرنوشت" ، "محو بقایای ساختارهای ماقبل سرمایه داری" ، "گسترش بخش تعاونی و دولتی و تحدید عرصه فعالیت بخش خصوصی" ذره ای از انتقال به سوسیالیسم را در خود ندارد . دمکراتیزه کردن اقتصاد در برنا مه بلشویکیا بطور مشخص در بند مطالبات بورژوازی و دمکراتیک آمده و بطور واضح مرز آن ، با خواسته های انتقالی

محدود کند. آنها همانطور که در برابر سرکسوب کمونیستها و تحدید آزادی درجوامی چون لیبی، سوریه، مصر (دوران ناصر) سکوت کرده و قضیه را با فحاشی به "تنگ نظری و کوه تهیینی خورده - بورژوازی ضد امپریالیست" قیصله میدهند، حاضرند در قبال "عدالت اجتماعی" خرده بورژوازی بر سر "مسئله آزادیها" کنار بیایند. تجربه ۶۲ - ۵۸ ایران بیش از هر چیزی این را اثبات می کنند. تزلزل و جین این رفرمیسم راحتی از شعسار امروزان، امروزی که توسط رژیم به مفسوف اپوزیسیون رانده شده اند، می توان در یافت. در حالیکه تمام نیروهای انقلابی شعسار "زندانیان سیاسی را آزاد کنید!" سرلوحه مبارزه ضد اختناق، شکنجه و زندان کرده اند، رهبری حزب توده و اکثریت شمار فداشیسان توده ایهای زندانی را آزاد کنید! سرگامه اند. این تنها بیان یک سکتا ریسم گنبدیده نیست این ناشی از همان تفکری است که تا تیغ گلوی خودش را نبرد حاضریه دفاع از حقوق دمکراتیک و آزادی نیست و برعکس حاضریه هر معامله ای بر سر این حقوق تحت نام "دفاع از دستاوردهای مبارزه ضد امپریالیستی می باشد، آنوقت هم که برید تنها دفاع از خود می کند و به حق عموم مردم کاری ندارد. رفرمیسم توده ای قدار به دفاع پیگی سر از آزادیهای دمکراتیک نیست و بهمین دلیل در حالیکه در انقلاب دمکراتیک ملی نوع اکثریتی قرار است "وابستگی اقتصادی به امپریالیسم بدون ریشه کنی نظام سرمایه داری غالب، قطع شود، کلان سرمایه داری بدون نابودی طبقه بورژوازی از میان برداشته شود! در همان حال اصل "آزادی بی قید و شرط بیان و عقاید" این مطالبه اصلی هر انقلاب دمکراتیکه بیانی گنگ و قابل تفسیر می باید.

خلاصه کنیم: "استراتژی و تاکتیگ فداشیان برای انقلاب دمکراتیک و ملی" بمعنای محدود ماندن در چارچوب رژیم بورژواشی و مناسبات بورژواشی موجود در ایران و به بیان دیگر محدود ماندن به آنچه چیزی است که تحت عنوان "برنا مه حداقل" خوانده میشود. در این خط مشی سخنی از خواسته های انتقالی، که تنها طریق عملی گام برداشتن به سوی سوسیالیسم است و توسط کمیترن به صراحت طرح و تدوین شده است گفته نمیشود و بدین ترتیب این بینش در حسد رفرمیسم سوسیال دمکراتیک باقی می ماند. در حالیکه انجام برخی خواسته های مستقیم سوسیالیستی توسط نیروهای خلقی "طلب شده، راجع به مطالبات اصلی بورژوا دمکراتیک نظیر آزادی بی قید و شرط بیان و عقاید، مجلس موسسان و حق شکل نامحدود، به ذکر اظها را تکی کلی و نا رسا اکتفا شده است. این استراتژی و تاکتیگ بیان ناپیگیری رفرمیسم حتی در دفاع از خواسته های دمکراتیک بورژواشی است، که در آن حرکت بسوی سوسیالیسم به آینده ای نامعلوم سپرده میشود، در حالیکه به مطالبات ناپیگیری بورژواشی رنگ و لعاب سوسیالیستی زده می شود. مادر مقالات بعدی به اجزاء دیگری از این "بینش دمکراتیک ملی" خواهیم پرداخت.

(ادامه دارد)

در تفا دبا مرحله انقلاب دمکراتیک ملی دعائی اکثریت قرار دارد. ردیف کردن آنچه معنای جزیر انداختن طبقه بورژوا و نظام سرمایه داری در ایران ندارد، در کنار تاملین صلح و جدائی دین از دولت که براحتی در چارچوب مناسبات سرمایه داری موجود، می گنجد بدون آنکه آب آزاب تکان بخورد، ناشی از اغتشاشی است که بین خواسته های دمکراتیک و وظایف سوسیالیستی در این بند وجود دارد. این اغتشاش البته بهیچ وجه تصادفی نبوده و ناشی از درکی است که نویسندگان مسا از مبارزه علیه وابستگی اقتصادی و بر انداختن کلان سرمایه داری در ایران دارند. آنها هر دو این مبارزات را همراه و در اتحادی خرده بورژوازی (و روشنگران خلقی) ممکن و میسر میدانند و بدین ترتیب نظیر پوپولیستها به خرده بورژوازی توان سرمایه شکنی میدهند. آنچه در چارچوب یک انقلاب دمکراتیک ملی! ما بطور مستقل درک رفرمیسم اکثریتی و توده ای از نقش خرده بورژوازی در انقلاب ایران خواهیم پرداخت و در اینجا تنها به ذکر اغتشاش موجود ناشی از این بینش در مطالبات آنها اکتفا می کنیم تا نشان دهیم این "انقلاب دمکراتیک ملی" چه آش در هم جوشی شده است!

اما خوشبختی پوپولیسم و رفرمیسم به این مورد محدود نمیشود. اگر پوپولیسم، که بان آشفته سری خرده بورژوازی را دیکال در جنبش کارگری است (در این مورد رجوع به نقد برنا مه اقلیت، مندرج در راه کارگری، شماره ۳ راهگشا است)، رفرمیسم اکثریت بیان انحطاط این پوپولیسم و نسوع "معقول شده" آن است. اگر پوپولیسم در هر اس از دادن میدان به "عوامل بورژوازی" از مبارزه برای آزادی و دمکراسی سر می پیچد و در این راه عملاً با به آسیاب همین بورژوازی می ریزد، رفرمیسم یار و ارتجاع حاکم در تحدید آزادیها تحت نام حفاظت از "دستاوردهای ضد امپریالیستی" است. اگر پوپولیسم از اعدام انقلابیون به خشم میاید، اما قدار به درک استیمال خود در برابر ترکنازی ارتجاع بر سر "مبارزه بالیبرالیسم" نیست، رفرمیسم آگاهانه و از روی بیاری ساندن به "حاکمیت خلقی" در سرکوب آزادی و دمکراسی شوکت می کند. نتیجه هر دو این انحرافات با زتاب خود را در سکوت در قبال اساسی ترین خواسته هر انقلاب دمکراتیک یعنی دفاع از آزادی بی قید و شرط بیان و عقاید، این شاه بیت برنا مه بلشویکها برای انقلاب دمکراتیک، می باشد. در "استراتژی و تاکتیگ... فوق الذکر با اشاره به "حقوق دمکراتیک مردم" از کنار این قضیه رد شده اند. "حقوق دمکراتیک مردم" یعنی چه؟ کمونیستها با بدبا صراحت از آزادی بی قید و شرط بیان و عقاید دفاع کنند. این امر در مسورد اکثریت دوچندان اهمیت دارد چرا که آتشان تاریخچه ای ننگین از همکاری با رژیم جمهوری اسلامی در سرکوب این آزادی و دمکراسی دارند و به نام "مبارزه با توطئه امپریالیسم" عملیایر ویا و ارتجاع سرکوبگر و خونریز حاکم بوده اند. اما رفرمیسم از تصدیق آزادی بی قید و شرط بیان، مطبوعات، تجمعات، تشکل، اعتصاب و حضنت دارد. اومی خواهد که قضیه را به بندوبست و جبهه سازی با بخشهای از حاکمیت و اپوزیسیون

ترسیم شده است (لنبن - تجدید نظر در برنا مه حزب، کلیات آثار جلد ۲۴ - ص ۲۷۲) "گسترش بخش دولتی" که به توسط رژیم شاه و چه رژیم خمینی با ابعاد غول آسائی پیش رفته است، بخش تعاونی تولید، سرمایه داری نیز هیچ چیز ذاتی که فراتر از نظام سرمایه داری برود ندارد، گسترش نسبی تعاونی تحت حاکمیت فقها خود بهترین دلیل برای این ادعا است. رژیم بورژواشی براحتی می تواند با ایجاد شبکه تعاونی سنی در اعمال کنسولر مستمر تر بر نحوه توزیع کالاها بکند و از این امر برای تحکیم سیادت بورژوازی (بویژه بورژوازی بوروکرات) در جامعه سودجوید، کاری که فقها در حال انجام آن هستند، این یک خرافه خرده - بورژواشی است که در هر "دولتی شدن" و تعاونی گامی به پیش می بیند. حال شیشه عمرا این تفکر توسط روحانیت حاکم به زمین زده شده است و توده مردم، بدون هیچ رمل و اسطرابی، به عبان م بیننده که میشود دولتی کرد، تعاونی ساخت و در این هم به سوسیالیسم نزدیک نشد که هیچ نتواند. قدرت سرکوبگر دولت ارتجاعی را تحکیم نمود. بویژه در شرایط ادامه سلطه مستبدانه و متمرکز بورژوازی این نوع دولتی کردن بطور مشخص موجب تقویت ماشین دولتی سرکوبگر گشته و عملی فوق ارتجاعی است.

اما توجه ویژه به دو "خواسته" انقلاب دمکراتیک ملی نوع اکثریت لازم است و آن "بر - انداختن کلان سرمایه داری و قطع وابستگی اقتصادی امپریالیسم" در انقلاب آنها است. وابستگی اقتصادی ایران و ادغام اقتصاد ایران در نظام امپریالیستی جهانی از چه طریقی صورت پذیرفته است؟ خود نویسندگان قطعنامه در بند "به رشد مناسبات سرمایه داری در ارتسباط ارگانتیک با امپریالیسم" اشاره می کنند. یعنی اینکه حلقه وابستگی، آن بند نافی که اقتصاد ایران را به نظام امپریالیستی متصل کرده است، مناسبات سرمایه داری در ایران است. متحد نیی امپریالیسم در ایران نه فلان کلان بلوچستان و یا فلان زمین دار کردستان بلکه طبقه بورژوازی ایران است. آیا نویسندگان قطعنامه فوق چیزی بنام "بورژوازی ملی" می شناسند؟ طبعانه چرا که آنها در معرفی بورژوازی ایران علاوه بر حاکم تنها از بورژوازی لیبرال متحد امپریالیسم نام می برند و ظاهراً بر شبح بورژوازی ملی خط بطلان می کشند. پس اگر بورژوازی ایران وابسته به امپریالیسم است، اگر مناسبات سرمایه داری در ارتسباط ارگانتیک با امپریالیسم "رشد کرده است در این صورت تنها راه قطع این ارتسباط ارگانتیک بر - اندازی نظام سرمایه داری در ایران است. و این نه از یک انقلاب دمکراتیک ملی بلکه تنها از یک انقلاب سوسیالیستی و ضد سرمایه داری بر می آید. بهمین سیاق عبارت گنگ "بر انداختن کلان سرمایه داران" که معنای جزیر بزرگ شدن طبقه بورژوازی، این حاکم مطلق اقتصاد ایسبران، ندارد. مگر آنکه نویسندگان ما کلان سرمایه دار دیگری جز بورژوازی در این آب و خاک پیدا کرده باشند! بدین ترتیب این دو خواسته کللی

ملاحظه خواهیم کرد، گران "خط دو" نظورعینی در میان شخصی از کارگران بشرو و رزمیده رمنه دارد و بخشی از همین سروها در محافل مذکور محتاج اند مبارزه برای طلب وحدت این محافل حیزجدائی ناپذیر از فعالیت مادرا سر اسعرا در حبس کارگری محسوب می شود. در حین مواردی به ویژه ضروری است که محافل مذکور با مطالبات و مسائلی شخصی کارگری ما آشنا گردند و در صورت امکان در اتحادیه های محلی کارخانه، سرکاری اول ماه مه، سازماندهی ارتباط کارگری، دریافت اخبار، ایجاد شبکه خبررسانی به مراکز کارگری و محسب تحقق سیاست صبه واحد کارگری در سطوح گوناگون متراکت داده شود. از این رو تماس فشرده تر و نزدیکتر با این دسته از محافل در صورتی مافرا قرار دارد.

۲) محافل کارگری

حاکم به پیش نظر اظهار داشتیم، محافل کارگری یکی از ابتدائی ترین وساده ترین سطوح تجمع کارگران می باشند، که در شرایط تسلط دیکتاتوری و اختناق سوزوئی و درغیا با اتحادیه ها و سایر سازمانهای توده ای و مستقل طبعه، یکی از سطوح مهم سازماندهی گروه های جداگانه طبقه کارگران تشکیل می دهند. محافل کارگری که برپا به اعتماد متقابل و روابط طبیعی فیما بین کارگران بوجود می آید از تنوع موی العاده زیادی برخوردارند. محافل کارگران با ویژگی کارگران، محافل کارگری معنسی سرآشائی های قومی و ولایتی (سپهرگلسی ها، سدیها)، اشتراک ملی (آذری ها، کردها)، محافل مطالعاتی کارگری، محافل مبارزاتی متعدد کارگری در طی یک اقدام اعتراضی و یا اعتراضی و تدوام آن به صورت هسته های مبارز و مخفی، مرکب از کارگران بشرو، انواع روابط دوستانه و محفلی حول صندوقهای تعاون و همبازی متقابل کارگری و سبب صندوقهای اعتماد، با توتیهای گوناگون کارگری در محله و سایر مراکز معس و نیز شبکه ای از روابط محفلی، آشائیه ها و رمت و آمدیهای کارگران به خا به کارگران معتمد و صاحب نفوذ، محفلی ترکیب متنوع محافل کارگری را رقم می زنند. مادریکرشته از مقالات پیشین ارگان سیاسی تشکیلات به بررسی تفصیلی برخی از این محافل و کار در محافل کارگری کارگری برداخته ام. بی المثل رفعا می تواننده مقالات آگاهی کمونیستی و محافل مطالعاتی کارگری "مندرج در نشریه راه کارگر شماره ۱۸ و سبب "صندوقهای قرض الحسنه" "خیرین"، صندوقهای تعاونی اعتباری کارگران و زحمتکشان، سیاست ما "مندرج در نشریه راه کارگر شماره ۲۸ رجوع نمایند. اهمیت هر یک از این محافل را چه در زمینه سازماندهی حزبی وجه در حوزه تشکلهای غسرحزی طبقه کارگر باید در نظر گرفت.

تشکیل محافل گوناگون در میان گروه های جداگانه کارگران، بیان ابتدائی اشتراک منافع و هم سرنوشتی کارگران است که هنوز از قوا السبب "صنفی"، قومی و خویشاوندی"، "ملیت"، "واحد کارخانه" و پیوندهای فردی و جداگانه عمقا متزیمی باشد. معبدا، این شیوه تشکل سدفا عسی محکم از جانب گروه های کارگری در مقابل تعرض سرمایه داران و دولت حامی آنها می باشد که نمی توان آن را سرکوب کرد و ممنوع نمود. از این رو محافل اگرچه بعنوان یکی از اشکال سازمانی کارگران با زتاب تا تشریک متگیری طبقه سرمایه دار بر نحوه تشکل کارگران می باشند، اما در عین حال بهین اسن حقیقت نیز هستند که سرکوب و اختناق سرمایه داران قادر نیست طبقه کارگر را به اتحاد جداگانه کارگر تبدیل نماید. محافل خانوادگی، یکی از محملهای پایه ای تلیعات انقلابی و آشائیه ما با کارگران پیشرو و رهبران طبعی "طبقه کارگر محسوب می شوند. امروزه محافل کارگری عموما از فضای سیاسی برخوردارند، زیرا در کشوری که جنگ و مداخلات روزمره رژیم در زندگی مدنی مردم همه حیزرات تحت الشعاع قرار داده و هر مطالبه کارگری در خصوص سعه، دستمزد، شرایط و ساعات کار با شدت ترس مقاومت دولت و طبقه سرمایه دار پرور می شود، سیاست عنصر روزمره زندگی هر کارگری و بطور اولی کارگری بشرو و رزمیده است. تلیغات و افشاکری سیاسی همه جانبه، تسوزدن کارگران در راه درخواستهای عملی، راهشائی آنان به سمت اشکال جمعی مبارزه و به یک کلام "تلیغ خانه به خانه" از طریق این محافل می تواند، سازمان داده شود. محافل مذکور همچنین مینای جلب خانواده های کارگری به همستگی فعال با مبارزات کارگری، و شبکه علنی و نیمه علنی طبعی، و فعال هر مبارزه اعتراضی و اعتصابی توده ای کارگران است. در هر اعتصاب کارگری، محافل کارگری معنانه کانالهای اطلاعاتی، خبر

غالبا آشائیه های دوستانه و مسما به و حرا ن زدگی بیشی عمومی افراد محفل است. واضحست که فقره نخستین از ما دگی بیشتر مبارزاتی و علقه های محکمتری برخوردارند. با توجه به ملاحظات مذکور، روش برخورد ما به و زکبهای محافل مذکور از چه قرار باید باشد؟

نخست آنکه، ما باید در سرقراری تماس (ولو غیر مستقیم) با محافل فقره اول، تقدم و ارحمت قابل شوم؛ تلاش کنیم تا این محافل را به گروه های هوادار خود مبدل نمائیم و با لافل آنها را سجوی از انجا، (مثلا در سطح سلیعات و اتحادیه های سرخ و با احرای رهنمودهای مشخص مبارزاتی) در دافره نفوذ مسلکی و عملی خود قرار دهیم. در ضمن، توانائی عناصر این محافل در امر استقرار در حبس کارگری و یا پذیرش انضاط مبارزه کاملا محبانه نمی تواند یکسانه ملاک تعیین کننده برای سرقراری تماس باشد. این محافل می توانند در سطوح کاملا متفاوت و به درجات بسیار متنوع، به شیوه ای محفلی و نه کاملا محفلیانه تشکل شوند و به سهم خود به مبارزه انقلابی و رشد حریان کمونیستی با ریسانند.

دوم، آنکه در موارد سرقراری تماس با محافل مذکور، نباید هویت تشکلاتی خود را اعلام نمائیم رساندن نشریات تشکیلات به محفل نیز باید بطور غیر مستقیم انجام شود. اما معرفی رادپوسا زمان می تواند تحت پوششهای عمومی، صورت گیرد. به علاوه همواره باید در اقتناع افراد صاحب نفوذ و رزمیده محفل توجه و ویژه مبدول نمائیم و در صورت لزوم، در خارج از چارچوب حفل مناسبات نزدیکتری با این دسته از نیروهای انقلابی سرقرار نمائیم. سوم، آنکه در برخورد به محافل فقره دوم، تلاش ما نباید مبتنی بر ایجاد گروه بندی واحد باشد. ما خواهان آن نیستیم که فقره های جداگانه با پرچمهای معشوش ایدئولوژیک و خصوصیات نامتناهی سوزوئی، تشکیر شود. حسن فقره ها و محافلی بدور از اینکه راه انقلابی سوزوئی رفت از بحران باشد، تحس عسی بحران اند. اسن خطر در مورد محافل فقره اول نیز بهین وجود دارد که به قول مارکس به یک "فقره سسته با یک سر" (یعنی یک آتوریتته) مبدل شود، سری که بیش از همه انعکاس سرگیجه دوره بحران است و حاکم ایدئولوژیکش، قنای جهل و صله. اگر این مطلب در مورد محافل فقره اول صادق است، پس بطور اولی در مورد محافل فقره دوم باید به عنوان راهنما تلقی شود. همچنین سیاست ما در مقابل محافل مذکور، تبدیل آنها به اطاقها و مجامع تنها تری ایدئولوژیک نیست. از این رو در مورد محافل دسته اخیر، تلاش ما باید در وهله اول تفکیک آن دسته از عناصری باشد که اولادگی بیشتر برای پذیرش کمونیسم دارند و از جهت گیری کلی یاد شده در فوق متاثرند؛ تا با از قابلیت مبارزاتی حدیتری برخوردارند، یعنی تجمع در محفل را وسیله ای برای راهبازی و مداخله در مبارزه (در سطوح متفاوت) تلقی می کنند و به صرفا وسیله ای برای عقده فشائی و اعلام درد مندبهای "اعلیحضرت" روشنفکر که حبان به ارزشی بی نرسده و بدویده کار راست!

چهارم، آنکه تلاش سازمان ما این خواهد بود که به نیروها و محافل "خط دو" فرصت کافی برای مبارز متشکل با به روشن های نظری و بیان تجارت و راه حل های منحص خود بدهد. از این رو، اسناد تشکلاتی و به ویژه پیش نویس طرح برنامه ما می تواند مینائی برای مبارزه ایدئولوژیک و برخورد نظری این طیف باشد. ما تمامی این نیروها و محافل را به چنین پلیمیکهای رفیقانه دعوت می نمائیم و ابزارهای لازم را برای سازمان دادن این امر تعیین می کنیم. چنین محافلی می توانند با توجه به رهنمودهای ارائه شده با مرکز ارتباطات و رادپوسا زمان تماس برقرار نمایند، وسوالات، پیشنهادات و انتقادات خود را ارائه دهند و در صورت تمایل به پلیمیک با اسناد تشکلاتی و به ویژه پیش نویس طرح برنامه ما مبارزات نمایند. ما نیز به سهم خود، در صورت تشخیص مطالب مهم و کیفیت، به انتشار آنها اقدام خواهیم کرد. به علاوه، تشکلات ما سعی خواهد نمود تا در هر وقت مجموعه آموزشهای نظری و عملی را که برای تبدیل یک محفل به محفلی رزمیده و کمونیست ضروری است، تهیه نماید و از طریق ارگانهای مرکزی، رادپوسا و سایر روشهای در اختیار نیروهای مذکور قرار دهد.

پنجم، آنکه سبب حوجه ناسد چنین پیدا است که در محافل انقلابی روشنفکران متماثل به کمونیسم، عناصر کارگر و رزمیده دارند. بالعکس، بسیاری از این محافل ترکیبی از روشنفکران و کارگران پیشرو (و با کارگران با خراجی بشرو) را در بر می گیرند و تا حدی لحاظ به تریا شد از محافل انقلابی روشنفکری - کارگری متماثل به کمونیسم سوزوئی در محافل روشنفکران انقلابی ناسد ما، در واقع، سبب حاکم به اینست که در محافل کارگری

کارگران را صرفاً به حوزه اقصای محدود می‌سازد و در واقع امر رهبری مسلکی - سیاسی و سخنرانی توده‌ها را بعد از احزاب بورژوازی می‌گذارد. معیذاناً به فراوانی کسب کرد که سدا پیش این محافل در دورانی که فعالیت مستمر و مادی در میان طبعه نمی‌شد، تا حدودی ارجحاً تاریخی موجه نبود. اما امروزه، پس از آنکه کارگران مکتب یک انقلاب خلقی را بیست سربازان، مضمون فعالیت "خط پنج" در میان محافل کارگری حطبه هر چه بیشتر ارنجانی کسب می‌سازد. ما با نداشتن دعوت از کارگران منسکل در محافل "خط پنج" برای شرکت فعال در مبارزه روزمره کارگران، ما گراشات اکوئومستی و لیسالی آن مبارزه کسم و نعداً در هر چه بیشتر آریان را نسبت فعالیت حری و کمونیستی طلب می‌سازیم.

۳) محافل آکا دمیک و روشنفکری چپ

محافل فرهنگی، ادبی و آکادمیک نوعی دیگر از جمع‌های روشنفکری محسوب می‌شوند، که در شرایط فقدان آزادی احمن‌های ادبی، فرهنگی و علمی ساکنند و بعداً اقدام به استنار جنبه‌های فرهنگی و هنری نیز می‌مانند. در هر چه در میان این دسته از محافل، ما با بدست‌گرفته نکات اولی را در نظر می‌گیریم. نخست آنکه مارکسیسم معنای یک جهان بینی، مکانه بیان صحیح منابع، دیدگاه و فرهنگ پرولتاریا را انقلابی است، اما بر او اگر چه حزب کمونیست سا در رهبری مبارزه طبقاتی پرولتاریا می‌سازد و بدین لحاظ ما با ندگی ادبی و سیاسی طبعه را بعداً دارد، اما مبارزه پرولتاریا با بورژوازی فقط به عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و فلسفی خلاصه نشده، بلکه شاملی نظموهای هنری، فرهنگی و علمی را در بر می‌گیرد. سطوح رشد و تکامل نظری پرولتاریا در حوزه‌های گوناگون نظری و فرهنگی به یکسان نبوده، و در بسیاری از این قلمروها، نخستین گام‌های حدی سازگی آغاز شده‌اند، آن‌ها حمله‌اند. مثلاً رسائی‌شناسی، ورواشناسی اجتماعی. حزب کمونیست سزنا دسائی طبعه کارگزار است، و محاربت در مورد حوزه‌های اخذ تصمیم ساده‌کده از بحث تا منبأ اتحاد طبقاتی کارگران، مضمونی وسی مورداست و بنا در حیطه صلاحیت رهبران اوست. این تصور بداد گوزیک (معلم وار) از حزب به مثابه علامه همه علوم و صاحب فتوی در هر خصوص، بیشتر به درد کلیسائی که توبسک با نظام ولایت فقیه می‌چورد تا حزب کمونیست. مثلاً مضحک خواهد بود، اگر اظهار می‌سازیم که موعج نشکلات ما در مورد ورواشناسی، تا بنده با ولوف و ملاطفت در فریاد است. علت اینها، بی‌روشنی است؛ علم نمی‌تواند خود را تابع سلسله مراتب تکنیکال و حزبی نماید و خود را زحمت خود را از زربش سفیدان و "عالی‌جنابان" و باحتی اکثریت بگذرد. واضح است که بینیا دنظری تشکیل کمونیستی، سوسالیرم علمی (مارکسیسم لنینیسم) می‌سازد و اما اهمیت تاریخی ماریکسیسم این است که: "مارکسیسم اهمیت تاریخی پیش را بعنوان ایدئولوژی پرولتاریای انقلابی دست آورده است، چرا که بدو را از زشت‌ترین دستا وردهای دوران بورژوازی بوده، و بالعکس هر آنچه در طی نگاه مل دویست سال تفکر و فرهنگ بشری ارزشمند بوده، گردآوری نموده و تجدید آرایشی داده است. تنها کار بیشتر بر این پایه و در این جهت، بر اساس تجربیسه عملی دیکتاتوری پرولتاریا معنای مرحله نهائی در مبارزه علیه هر شکل استبداد می‌تواند به عنوان نگاه مل فرهنگ پرولتاریا خالص در نظر گرفته شود." (لنین، در باره فرهنگ پرولتاری، کلیات آن در جلد ۳۱، صفحات ۳۱۶ و ۳۱۷، متن انگلیسی، تا کبدا از ماست). از این رو گردآوری با ارزشترین دستا وردهای فرهنگی بشریت و الاخص دستا وردهای فرهنگی دوران بورژوازی و نگاه مل انتقادی و مستقل آنها، یکی از وظائف دائمی ماریکسیست محسوب می‌شود و حزب پرولتاریا بدو را از آنکه موانع وسداهای مصنوعی در این راه ایجاد نماید، باید بزرگترین پشتیبان، مشوق و حامی چنین تلاشها می‌باشند. این تلاشها نیز که مقدمتا در حوزه نظری حان می‌گیرند (چنانکه ماریکسیزم نیز در شکل شوربک خود تنها به مثابه ادا به منطقی دستا وردهای فرهنگی اقتصاددانان، مورخین، سوسیالیستها و فلاسفه قرون ۱۹ و ۱۸ (پدید آمد)، تنها به فعالیت نظری، فعالین و مسئولین حزبی محدود نشده، بلکه در "خارج" از حزب نیز در سخنرانی مقیاس صورت می‌پذیرند. بهمانسان که یک فیلسوف یا عالم سرشته ماریکسیست لزوماً نمیتواند عضو حزب کمونیست باشد، بهمانسان سرنور آنکه مشول حزبی این چنین دستا وردهای و علاقمندان حزبی "آموزگار" آن در هر حوزه‌ای می‌سازد، خنده آوار است. تنها با در نظر گرفتن این حقایق است که حزب کمونیست می‌تواند بایده ارتقاء فرهنگ پرولتاریا بطور اخص باری رساد و بسکاندا فرهنگ مترقی و پیشرو بطور اعم باشد.

رسائی و بیکپایه‌ی همه محفل کارگران پیشرو در سطح و سخنرانی توده‌های کارگر و مکتب عمل می‌کند. تبلیغ انقلابی در محافل کارگری اساساً نمی‌تواند مسوجه حدت جداگانگانه و بنگ بهره کارگران باشد، بلکه باید هدف خود را آشکارا کردن عموم کارگران به مطالبات انقلابی و هدایت آن به سمت اشکال و قواعد علمی مبارزه قرار دهد. از نقطه نظر مبارزه روزمره توده‌های کارگر، تلاش ما با نداشتن در جهت کمک به اتحاد سازمانهای وسیع اتحادیه‌ای طبقه است. امروزه اشکال معدمانی ما قبل اتحادیه‌ای تجمع کارگران، نظیر صندوقهای تعاون و اعصاب کارگری، محافل و مجامع عمومی کارگری، کمیته در عالی کشورهای رمنه سازماندهای مستعمل کارگری بوده‌اند، در کشور ما رو به گسترش و تکامل اند. از این رو، ما با در جمعیت مذکور بدقت در راستای چنین هدفی بهره‌گرفته، در عین حال، اگر چه شرکت مادر محافل کارگری نمی‌تواند به منظور حدت جداگانه و بنگ بهره عموم کارگران باشد، اما می‌تواند با استفاده از طریق این محافل (و نه فقط از طریق محافل) با کارگران رزمیده و بی‌سرو و بی‌سوز "رهبران طبیعی" طبقه کارگر روابط و مساسات نزدیک برقرار نمود. ما با سازماندهای سوان و بهترین رفقای خود، برای حدت رهبران عملی و طبیعی، و مسلط رسیده و معتمد کارگران استفاده نمائیم و از طریق مسی منوعین و معظف ترس روشها، تماس فردی و بیوندهای خود را با این دسته از کارگران اسکا محسوم. علاوه بر این، تلاش برای احاد دهسته محفل برای مرکب ارعم کارگران پیشرو و حولی مفساسات مشخص برای رهبری مبارزات جاری طبقه کارگران، صرفاً از اختلافات ایدئولوژیک، حاشیبه اهمیت واقعی است، ما بر اساس جمعیت و اعتم که در میان کارگران پیشرو، گراشات ایدئولوژیک معناوت فراوانی، از جمله گراشات متقابل "خط دو" وجود دارد. تلاش ما بر این خواهد بود که بدون تلاشی محافل کارگری و اتحاد راه اندازی این محافل در مبارزه برای مطالبات مشخصی، تعداد هر چه بیشتر از کارگران پیشرو را به سمت کمونیسم جلب نمائیم. در این زمینه کارگران متقابل به "خط دو" البته رمنه مساعدتری نسبت به سایر کارگران با مطالبات ایدئولوژیک دیگر دارند. اما ما که کمونیسم را علم شرایط واقعی طبقه کارگری می‌دانیم، ما با نداشتن کارگران بعنوان یک طبقه اجتماعی از لحاظ عیسی استعداد مبارزه انقلابی را دارا می‌باشیم و تحریک مبارزاتی سوزنه کارگران پیشرو را در بر می‌سازد و به حفاقت کمونیسم متقاعد خواهد نمود، کل قشر پیشرو کارگر؟ یا نه؟ فقط کارگران متقابل به ما و "خط دو" را موضوع تبلیغ، ترویج انقلابی و کمونیستی خود می‌دانیم. از این رو، طبقه خود می‌باید ابرم که بدون تلاش برای کنجاندن جنبش کارگری در محور هر گونه اصول و سزه ایدئولوژیک، بیشتر مسای تحریک عملی خود کارگران، عموم کارگران پیشرو را به حفاقت بر نامه مطالبات کمونیستی خود متقاعد نمائیم. ما با محافل مطالباتی کارگران سئی از ابزارهای موثر در انتقال آگاهی سوسالیستی به کارگران پیشرو محسوب می‌شوند.

بدین ترتیب مبارزه برای طلب رهبران طبیعی طبقه کارگر، احساسات محافل مطالباتی کارگران، تشکیل هسته‌های مخفی کارگران پیشرو در کارخانه‌ها، باری رساندن به تشکیل صندوقهای اعصاب و تعاون کارگری، ترکیب فعال در مجامع عمومی و انواع سازمانها (نقشبندیها، سازمانهای ورزشی، کلاسهای سوادآموزی و غیره) و محافل کارگری بخشی از وظایف مستمر ما در میان طبقه کارگر تشکیل می‌دهند. در جامعه این سب، ما بد توجه به تفاوتها به یک دسته و سزه از محافل کارگری سوسوم به "خط پنج" طلب می‌سازیم. این محافل که در دوران رزم شاه نیز وجود اشها بدوین از انقلاب بهم سزگنترش یافتند، عموماً با هر گونه پیوسته و سببکاران از جمله روشنفکران کمونیست با کارگران مخالفتند. ما گفته‌اند به غالب رهبران سازمانها محافل "خط دو" خود از روشنفکرانند؛ فعالیت عملی این محافل به دو حوزه محراز یکدیگر سببک می‌شود. سخن عبیده فعالیت آنها، مطالبات پایه‌ای ماریکسیستی است و جنبش دیگر شرکت در مبارزه روزمره و اقتصادی طبقه. جنبش حاکم بر محافل "خط پنج"، اساساً لیسالی و اکوئومستی است. آنرا با مطالعه ماریکسیستی، معنومی محدود آکا دمیک ارائه می‌دهد. زیرا این مطالعه از هر گونه مداخله فعال و حزبی در مبارزه سیاسی - طبقاتی جاری است و از این رو نتیجه آن سرنه جلوگیری از "عبود هر چه بورژوازی" روسفکران به معنای طبقه بلکه تبدیل کارگران به روشنفکر - کارگزار است. در عین حال، جنبش حاکم بر این محافل، مبارزه عملی

با یکدیگر ارتباط برقرار نمودند و سپس در خارج از جوار حوشل و با زاینده محافل، طرح فعالیت‌های جدیدی را ریختند و معمول داشتند. این محافل را نیز نمی‌توان نادیده گرفت. با لکل متنوع ساخت، ترکیب متنوع، مضمون "غیر سیاسی" و ساختن محافل آنها، نوعاً نسبت انعطاف‌ناپذیر و قابل سرکوب رژیم برخوردار است. از آنرو مدخله در این محافل از حیث شناسایی و تماس با تعداد ده‌ها و سعه‌تری از محافل روشنفکری در تهران و شهرستانها بی‌ضروری است.

مداخله فعال در حوزه فعالیت‌های محفلی و انتشاراتی مذکور، نیازمند یک با چندگان در عملی است که از توجیه و محمل‌های مناسب طبیعی برخوردار باشند و آنکه درگیر سایر پروژای انقلابی و منظم باشند، در این حوزة تخصص‌یابند. این دسته از رفقا همچنین می‌توانند وسیع‌ترین محافل روشنفکری چپ و غیر "حب" را شناسایی نمایند؛ بهترین افراد را از حیث رزمندگی و تمایل به کمونیسم گزین کنند، آنها را در محمل‌های طبیعی به یکدیگر وصل نمایند و بطور غیر مستقیم رفقای سازمان را در ارتباط با آنها قرار دهند. این دسته از رفقا، در برخورد به محافل متعدد روشنفکری و جوانان انقلابی و پرتو شهرستانها، با بداهت‌ها و شناسایی تعداد ده‌ها بیشتر از اینگونه محافل و گزین کردن سختگیرانه تعداد محدودی از آنان پیروی کنند. زیرا چنانکه بیشتر نیز اظهاردادیم ویژگی عمومی این محافل، تزلزل و عدم ثبات نظری، ناموزونی فوق‌العاده شدید فعالیت‌های سازمانی، وجود ترکیبی از گرایش‌های سوسیال دموکراتیک، آنارشیستی و کمونیستی است. از آنرو بنا به جهت تبدیل این دسته از محافل به "گروه‌های سیاسی" نامتناهی تلاش کردیم که با ایده‌گزینی، تفکیک و دسته‌بندی سختگیرانه در میان آنها دست‌زود رزمنده‌ترین و آماده‌ترین آنان را که متمایل به کمونیسم می‌باشند، مورد توجه قرار داد.

تمامی تا کیدات ما منی بر ضرورت گسترش فعالیت، تنوع بخشیدن به قابلیت‌ها در حوزه فعالیت مخفی و علنی، یوشا شدن هسته مخفی حزبی با انواع شکل‌ها و محافل نیمه‌علنی و علنی، نیاید زده‌ای در این حقیقت پایه‌ای تردید ایجاد نماید که در دوران تدارک قوا، در دوران تزلزلات، گیسری و گریز از حزبیت رایج در میان روشنفکران، در دوران شیوع انسواع گرایش‌های بورژوازی و خرده‌بورژوازی، فقط و فقط هسته‌ی پایداری، منضبط، آگاه و سخت‌کوش حزبی می‌تواند برای اکل ساختمان عظیم و گسترده یک حزب توده‌ای در آتیه حکم خشت اول را داده باشد. از اینرو مصلحت‌های ناشی از گسترش فعالیت محفلی، نیاید بهیچوجه سبب‌الختی و تضعیف هسته محکم حزبی گردد. دانش و تجربه زنده انقلابی پیرامون تلفیق موثر فعالیت‌های مخفی، نیمه‌علنی و علنی ما را به فاش آمدن مشکلات ناشی از این امر هنمون خواهد شد. فقط باید خواست و انرژی لازم برای انجام چنین وظایفی را درخسود سراغ گیریم.



کمونیست‌ها در دفاع از دستاوردهای با ارزش دوران بورژوازی آماده‌اند تا ما ما تریالیسم رزمنده علیه سوسیالیسم فئودالی، فرهنگ خرافاتی و مذهبی متحد شوند و از پایه‌های عقلانی، روشنگرانه و نقادانه فرهنگ بورژوازی در پایه‌ریزی و ارتقاء عمومی سطح فرهنگ کشور ما با اکثریت جمعیت بسوادش استفاده نمایند. بنا بر این، تشکیلات ما باید همراه با کلیه مارکسیست‌ها و پیشروترین عناصر فرهنگ بورژوازی دمکرات، جبهه فکری گسترده‌ای را سازمان دهد.

دوم، آنکه با بد تغییر موضع و تفاوت روحیه مارکسیست‌های لگال ("قانونی") در پیروزی قبل از انقلاب و امروز یعنی پس از انقلاب بهمن را کاملاً در نظر گرفت. رواج وسیع گرایش‌های ضد کمونیستی و سوسیال دموکراتیک در بسیاری از محافل آکادمیک، نه تنها مبین تقویت و تصریح گرایش‌های لیبرالی و بعضاً مشروطه طلبانه روشنفکران بورژوازی، ضدیت آنان با انقلاب و دفاع آشکار آنان از نظام سرمایه‌داری است، بلکه همچنین به معنای شرکت فعال آنان در تخدیر معنوی روشنفکران انقلابی و متمایل به کمونیسم می‌باشد. آخر، شعار این جماعت چنین است: "ما فقط حاضر به تحمل و همگامی با مارکسیست‌هایی هستیم که معتقد باشند، ما رکیسم دچار بحران است!"

نخستین بار است که در کشور ما، روشنفکران سوسیال دموکرات به یک جریان و "قطب فکری" مبدل می‌شوند و متأسفانه پس از سال‌های ۲۲ تا ۲۳ (که هنوز حزب توده به ارگان در پیوستگی سیاسی مبدل نشده بود و خطت ترقیخواهانه و پیشرو از خود نشان می‌داد و سکا ندر فرهنگ مترقی محسوب می‌شد) و تلاش‌های مثبت و ارزشمند روشنفکران رزمنده و مارکسیست دهه‌های چهل و پنجاه، تیر و هشتاد کمونیست نتوانستند یک جبهه وسیع فرهنگی در مقابل نفوذ گرایش‌های سوسیال دموکرات و ارتجاع اسلامی بوجود آورند. ایجاد چنین جبهه وسیعی، امروزه، یعنی در شرایطی که جامعه ما یک دوران تاریخی و تجدیدنظر ارزشی و فکری، و تعمق در بنیادهای مارکسیسم را از سر می‌گذراند، بالاخص خا شوا هیت است. ادبیات مخفی و زیرزمینی بهیچوجه تکافوی چنین نیاز وسیع و گسترده‌ای را نمی‌کند و بدین لحاظ نیز تلاش ما برای جلب و ایجاد در آن دسته محافل فرهنگی، هنری و آکادمیک که به کمونیسم متمایل باشند و یابدون ابراز خصومت با کمونیسم به ترویج دستاوردهای با ارزش فرهنگ بورژوازی مبادرت نمایند، مطلقاً ضروری است.

سوم، آنکه یکی از حوزه‌های اصلی تلفیق کار علمی و مخفی، انتشارات است و تماس با محافل مذکور، می‌تواند به مساعدت‌های جدی در این حوزه منجر شود. نیاید از انتشار مخفی ادبیات انقلابی فضیلت ساخت؛ مخفی بودن ادبیات ما به معنای تنگ کردن فوق‌العاده شدید اثره نفوذ و تماس ما با روشنفکران انقلابی و کارگران پیشرو است. تلاش ما باید پدیدارین باشد که با استفاد از ظرفیت‌های انتشاراتی و در خدمت گرفتن زبان "مستعار"، و حذف مطالبی که به اصل موضوع لطمه‌ای نمی‌زند، تمام ادبیات سازمانی خود را که قابلیت انتشار علنی دارند، بطور علنی منتشر نماییم. دافره ادبیات علنی صرفاً به استناد ادبیات سازمانی ما خلاصه نمی‌شود، تمام رمان‌های با ارزش، ترجمه‌های مناسب از تجارب انقلابی، ادبیات مارکسیستی در حوزه‌های گوناگون، انواع جنگ‌های علمی، فرهنگی، ادبی و آکادمیک باید در وهله اول با این دیدار سیاسی شوند که آیا می‌توان آنها را علناً منتشر نمود؟ در صورتی که چنین امکانی موجود باشد، نیاید از هیچ تلاشی برای تبدیل این امکان به واقعیت فروگذار نمود. اگر می‌خواهیم اهمیت انتشارات علنی را بیشتر در بابیم، خوبست تنها به این مطلب بسندیم که چگونه اثر مشهور لنین "امپریالیسم ستمانه بالاترین مرحله سرمایه‌داری" در زیر تیغ سانسور حکومت تزاری، علناً انتشار یافت و تا چه اندازه در شکل دادن به ذهنیت سوسیالیسم موثر افتاد. پس در این حوزه، بسیار می‌توان کرد، نگه نگرفته‌ایم!

چهارم، آنکه محافل مذکور عموماً با توقعهای آشنایی روشنفکران جوانان پرتو شهرستانها و شهرهای بزرگ هستند. در دهه‌های چهل و پنجاه، حول چنین محافل و انتشارات جنگ‌های ادبی، بسیاری از انقلابیون برجسته

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرگردگی امپریالیسم امریکا

در سراسر جهان ،

اول ماه مه [تعطیل رسمی کارگری با پرداخت حقوق] است .

کارگران ایران !

برای تحمیل تعطیل رسمی اول ماه مه با پرداخت حقوق
به رژیم ضدکارگری جمهوری اسلامی

مبارزه متحد خود را تشدید کنید !

فروردین ۶۶

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

درود سراسر ماه مه !

طبقه کارگر

مدافع بهیمن حق تعیین سرنوشت خلتها

تا سرحد جداشی و تشکیل دولت مستقل است و

ار مسار ره حلق بلوغ و کرد سرای خودمختاری پسنداسی می کند

بیرتوان ، برتوان نادهمسنگی طبقه کارگران انقلابی ایران با

خلق بیهرمان بلوغ و کرد !

فروردین ۶۶

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

اول ماه مه

تعطیل رسمی کارگری با پرداخت حقوق

فروردین ۶۶

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

پیروز باد اول ماه مه ،
روز همبستگی جهانی کارگران !
کارگران جهان ، متحد شوید !

فروردین ۶۶

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

کارگران !

تاکنون به پیش نویس قانون کار رژیم ضدکارگری جمهوری اسلامی به دلیل مقاومت یکپارچه شما ،
در زیرعبای ملایان مخفی شده است .
در صدویکمین سالگرد اول ماه مه ،
در مبارزه علیه چهارمن پیش نویس ارتجاعی قانون کار که با ردیکر ، سیکاری ، کرانی ، و فقدان حق تشکل
را برای شما رسمیت داده است ،
متحد شوید !

فروردین ۶۶

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

زنده باد اول ماه مه !


زنده باد همبستگی کارگران قهرمان کردستان

با طبقه کارگر انقلابی سراسر ایران !

فروردین ۶۶

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

دو تراکت زبرکه یکی سازتکنیر تراکت مرکزی سازمان در مورد قانون کار ،
و دیگری تراکت تریبک نوروز ۶۶ و انشای رژیم جمهوری اسلامی است که توسط
هواداران سازمان در تهران - هسته شهید حسن اردین - منتشر شده اند .



قانون کاری مترقی است که حقوق آن
کارفرما حق اختراع کارگران به هیچ وجه ندارد ، نوشته باشد ؛
مدافعان دستزد برای یک خانه نواده با ذخیره کردن تور و سایر یافته
تشکل ، ای مسئول کارگری تعیین گردد ؟
حق تشکل ، حق اعتصاب و حق بیان برای کارگران برصمیمت تشکله شود
مداکثر به سلامت کاربرد رهنه ؛ و هداش با دهنده مرضی ، برای در سال تعیین گردد ؟
حق بیمه بیگاری و حق بازنشستگی برای کلیه کارگران پذیرفته شود ؟
ایسای شورای عالی کار ؟ شورای عالی فن و وجد داشته کار و در نگاه حال اضافه با بار و مستقیم و همی —
کارگران تعیین گردد ؟
بد کار کارگران کودکان و ضامنکاری برای کلیه کارگران ممنوع گردد ؟
به کارگزاران زنان در کارهای سنگین و زیاده آور ممنوع شود و برضی و ایمن ما متوق برای زیاده برصمیمت تشکله
تعیین .
سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)



کارگران ، زهمتگشایان و مرد مریز !
سیمای نه تریب تریب ، سارا همراه با معتبر ترین ، زنیها و ملی های برده زندگی در سراسر آزادی و خودشنی و
نوا رسیدند به راه کلیه شعراء و دیگران ، و نوید زندگی از نرد در کینت با شده ، اما کارگران و زنده
برای به اشتغال اعمال نوپس در آنکه نظیر جنگ طلب و کارگرمین اسلام با اسرار و راه مختلف در
و برود حقن عرضه را بر ای زندگی کرده مانند نرجه و با همه را بر طبقه حقوق و تعیین افشای زنده
ان همگی با عامل و فاضل براندا زده ما و صد ها کارکنان از کارکنان و فزین کارکنان زهتگشایان را
بهترین در این راه مادی و معنوی کشورمان را در نگره گذاران جنگ ، ایها همی معوی ، زنده و به فاکستر
تبدیل ، ایها همی معوی ، جنگ دمتمزنگان کارگران با با اخذ زنده و به جنگ انضامی مجدد
و غیر...
با تشکر...
راه کارگر...
زنده باد اول ماه مه !
زنده باد همبستگی کارگران قهرمان کردستان
با طبقه کارگر انقلابی سراسر ایران !
فروردین ۶۶
سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

ایران یاسا

با تعویض سرپرست یکی از قسمتها و پیشبرد برنامها افزایش تولید اجباری و تشدید فشارها بر کارکنان این بخش از کارخانه در تاریخ ۶۵/۱۱/۱۹، دست به یک اعتصاب کوتاه مدت زدند. سرپرست و کمک سرپرست هرچه تلاش کردند، حتی از طریق تهدید به اخراج نتوانستند کارکنان را به سرکارها برگردانند و کارکنان یکپارچه روی خواسته خود مبنی بر تولید با برنامها معین و میزان معین با فشاری کردند. سرانجام سرپرست شیفت عقب نشینی کرد و کارکنان خواسته های خود را بدین گونه مطرح نمودند (۱۰). برنامها تولید با عدم معین باشد، (۲) تعداد کارکنان نسبت به میزان تولید کم است (۳) به مشکلات کارکنان رسیدگی نمی شود. رئیس شیفت نیز قبول داد که به سالها رسیدگی شود. کارکنان توانستند به میزان ۲۵۰ عدد از تولیدات قسمت را کاهش دهند و از اینکه یکپارچه در مقابل تعرضات رئیس قسمت ایستادند، خیلی خوشحال بودند. کارکنان پس از رفتن رئیس شیفت، دورهم جمع شدند و حرکت مبارزاتی خود را جمع بندی کردند و با هم قرار گذاشتند تا روز شنبه همه یک صحبت را در مقابل مدیر ریاض شیفت مطرح نمایند. مثلاً کارکنان در مقابل کارگری کسسه می گفتند "ما کارگر کم داریم، چرا وقتی بسیجی ها را به جبهه می فرستند، در عوض کارگری بجایش نمی آورند؟" پاسخ دادند که اگر چه همه نسبت به این مساله معترض هستیم، اما در شرایط فعلی اگر بخوایم چنین مساله ای را مطرح کنیم، آنها با برجسب زدن به ما که اینها با جنگ مخالف هستند، از این بهانه استفاده خواهند کرد تا به ما حمله و روشوند، در چنین شرایطی ما نمی توانیم مشکلات خود را مطرح نمائیم.

گروه صنعتی ملی

جنرال استیل

مبارزه برای حق بهره وری

یکسال از عدم پرداخت حق بهره وری در کارخانه گذشت. پیش از این هر سه ماه یکبار حق بهره وری پرداخت می گردید. بهمین دلیل اعتراضات و خشم کارکنان بتدریج متراکم تر گردید تا اینکه کارکنان ابتدا یکی از اعضای انجمن اسلامی را برای طرح این مساله نزدیکی از اعضای هیئت مدیره کارخانه فرستادند. وی نیز اعلام کرد که حق بهره وری در دست بررسی است و پرداخت خواهد شد. سرانجام کارکنان در ۶۵/۱۲/۱۹ در سالن غذاخوری هنگام صرف غذا شروع به زدن قاشق ها بر روی میز و ظروف غذا نمودند. در جریان این حرکت اعتراضی تنها بخشی از کارکنان شرکت کردند و بخش عمده کارکنان در بخش تولید یخچال، به علت ساعت کار متفاو و نشان امکان شرکت در این حرکت را نداشتند. فردای آنروز، درودیوارهای دستشویی کارخانه برایشان راهی داخل بر پرداخت حق تولید و دعوت از کارکنان برای ادا مساله حرکت تحت عنوان "سالن غذاخوری، حق تولید فرا موش شود" گردید. کارکنان در روز یکبار دیگر چنین صرف غذا اقدام به قاشق زدن نمودند. این دو حرکت پیاپی تا شیری نظیری بر روحیات کارکنان گذاشت. روز سوم نیز کارکنان این حرکت را تکرار کردند که با برگزاری مراسم ختم یکی از کشته شدگان در جبهه مقارن گردید. مدیریت کارخانه نیز در این روز به کمک عناصر خود فروخته و اعضای انجمن اسلامی، اقدام به اخراج ۲ تن از کارکنان نمود. این اقدام ضد کارگری مدیریت، به علت فقدان شکل کارکنان، با واکنشی مواجه نگردید و وضع کارخانه بشدت تحت کنترل مدیریت و انجمن اسلامی قرار گرفت. بطوریکه روز ۲۴ اسفند در هر دو طرف از میزهای سالن غذاخوری یکی از جیره خواران انجمن اسلامی به نظارت گمارده شده بود. علاوه بر این شایعاتی مبنی بر اخراج عده دیگری از کارکنان سرعت گسترش یافت. در دستشویی کارخانه شعاری جدیدی علیه جاسوسی انجمن اسلامی نوشته شد. هنوز اقدام جدیدی برای دستیابی به حق بهره وری صورت نگرفته است.

★ در یکی از قسمتهای این شرکت، از طرف صندوق قرض الحسنه سن اعضای که بیش از سه هزار تومان موجودی را از شش ماه قبل و تا سه ماه بعد از قرعه کشی در صندوق داشتند، یکسری مرعه کشی صورت گرفت که به تعداد محدودی از کارکنان ضبط صوت، گفتگوشناسی و وسایل دیگر که بیست و پنج تومان ارزش نداشت تعلق گرفت. این مساله باعث اعتراض کارکنان شرکت کنسول در قرعه کشی گردید و از گرفتن تعدادی دفترچه بل بگی خودداری کردند. با توجه به اینکه طبق اساسنامه صندوق قرض الحسنه، مسئولین صندوق می توانند از سرما به صندوق برای برنامها های انتفاعی استفاده نمایند، کارکنان معتقدند که این مقدار اجناس قرعه کشی شده، سودی است که از برنامها های انتفاعی صندوق، به حیب انجمن اسلامی رفته است.

★ در یکی از قسمتهای این کارخانه، تعدادی از کارکنان در اعتراض به فقدان مواد پاک کننده در دستشویی به کارگزیی مراجعه نمودند. رئیس کارگزیی از آنها پوزش خواست و تقصیر را به گردن مسئول دستشویی ها انداخت. اما پس از چند روز، با زهم این مساله تکرار شد. این بار رئیس کارگزیی مطرح نمود که میزان مواد پاک کننده ای که به کارخانه می دهند محدود است و ما نیز روزی یکبار ظرفها را پر می کنیم. کارکنان نیز معترضانه گفتند که پس تکلیف ما چیست؟ آیا سزاوار است که با این دستهای آلوده غذا بخوریم.

بلندگو خوانده شده که خود را به دفتر مدیرعامل معرفی نمایند. در میان این ۶ نفر، یک بسیجی سز وجود داشت که در هر کردن نیز فعال بود و سایر کارکنان را مرتباً به اعتراض دعوت می کرد. در این میان اکثر کارکنان بسیجی و انجمنی که موافق اعتراض بودند، با هو کردن مخالف بودند. مدیریت بیت پس از صحبت با این ۶ نفر، از آنها خواست که به سرکار خود برگردند. کارکنان نیز موقتاً عقب نشینی کرده و مبارزه خود را بصورت کم کاری و افزایش ضایعات ادامه دادند. کارکنانی که خسته می شوند، روی میز و زمین می نشینند و مسئولین نیز مرتباً به آنها تذکر می دهند.

در این کارخانه از اوایل خربسم ماه در بیسن کارکنان زمزمه های مبنی بر اینکه قرار است امسال به هر کارگری که تلویزیون رنگی داده شود دهان بدهان گشت تا اینکه در اوایل اسفند ماه اعلام شد که قیمت تلویزیون به ۲۷ هزار تومان رسیده است، یعنی ده هزار تومان از طرف کارخانه گرانتر شده است. بدینال بخش این خبر، تمام امید و نقشه های کارکنان نقش بر آب گردید. (کارکنان معمولاً این تلویزیونها را می فروشند تا حداقل سود آن بخشی از مشکلاتشان را حل نمایند). همه کارکنان از شنیدن این خبر ناراحت شدند. تعدادی از کارکنان زن که هفتاد و نه نفر بودند، در ساعت نماز جلومشول شورای اسلامی را گرفتند و در این مورد از وی سؤال نمودند. مشول شورای اسلامی ضمن تأکید این مساله گفت که در اوایل بهمن ماه گرانتر شدن تلویزیون رنگی تصویب شده و این مساله شامل یخچال فریزر، جارو برقی و پیکان نیز می گردد. وی علت این گرانی را تهیه مواد اولیه توسط ارز آزاد کرد نمود. وی اضافه کرد که این تصمیم دولت است، شما چرا ناراحت می شوید، از حیب شما که کسر نمی شود. کارکنانی که تجمع کرده بودند تا ناراحتی می گفتند که مگر از حیب چه کسی کسر خواهد شد. امروز دولت این جنس را گران می کند و فردا قیمت همه چیزهای دیگر هم بالا خواهد رفت. با این حقوق کم که نمی شود زندگی کرد. مثلاً ما میوه هفتاد تومان شده است. فردا اینهم گرانتر خواهد شد. کارخانه هم بالا خواهد رفت... مشول شورای اسلامی گفت این موضوع ربطی به ما ندارد. این تصمیم دولت است. پس از این صحبت کارکنان ضمن اعتراض در مورد کاهش پول ناها، در مورد حق بهره وری که امسال ۱۵۰۰ تومان کمتر از سال قبل می باشد سؤال کردند. یکی از کارکنان گفت وقتی می گوئیم حق بهره وری چرا کاهش یافته، می گوئید تلویزیون خواهیم داد، اینهم از تلویزیون، هر بار یک چیز می گوئید.

کفش شاهد

در تاریخ ۶۵/۱۱/۲۵ وقتی کارکنان وارد شرکت شدند، متوجه شدند که تمام جپا ریا به هارا جمع آوری نموده اند. کارکنان نسبت به این عمل ضد کارگری شدیداً عکس العمل نشان دادند و تعداد زیادی از کارکنان بصورت فردی و یا دسته جمعی به کارگزیی، مسئولین و مدیریت رجوع نمودند و علت این مساله را جویا شدند. کارکنان نیکه دچار کمردرد، بیاد رویا ناراحتی های دیگر هستند و هنگام کار نمی توانند مدت طولانی سرپا بایستند، از این جپا ریا به هارا برای نشستن استفاده می کردند. مدیریت مطرح کرد که هر کسی که مریض است، باید از پزشک نامه بیاورد. بهر حال اعتراضات پراکنده ادامه یافت و این اعتراضات در تاریخ ۶۵/۱۱/۲۶ گسترده تر گردید. کارکنان خسته از کار سرپا بی به تنگ آمده و دسته جمعی شروع به هو کردن نمودند و بدینوسله اعتراضات را برای بدست آوردن حق نشستن بیان کردند. این کار چندین بار ادامه یافت که هر بار وسیعتر می گشت. در این فاصله سرپرستان و جاسوسان شروع به فعالیت نمودند و اسامی چند تن از کارکنان را به مدیریت دادند. در همین روز اسامی عنفر از طریق

اخبار جنگ

پس از اعلام قطع مبادیان شهرها، مردم به آرامش نسبی دست یافته اند، اما هنوز تشویش و دل نگرانی هایشان از یکسو و غم و اندوه خرابیها و کشتار و رفیع و غیر انسانی کودکان، زنان و مردان زحمتکش و بی پناه از سوی دیگر شدیدا آزارشان می دهد. بمبارانها علاوه بر اثرات مخرب و ویرانگر آن، اثرات دگرگون کننده ای نیز بر مسابقات کارگران و زحمتکشان داشته است. سیر طبیعی زندگی و مبارزاتی مردم در چنین مواقعی در هم می ریزد و تشکلهای طبیعی و پیاپی در توده های تحت الشعاع از هم گسیختگی ها و درهم پیوستگی های متحرک قرار می گیرد. حرکتهای آنی و شتابزده و پاکبازی شکلهای غریزی و خودحوش، شاخص چنین مواقعی است. همین لحاظ هم امکان انفجارات توده ای منطقه ای در چنین مواقعی مبرراتب بیشتری می شود. در تهران، این مساله با توجه به کوتاه بودن مدت بمباران، کمتر نمود عینی پیدا کرد. عده قلیلی از همان شروع بمباران، خاصه وزشگی خود را به قصد شهرها و بخشهای دور و نزدیک امن، ترک کردند. عده ای از مردم در اطلسراف حاده ها چادر زدند و برخی نیز بطور متناوب در طول روزی شب، از تهران خارج و یا به آن وارد می شدند. اما با ادامه بمبارانها، بویژه با اعلام تعطیلی مدارس از سوی رژیم، مردم هر چه بیشتر به تکیا و افتادند. بخصوص اینک شایعات موشک

ما را ن تهران روز بروز وحشت مردم می افزاید. این نا اترس مردم بمبارات بیش از دوره های قبل بود. رژیم تبلیغات گسترده ای را برای باصطلاح مقاومت و پناهاگه سازی شروع نمود، اما با خنده و تمسخر مردم مواجه شد. اقدامات رژیم برای پیشگیری از هجوم مردم به محلات بمباران شده و تبدیل شدن آن به تظاهرات ضد جنگ و ضد رژیم خلی شدید بود و در این رابطه تحریکات جدی علیه خود را در سرکوب مردم گارمی بست. اولاً مناطق بمباران شده را اعلام نمی کرد و حتی در مواردی بمبارانها را نامشکسته شدن دیوار صوتی اعلام می نمود. بنا بر این بلافاصله پس از بمباران، مردم معمولاً در محدوده همان مناطق، از محفل اصلی اصابت بمب یا راکت مطلع می شدند و بعد بتدریج کسانیکه به تلفن دسترسی داشتند، دوستان و آشنایان خود را در جریان قرار می دادند و به این وسیله اخبار ریخت می شد. تا نیا رژیم همواره سعی می کرد قبل از تجمع مردم، محل راه محاصره در آورده و شروع به پراکنده نمودن آنسان نماید. علاوه بر این، بلافاصله مزدوران او را و از پیش آماده خود را به میدان می آورد تا شعار "جنگ جنگ..." را سر دهند. در تهران در حرسان بمباران نیروگاه برق آلستوم، چندین خانه ویران گردید و تعدادی هم دچار حریق شدند و ساکنین آنها در شعله های آتش سوختند. در آن شب، مردم محل ناختم و هجان و با استفاده از تاریکی، شعار مرگ سرخپینی سر دادند.

ساختن پناهاگه برای روز مبادا

تسلیمات رژیم برای ساختن پناهاگه همچنان ادامه دارد. بدنسال این برنامه و برای گسترده تر کردن نمایشات تسلیماتی به نفع جنگ، چند مورد پناهاگه سازی در مدارس و محله های تهران صورت گرفته است. اما در مقابل این اقدامات رژیم، مردم نیز عکس العمل نشان داده اند. "ما برای زندگی حانداریم، پناهاگه را کجا سازیم؟"، دولت برای خانه سازی مصالح نمی دهد، برای پناهاگه سازی می دهد، "زیسر پله خانه ما پناهاگه است، حرایبیم مکاناتی نداریم" و "دولت گفته برای پناهاگه سازی، شهردار پناهاگه ها می دهدند، اینهم دکان حدیسی برای شهردار پناهاگه ها از این طریق هم حیات یک عده ای پر شود". عده ای هم عقیده دارند که رژیم با این بهانه برای مقابله با تهاجم مردم در آینده نزدیک تدارک می بیند. مردم اعتقاد دارند که خصوصی پس از مرگ خمینی جنگ داخلی شروع خواهد شد و همین جهت در بعضی از خیابانها و چهارراهها و معابر عمومی، بخصوص در مقابل دانشگاه و همچنین در پشت بام و یا در مقابل ارگانها و نهادهای دیگر، رژیم اقدام به سنگر بندی و برخی تدابیر امنیتی نموده است.

تهران - ۶۵/۱۱/۲۳

☆ ساعت حدود ۸ شب بود که ناگهان صدای مهبیبی بگوش رسید و سرف قطع شد. صد آنچنان مهبیب و وحشتناک بود که همه را برای چند لحظه بر سر جای خود میخکوب کرد. نقاطی که بمباران شده بود شامل دانشگاه شریعی (آریا مهران سابق)، مسه نقطه از خانه های مسکونی داخل زنجان، فلکه اول آریا شهر که به شعاع صد متر تخریب و شعاع ۵۰ متر غیر قابل سکونت گردیده، ستارخان برق آلستوم، چهار نقطه از مناطق مسکونی یکی از محلات که به شعاع ۲۵۰ متر غیر قابل سکونت گردیده و حدود هزار خانه درهم کوبیده شده و حدود ۵۰ دستگاه اتومبیل ویران گردیده، سلطنت آباد، شعیران و جمال آباد، گیشا که تعسادی کشته و زخمی بجا گذاشته است. تلفات برق آلستوم و فلکه اول آریا شهرو زنجان و آزادی از همه جا بیشتر می باشد. همه جا مردم ضمن تلاش برای خاموش نمودن حریق ایجاد شده و کمک به زخمی ها و بیرون کشیدن از زیر آوار، بر علیه جنگ صحبت می کردند.

☆ در پی بمبارانهای اخیر تهران، از طرف رژیم طوماری به مدارس و دبیرستانها داده شد که در آن پیرامون حمایت از رژیم و جنگ مطالبی نوشته شده بود که به امضای دانش آموزان برسد و از آن استفاده تبلیغاتی صورت بگیرد. برای اینکار، دانش آموزان را کلاس به کلاس به دفتر مدرسه، نزد مدیر و دبیر پرورشی برده و از آنها امضاء می خواستند و در مقابل این سؤال دانش آموزان که آیا امضاء اجباری است، پاسخ می دادند: نه!!

قلعه حسن خان

اواخر بهمن ماه رژیم علاوه بر دهکده های گدائی که بر سر هر کوی و بویزن برای جمع آوری کمک به جبهه ها برپا کرده بود، با بوق و کرا در کویچه های این شهرک برافراشته بود و از مردم ساکنین در خانه هایشان تقاضای کمک به جبهه ها می نمود و کمکها را نیز تعیین می کرد که شامل قند و شکر و برنج و روغن بود. اینکار بویژه بدلیل آنکه یکماه از عدم اعلام کویپن های اقلام مذکور گذشته و در باره آزادی نیز بیافت نمی شد، مردم را شیدا و خشمگین می نمود. در مدارس نیز زادانش آموزان خواسته شده بود که هر کدام با یکمکی به جبهه ها بنمایند. این کمک اجباری و برای همه بود. مدیر یکی از مدارس گفته بود که هدف ما از این کمک جنبه مادی آن نیست، بلکه می خواهیم پشتیبانی دانش آموزان از جنگ را نشان دهیم. بهمین دلیل اگر چیزی برای کمک نداشت، حداقل یک کونی بیا و برید که برای خیلی ارزش دارد.

☆ روز بیستم بهمن ماه به مناسبت تولد حضرت فاطمه و روز زن، بسیج این شهرک یک راهپیمائی تدارک دیده بود. از یکروز قبیل توسط بلندگوار زنان مسلمان و متعهد دعوت شده بودند که راس ساعت ۹ صبح در محل بسیج راهپیمائی جمع شوند. روز راهپیمائی حدود ۳۰ نفر در محل حاضر شدند و تا ساعت ۱۰/۳۰ این تعداد به حدود ۱۳۰ نفر رسید. آنها را در حیاط بسیج جمع نمودند و ضمن سخنرانی، طرز شعار دادن و حرکت کردن را به آنها یاد دادند. مردمی که در پیاده روی شاد این نمایش مضحک بودند، آنرا مورد تمسخر قرار می دادند. عده ای از زنان نیز به این برنامه معترض بودند. شعارها در مورد زنان و نقش آنها در جنگ بود. علیه بدحجابی نیز شعار داده می شد و شعار جنگ جنگ تا پیروزی نیز سر داده می شد. علیرغم آنکه ۴۰ نفر از زنان مسلح به تفنگ پرتو بودند، محافظت از راهپیمائی بعد از یک ساعت از پاسداران که فاقد انگشت بود و دو پیر مرد بسیجی واگذار شده بود.

توانسته بود برای خودش خانه ای بسازد. هنگام تشییع جنازه همسروی با صدای بلند شروع به شعار دادن علیه جنگ و رژیم نمود که زنان حزب - اللهی طو دهانش را گرفته و او را از صف خارج کردند. مادری دیگر از سوجوانان کشته شده نیز در مراسم دیگری به مخالفت با جنگ و رژیم به شعار دادن پرداخت.

☆ این شهرک نیز مانند سایر مناطق ایران، در جریان عملیات کربلای ۵، شاهد کشته شدن جوانان و کارگران خود در جبهه ها بود. بطوریکه در عرض دو هفته اول این عملیات، حدود ۱۸ کشته به این شهرک آورده شد. در میان این کشته شدگان، نوجوانان ۱۳ ساله و کارگرانی که دارای یک تا پنج فرزند می باشند، وجود دارد. یکی از این کارگران که بسیجی بود دارای ۴ فرزند بود و ستاژگی

حکومت اسلامی، سنن ملی

وکارمندان

در ادا به لاسکر کشیهای هرساله رژیم فقها علیه مراسم عبدیستانی نوروز، و در اجرائی پیگیرانه "سیاست نوین اقتصادی" (یعنی طرح نظامی کردن کامل اقتصاد و فلاکت اقتصادی زحمتکشان) ، امسال کاسینه "مستضعف پناه" موسوی مفروض داشت که: "بحای توزیع سکه گسسه برخی اثرات نورمزای آن متوجه اقشار مستضعف جامعه می گردد، بن های فوق العاده ای که نیارهای اساسی کارکنان دولت را مستقیماً تامین می نماید، در اختیار آنها قرار داده شود". (کیهان، ۲۹ بهمن ماه ۶۵) رفتن حسانی، ابن صحنه گردان معازلات رژیم فقها "شیطان بزرگ آمریکا، سزنا کید سمودتا در مراسم سال نو، جنبشک تحت الشعاع قرار نگیرد. حساب نمایند مجله ن سواری اسلامی، حبیبی شاهرودی، نیزبستگ تمام گذاشت و چنین بیستنها دکرده که: "چه ضرورتی دارد که احرام مراسم عبدی زقیل برداخت عیدی در امام عیدکه یادآور شده خاطرهاها و عیاشی آنسان است، برداخت وانجام گردد. آیا بهترینیت این مراسم در ایام دهه فجر که ۲۲ بهمن می توانسد خاطره پرشکوه انقلاب اسلامی را تجدیدکنند، انجام گردد". (کیهان، ۱۲ اسفندماه ۶۵). حقیقت آن است که مراسم سزنگداشت عبدیستانی نوروز، هم بلحاظ فرهنگی و هم بلحاظ اقتصادی، سارژیم فقها و سیاستهای مناسبتت دارد. حکومت مذهبی، هرگونه سنن و مراسم ملی مردم را علیه موجودیت اسلامی خودمی بیندازد و بدین لحاظ نیز تاکنون بارها سعی کرده است، مراسم چهارشنبه سوری را به عنوان "آتش پرستی" قدغن نماید و با موضوعیت دیگری برای مراسم عبدیستانی این عبدیستانی ملی مردم ایران را به "مذهبی" تبدیل نماید. علاوه بر این در وقت عبدی سالبانه مزدبگیران که جزئی از دستمزد و حقوق آنان محسوب می شود (زیرا دستمزد در هر کشوری تا حدود زیادی از عوامل سنی و تاریخی در تعیین مخارج زندگی حقوق بکبران متنازست)، با سیاستهای نظامی گرابانه و ریاضت طلبانه رژیم فقها مبیانت دارد. زیسر ا نفس برداخت عیدی مساوی است با، اولابرمیست ساختن تعطیلات عبدیستانی به یک سنت ملی، و ثانیاً، صرف مبالغی که می تواندمصرف مخارج نهادهای اسلامی و جنگ شود، از اشروامسال کارمندان یعنی حقوق بکبران ثابتی که با افزایش سراسر آورتوروم هر روز قدرت خریدشان تنزل می یابد و به افلاس کشیده می شوند، از دریافت سکه محروم شده اند، چرا که "تورم افزایش می یابد". اما چه جبری به جز تورم، جنگ ارتجاعی مسئول شتاب دائمی تورم است؟ میندازه قول رفتن سنی، جنگ یعنی تورم با در مراسم سال نور تحت الشعاع قرار دهد! پس برای آزادی سهار در کشور مسا، ضرورت سارژیم حمیواری اسلامی سرنگون گردد، دین و دولت از یکدیگر محزاسوند و جنگ ارتجاعی ایران و عراق حاشه یابد.

گزارشی از کارخانه علاءالدین

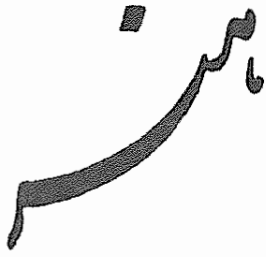
سج کارخانه: نامال ۶۴ دارای ۱۵ نفر عضو بود، ولی با عوض شدن سرپرست سج، و برگزاری سخنرانی و تبلیغات فراوان گرایش به عضویت در سج بیشتر شد. علت این مساله آن بود که سج کارگران وعده داده می شد که اگر عضو سج شوند به آنها باه حقوقی، تسهیلات زیاد و غیره خواهند داد. مسئول پذیرش با نگاه مقداده کارگران گفته بود که ما آرزو داریم که نک تک کارگران ما دارای پرونده سنجی باشند، به اینکه حتماً یکبار با به دیدن باه حبه بروید، در یکی از ما نور- های رژیم در سال ۶۴، با هماهنگی سج و انجمن اسلامی کارخانه، برای ۸۵ نفر از کارگران دعوتنامه ارسال گردید که برخی از کارگران به آن پاسخ مثبت دادند. پس از یک هفته، برای همان کارگران پرونده سنجی تشکیل دادند. کارگران از ترس اینکه ما را اخراج شوند، سراسر امام سنجی شدن را پذیرفتند و به اس ترتیب هم اکنون سج کارخانه دارای ۱۲ عضو می باشد و ولی از تسهیلات و با به حقوقی هیچ خری نیست و فقط برای تسهیلات بیشتر، با تفاضی چند نفر از اعضای جدید سج، مسج های آنها را عوض کردند. سج کارخانه هر روز صبح برای مراسم صبحگاه می باشد که مدت نیم ساعت دعا، قرآن، مناجات و ورزش انجام می گرد و هفته ای دو روز سزنگلاس ایدئولوژی عقیدتی و نظامی به مدت یک ساعت برگزار می گردد. در این کلاسها هم چنین نحوه ساسوسی و کنترل کارگران آموزش داده می شود. شورای اسلامی: این شورادر اول سال ۶۵ تشکیل شد. در جریان شکل گیری آن، مثل همه کارخانه، ابتدا هیئت تشخیص صلاحیت تشکیل شد که سابعده وزارت کار برای اینکار با کارگران صحبت کرد و گفت یک نفر از شما را که همه او را می شناسید و قبولش دارند و دوستش دارید، معرفی می کنیم و هر کس موافق است، دستش را بلند کند. تعداد معدودی دست خود را بلند کردند و نماینده وزارت کار نیز بلافاصله گفت اکثریت موافق هستند، تکمیر! و این در حالی بود که نصف کارگران نبرون از مسجد ایستاده بودند. پس از این انتخابات فرمایشی، به کارگران یک هفته مهلت دادند که کاندید شوند. البته از قبل اعلام کردند که کسانی که در نماز جماعت شرکت نمی کنند، بهتر است کاندید نشوند. ۱۲ نفر کاندید شدند که می سار بست از بین آنها ه نفر انتخاب می شدند. ۲ نفر از این کاندیدها عضو سج یا انجمن نبودند که اول از آنها خواستند که عضو سج یا انجمن شوند، ولی بعلت امتناع، آنها را در امتحان ایدئولوژی مردود کردند. سنا را بن ده نفر کاندید باقی ماندند. روزی گیری نماینده وزارت کار آمد و اعلام کرد که کسانی که رای می دهند با ساربت ساربت زدن را همراه داشته باشند تا کارت آنها مهر بخورد. و به این ترتیب انتخابات فرمایشی پایان رسید و ده نفر سوس بعنوان اعضای شورای اسلامی انتخاب شدند. تاکنون هیچ موردی پیش نیامده است که کارگران برای طرح خواسته ها شان به اس شورا مراجعه نمایند.

اس کارخانه حدود ۲۶ سال از تاسیس آن می گذرد و در حاده محصوص کرج، ۸۸ مترمتر واقع است. تولیدات آن بخاری و سماوری باشد و در مجموع ۷۰۰ کارگر و کارمند در آن شاغل می باشند. مواد اولیه آن عمدتاً از خارج و غالباً از کشورهای ژاپن، انگلستان و سنگاپور وارد می شود. تولیدات آن تا اوایل سال ۶۵، روزانه ۲۲۵۰ عدد بخاری بود و کارگران آن در دو شیفت کار می کردند. اما سابعده ساربت جنگ طلبانه رژیم و تشدید بحران اقتصادی و در نتیجه کاهش و کمبود مواد اولیه، شیفت دوم اس کارخانه حذف گردید و حدود ۷۰۰ کارگر از کارگران با خرید شدند و ساربت تولیدات کارخانه، روزانه ۷۰۰ عدد کاهش یافت و علاوه بر این، کیفیت تولید نیز بعلت فقدان مواد شمائی که از خارج وارد می شد، شدت سقوط کرد.

طرح طبقه بندی مشاغل در نتیجه مبارزات پیگیر کارگران شیفت دوم در سال ۶۴ بمورد اجرا گذارده شد. مدیریت این کارخانه در دست سنا د شیدمی باشد. پس از اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، ناهار در این کارخانه قطع و بحای آن مبلغ ۲۵ تومان به کارگران پرداخت گردید. در نتیجه اعتراضات کارگران، در نیمه سال ۶۵ مبلغ ۵ تومان به حق ناهار کارگران افزوده گشت. مساله تعدیه یکی از کانونهای بارضایتی کارگران می باشد.

انجمن اسلامی: انجمن اسلامی کارخانه دارای ۱۲ نفر عضو می باشد که اکثر آنها را کارگران مس تشکیل میدهند. رئیس انجمن اسلامی هم اکنون فام مقام مدیریت و باسقول معروف نورچشم کارخانه است. وی قبلاً در رژیم گذشته مدیرعامل تعاونی مصرف کارخانه بود که از طرف مدیریت انتخاب شده بود که نزد شاه سرود. در آنجا دست شاه را سوسده بود و به این سوسه نیز همیشه افتخار می کرد. وی در سال ۶۳ مبلغ ۸۶ هزار تومان از موجودی تعاونی مصرف را که متعلق به کارگران بود، دزدی نمود و به همین دلیل او را از این سمت برکنار کردند و ولی هنوز هیچگونه اقدامی جهت روشن شدن ققیه دزدی وی صورت نگرفت است. یکی دیگر از اعضای انجمن که در انتخابات شورای اسلامی کارخانه عضویت شخصی ملاحیت شده بود، از جاسوسان درجه یک کارخانه می باشد. یکی دیگر از اعضای انجمن بعلت فساد اخلاقی و افشای آن استعفا داد و با رسوائی تمام از کارخانه بیرون رفت. ساسوسی اعضای انجمن سرعلیه کارگران برای سشترکارگران آشکار می باشد و کارگران این کانون دزدی و ساسوسی و فساد را به تمسخر می گیرند. یکی از کارهای دیگر انجمن اسلامی، تشویق کارگران به برگزاری جماعت می باشد. هفته ای یکبار نیز کلاس قرآن برگزار می گردد که تعداد معدودی که حاضر است سابعدهای محلف می باشند، در آن شرکت می نمایند. یکی از اقدامات انجمن اسلامی که سابعدهای مدیریت صورت گرفت این بود که دستور داد کارگران دبیلعه نیاید با کارگران زیاد صحبت کنند و با آنها رفیق شوند. سراسر اساس حتی قرار شده است که دبیلعه ها را به قسمت اداری منتقل نمایند.

در معرفی "کلیدر"



با مسئول جرسین فرسود به ساست دهقان نویسی و روش کار حزب نوده در روستاها ابراد می نماید و همچنین ملاحظاتی که درباره طبیعت دهقانان به عنوان سهم بریا کارگر به عنوان مزدبگیر توسط نادعلی و سایرین عنوان می گردد.

معمداً، نقیبه اصلی کلیدر که خود را در پرداخت شخصیتها و سبک نگارش اثرنویسی می نماید، همانا ضعف نویسنده در دنبال کردن دقیق مسائل سیاسی دوره مذکور است. این امر به ویژه در تریب رابطة ستاربا جنس عشق‌رهای - دهقانی، ترسیم شخصیت و سرنوشت ستاربا پیر جزئی‌ها منعکس گردیده، به نحوی که آدمی ناسد آخر منطبق با نقشاتی ها و حرف حساب ستاربا در نمی آید. در واقع، سرنویسنده ضمن آنکه خواننده را به ساس از ستاربا رسمی انگیزد، اما رای به محکومیت منطقی و محاب شدگی شخصی سار در فعال اسدلالات خانثانه رهبران جزئی می دهد و در اقدام ستاربا شورشوریدگی، عرفان و صوفی منسی را به ساس می گذارد. گوئی که رفتار نغلاسیون ننیا از دفاع اخلاقی و رمانتیک دارد، هرچند که خردبا عافیت طلبان است. پس آن‌ها از سربیده ستاربا اشتباهی داسا دستگیر خواننده می شود، سقاقت شورانگیز و اخلاقی وی است. اما سراسنی مغزی که برای فریب‌دگار کند و قلسی که برای ستاربا بردارد، کدام گره را خواهد گسود؟ حتی وقتی که نویسنده در خانه داستان، جان محمد، اس عماره کبسه و هوشاری را زنده نگاه می دارد تا سرنخی زمازعات خونین آتی را به دست دهد، آدمی نمی داند که آیا باید منتظر تکرار اذره سته حماقت‌های شورانگیز تازه ای ساد و پاجدانش را در خلوتگاه فراموش شده ای بگذارد و همواره خواننده بماند، نه شریک حادثه!

بدن لحاظ نمی توان کلیدر را یک اثر کلاسیک رنالیستی و به ویژه رنالیسم انتقادی نامید. رسرا اگر چه سبک نگارش اسن اثر در قالب کلی خود رنالیستی است، اما هنوز دل در گرو رمانتیسیم احساسی دارد و با آن هم‌کاسه می سود.

مکتبه دیکری را که در اسن معرفی گذرا باسد با دآورسد، خانگاه زنان در مان کلیدر است. اگر ستوان فرا موشکا ری عا مدانه نویسنده را پرامون نفس ارتحا می آخویدا در روستا، در اسن دوران سلط "آسات عظام"، درک نمود، اما نمی توان به سهم بدن نویسنده در بیداشد اوربهای صاحب‌جامعه مادر باره زنان بی اعتنا مانسد. نویسنده ای که بلفس، اسن زن همسه حاودان ادبیات معاصر اسن، رای می پردازد؛ هنگامی که بویست به مارال اسن وعده استقلال زن اسرائی، می رسد؛ ابتدا در همان شروع داستان و سراسه عنوان شخصیت اصلی رمان معرفی می کند ساس در سمر راه به فراموشش سارد، تنها به خاطر آنکه در اننهای داستان به هنگام حداسی از سهر، دوباره زنده اش نماید، توصیری

نو. ته زیر نظر یکی از رفقای ما ست در راه "کلیدر"، امیدواریم در فرصتهای دیگر سواسم مطالب مفصل تری درباره این اثر بزرگ ادبیات معاصر ایران منتشر کنیم. هسات تحریریه

"راست این که بعضی از ایمان هراس دارند و بعضی از سی اسامی دحار و حشت می شوند، آن که اسان می آورد، از بویک بودن و حشت دارد. و آن که ایمان پیدا نمی کند، از بار سنگین آن و حشت دارد؛ و حشت پاسبندش دارد، بعضی خودشان را در قید اسان، آزادی باسد؛ و بعضی آزادی خودشان را در سی اسمانی می ببندند. یکی رای می سنی که زندگانی رایا و ورد دارد، یکی رای می سنی که از بار و زندگانی فرسنگ فرسنگ فرار می کند. نیمه راهی ها، همان فراری ها هستند!"

قطعه فوق گونه ای است از کلیدر، اسن بزرگترین شاهکار ادبی تاریخ معاصر اسن از منروطیت به اسن سوی، که در ده جلد و با نغ بسر سه هزار صفحه، به همت والای آقای محمود دولت آبادی آفریده شده است. دولت آبادی زمانی در یکی از مناظره های اظها رداشته بود، که نویسنده داستانهای طولانی است، اکنون نمی توان در اسن خصوص تردید کرد.

کلیدر، نه یادنا مه ای ساده از سورش خانسدان کلمی شدر پبندش کلیدر و روستا های اطراف آن در طی دوره دوساله ۲۷- ۱۳۲۵، بل تشریحی دقیق از چهر بندی طبقاتی حامع روستائی اسن قبل از دهه سی، و اشیات ناگزیری تاریخ سی پیکارهای طبقاتی در نتیجه تناقضات سی خون و خرای روال "طبعی" زندگی روزمره است.

زسان اسن رمان، که از قالبهای حماسی، توصیفی و سبسی بهره گرفته و با رگفتاری و نثر رای بکدیگر نزدیک نموده، اگر چه ردیای تاریخ بیهقی را سرخود دارد، اما سبب از همه بیانگر نغاس موفق نویسنده در نظم و نسق دادن جیره داستان به گوش محلی حراسانی است. حنانکه کلام داستان تصدیق اسن حقیقت ساده می سماند که جاسابه زبان پارسی راهنوز باسد در بلاد حراسان حست.

شناخت رسیده و تحلیل موسکافانه نویسنده از صورت بندی طبقاتی روستا های اسن را بیشتر در مان از رشمد "حای خالی سلوح" دیده بودم، اما کلیدر سروحوانبی از سمای لابه های گوناگون دهقانی پرنومی افکند، که تنها با حضور تحریری در فضای روستا دست آدمی نیست. فی المثل شخصی تفاوت عمیق خوش نسن و رعیت در سرخوردیه "۱۵ در صاافه سهم رعیت از محصول اسرای" (اصلاحیه دوره صدق) که بدن نحو از زمان قدسرا زگومی شود: "گرم که همسو حرف های که آنجا نوشته، به حای بسد، تازه به نفع رعیت هاست، نه به نفع امثال من و تسو! همان قصه با زنده در صاافه سهم رعیت هاست. چه دخلی به ما دارد؟! (کلیدر، جلد ۱، صفحات ۱۶۶۶- ۱۶۶۵) و با اشفا داتی که ستار در گنگو

از یک ما در با کودک، یادگار با مانده از گل محمد قهرمان! دست آخر، آیا ما را از حمله سببتهای اصلی داستان است یا نه؛ ای سبب سئوالست که از جانب نویسنده سی باسخ می ماند. به تفصیل میدان و مجال ندهیم، چرا که کلیدر به سبب از حجم خود نسا زمند نقد و بررسی است. با اسن همه سوطه سکوت در مورد اسن اشسر به تاسی معمول شده است. تا ساف آورا سته هر چند فاسل فهم، که اثری ناسدس با به گراناسه با حسن سی بوجهی از جانب محافل ادبی هفت کشور ما روروسده است، آیا براسنی نویسنده اسن و منقدس ما، حندان "بی سناز" ودل مشغولند که فرصت شخص را از کف داده اند؟ ما جاساسن می اندیسیم و تصور می سناسیم که "سکوت"، سنا را را را کفنه هاست" و گفتنی های بسیاری از اهل سکوت در سبب ناسه افای کلمی سبب مندرج در نثر سه "سفاگاه" آمده است.

از اظها رابسی با به اسن در تحقیر زبان کلیدر به عنوان "زبان درو سنان و نغالان" نپوه خانه ها که بگذریم، اتهام افتخار آمیز اسن ساسی ما ندکه، دولت آبادی مرتکب حماقت نگارش به سبک رنالیسم انتقادی مذموم (باسک ملعون زمین نوآباد) شده است!! سبه راستی که در مان محافل ادبی متقابل سبه سوسال دمگراسی اسن، چه سباقه ای در خصومت نسبت به هر چه مشکوک به کمترین رتباطی سبب "نظریه مبارزه طبقاتی" باشد، در گرفته است؟! آخر، مبارزه طبقاتی در حوزه زیبایی شناسی ن

انعکاس می یابد و مجرد در اسن مورد آقاسی دولت آبادی است که با خلق عظیمترین اثر ادبی تاریخ معاصر اسن، نیر خلاص را به برخی محافل و سکانبزد.

بهر حال کلیدر به رونق جامعه ادسی ما حانی تازه می بخسد و اسن سرمای ناخوشدنی اولیه در فعال کلیدر که با زنا با فول بک دوران ادبی است، با ظهور به موقع یک اثر که سبه اسن سنا می سنا بیک دوره فعالیت ادسی در اسن است؛ به تدریج جای به گرمای تازه ای می دهد که سنا سنا محصول آن پویس مرحله ای سبب در داستان نویسی خواهد بود، بلکه همسراه آن به نهاد ادسی در کشور ما ببعدی تازه، جسدی، فعال و سببگیر ترمی دهد. کلیدر نه تنها راه سبب را برای کارهای ادسی غنی تر هموار خواهد کرد بلکه همچنین موجب تقویت مکاتبی از نقد ادسی در کشور ما خواهد گشت که دیگر صرفا به سرسی تکنیک کار و با اسراز عقده های صنفی پانداده، بلکه علاوه بر رزیاسی از شخصیت پردازی و قالب ریزی فعالیت ادسی، مضمون فعالیت ادسی را سبب بقیه در صفحه ۳۰

نگاهی کوتاه به تحولات ... دنباله از صفحه ۸

سازندگی تاریخی سوروی و اعلاب اکثر، بدون سازندگی که واقعاً بوده است اثر کرده و آسرای شکل گیری وحدان آگاه مردم سوروی ضروری دانست .

- تلاش برای جلب مشارکت مردم در تصمیم گیریها، از طریق فعال ساختن سازمانهای مختلف توده ای و معیاشی، به انجمنها، سازمانها و ارگانهای مختلف . در این راستا است که در گراش گوربا جبهه گنجره، سست و همبند ضرورتاً "گسترش قاطع وسیع نرزل خود حکومتی سوسالسی مردم" و فعال ساختن شوراهای سماندگان مردم و شوراهای محلی ؛ و مداخله دادن و وسیع اتحادیه های کارگری در تصمیم گیریها و شرکت دادن هر چه بیشتر "سازمانهای عمومی" در حکومت سرکشور، و ... تا کید می شود . در جهت عملی ساختن این اهداف ، اقداماتی آغاز شده و از جمله اصل انتخابی بودن مدیران کارخانه ها و دستگاههای اقتصادی توسط کارگران هر دستگاه ؛ و اصل عدم مداخله ارگانهای حزبی در انتخابات اتحادیه ها و سازمانهای مختلف به اجرا در آمده است . در همین جهت ، در گراش گوربا جبهه پل سوم ژانویه ۸۷ ، از ضرورت مخفی بودن انتخابات و تعدد کاندیدها در انتخابات سازمانها و ارگانهای حزبی ؛ و همچنین از شرکت کاندیدهای غیر حزبی در انتخابات کمیته های دولتی سخن به میان آمده است .

- نفی حقوق و آزادیهای سیاسی و اجتماعی افراد و مبارزه با فساد ، رشوه خواری و تبعیض در سازمانهای دولتی . در این زمینه اقدامات چشمگیری آغاز شده است ، از جمله ، اکثر زندانیان سیاسی آزاد شده اند و بسیاری از محدودیتهای گذشته بر روشنگران "سازمانی" کاهش یافته است ؛ و آریا راه ای از نویسندگان ، هنرمندان ، محققان و دانشمندان که در گذشته نتوانسته بودند آثارشان را منتشر کنند ، رفیع محدودیت شده است ؛ بارهای از مسئولین ذی نفوذ دولتی بخاطر تعرض به روزنامه نگاران ، قلم خود سرکنا شده و تحت تعقیب قانونی فرز گرفته اند ؛ و هم اکنون فواید حراستی جدیدی در دست تهیه است که آسیب فردی زیاده برای متهمین پیش بینی می کند و از رفیفات برای متهمین پیش بینی می کند و از رفیفات دیگری از جمله های مهم تحولات اخیر اتحاد شوروی ، تغییراتی است که در ساخت خارجی این کشور صورت می گیرد ، این تغییرات ، از طرف رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی ، در جنبه شرایط تحقق استراتژی شناختن و بخشیدن به آهنگ رشد اقتصاد دگورتلفی می گردد . رهبری شوروی منظور کارکنان هر دستگاه های تبلیغاتی و اختتام هر چه بیشتر منابع کشور به سازندگی اقتصادی ، در دو سال گذشته دیپلماتی بسیار تحرکی را آغاز کرده است . مهمترین محور این دیپلماتی محدود کردن مسابقات تبلیغاتی و تلاش برای طبع هسته ای طی چند مرحله و در یک دوره زمان بندی شده است . در این راستا ، پیشنها دات حورانه و اقدامات ترسناک صورت گرفته که قدرتهای امپریالیستی و بویژه جناحهای میلیتاریست آنها را شدیداً تحت فشار قرار داده و افکار عمومی مترقی و دموکراتیک را در سراسر جهان

به نحسین واداشته است . در عین حال ، در کنار این اقدامات ، ملاحظاتی با رگامانسی در ساخت خارج ، اتحاد شوروی سراسر محدودی نفی شده است که نمونه هائیک، از آن را می توان در فعالیت های دیپلماتیک این کشور در خارج و رسانه می توان مشاهده کرد .

انگیزه سیستم علب، تحولاتی که به خطوط ایلیم آنها در بالا اشاره کردیم ، حجت آنجه این تحولات را احداث بنا بر اساس ، بطور بی واسطه و در وهله اول ، عقب ماندگی اقتصاد شوروی در مقایسه با کشورهای پیشرفته سرمایه داری است ، اما در ساخت شوروی خصوصاً در سه دهه گذشته همگامی گنجده است . سخن مغرب نور و کراسی موجب شده که جامعه شوروی بتواند در فعالیت تکنولوژیک سوم بسیار با دست و تکولوژی و علوم شوروی در راه های ارچوره های کشنده آشکارا گرفتار عقب ماندگی و زکود شده است . و این عقب ماندگی ، عوامل بسیار مختلفی در چرخه های مختلف زندگی اجتماعی ساز آورده است ، و نتایج نمایان این عقب ماندگی و زکود در چرخه های مختلف اجتماع است که رهبری شوروی را سبب یکپارچه و اداسه است . آنها اکنون در یافته اند که تنها از طریق یک سلسله اقدامات اقتصادی و منی می توان این عقب ماندگی و زکود را ارسین بردن که برای مغایله با این وضع سیاسی به اصلاحات همه جانبه ای در چرخه های مختلف زندگی اجتماعی نسبت زد ، همچنان گوربا چف سب های مختلف و سوره در پل سوم ژانویه ۸۷ نشانگر است که رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی عوامل خطرناک ادامه این وضع را برای آینده سوسالسی درمی یابد و بر ضرورت مبارزه با آن آگاهی دارد . در همین پل سوم ژانویه ۸۷ گوربا چف بر ضرورت یک تحول ریشه ای تاکید کرد و سادآوری نمود که "ما نمی توانیم عقب نشینی کنیم ، علاوه حائی برای عقب نشینی نداریم " . اما تردیدی نیست که "تحول ریشه ای" چیزی نیست که بتواند به آسانی و بدون مقاومت صورت بگیرد ، زیرا انحطاطی که در تمام حواصت جامعه شوروی سوحد آمده ، به دردها و عتاد تنگنای ناممکن و به صرفاً از حوزه اقتصاد آغاز شده است ، یعنی ورکود بسیار آمده در اقتصاد شوروی از او خرده هفتادینسو ، علت انحطاط بلکه تا حدود زیادی معلول آنست . پدیده های انحطاط در جامعه شوروی علل ریشه دار در گذشته ای دورتر دارند و اساساً از قلمرو سیاست می گیرند . مثلاً اصلی آنها را سیاستی در ضعف ، ساختی فرا تر از آن ، در سود دموکراسی سوسالستی جستجو کرد . بدون مداخله واقعی و فعال توده های میلیونی مردم در ساخت و بدون حضور زنده آنها در تصمیم گیریهای واقعی ، جامعه شوروی نخواهد توانست پدیده های انحطاط کنونی را ریشه کن سازد . اما احیاناً و تقویت دموکراسی سوسالسی منافع کسان زیادی را در شور و کراسی حزبی و دولتی ، به مخاطره خواهد انداخت . در همین شکس معاً و مبادی گروه ، که در حفظ وضع موجود منافع مسلمی دارند ، بهمین مناسبت هر نوع اطلاعات در جامعه شوروی است ، تا حدودی بواسطه معاً و متهمین گروه های دفع در حفظ وضع موجود است که هموزمی توان در راه آینده وجهت گیری

تحولات آغاز شده نظری قطعی داشت . همه چیز بستگی به میزان فعال شدن مردم و مداخله واقعی آنها در درجه سکن معاً و مبادی حفظ وضع موجود دارد . اما آنچه هم اکنون می توان در راه تحولات آغاز شده تحت رهبری گوربا چف سنان کرد آنست که اصلاحات مربوط به رهبری و محافظت به وسایل محدودی نمایی آمدند ، در سطح ، تدریجی بودن اصلاحات نشانگر است که معاً و مبادی شدیدی در برابر آنها وجود دارد ؛ و این چیزی است که گوربا چف و معاً و مبادی آنها مخفی نمی کند ، مثلاً در پل سوم ژانویه ۸۷ گوربا چف صریحاً اعلام کرد که "عالم ما از ما پرسیده می شود که آیا خیلی تند نمی روم" . وظایف ساختار معاً و مبادی با دانشنده بود که برگراری همین بلخوم مدنی بتعویق انداخته بود .

ترددی نیست که اصلاحات سیاسی پیشنهادی گوربا چف در جهت احیاء دموکراسی سوسالیستی ، گنجان برزگی برای جامعه اتحاد شوروی است ، مخصوصاً مراجه وی به سست لیبنی در میدان دادن به استکار و خلاصت توده های طبقه کارگر و سوسالسی اش را و طبقات مردم و سازماندهی شرکت مستقیم ، منظم و همه جانبه آنها در تصمیم گیریهای واقعی در خور نشاند و ستایش است ، این مراجه به سست لیبنی اگر فقط در حد حرف و شعار باقی نماند و اگر در عمل مسج گردد ، می تواند به اهرم عظیم و سرومندی برای شکوفایی جامعه اتحاد شوروی تبدیل شود و در تقویت جنبش کمونیستی و کارگری در سراسر جهان اثرات دامنه داری داشته باشد . در عین حال تردیدی نیست که اقدامات محافظانه ، محدود و متزلزل نا کمونیستی در زمینه "علی سازی" و دموکراتیزاسیون ، با سست و آموزشهای لیبنی در راه نقش توده های کارگران و زحمتکشان در جامعه سوسالیستی قرابتی ندارند ، و این نشان می دهد که جامعه شوروی برای احیاء سنی لیبنی با بسنی راه طولانی و دشواری را پیماید .

اما برخلاف اصلاحات سیاسی ، در پیاره اصلاحات اقتصادی گوربا چف اقدامات زیادی وجود دارد ، استقلال مالی بنگاههای اقتصادی حنی تا حد معیله مستقیم با شرکتهای خارجی ؛ ساخت جدید در راه دستورها که هدف اصلی آن عبارتست از احداث کردن آهنگ سپودا ستانداردهای زندگی از آهنگ به سود مولدیت کار ؛ و میدان دادن به فعالیت های خصوصی در چرخه های معین ؛ و امثال اینها ، با احتمال زیاد اصطکاکهایی را با برنامه ریزی سوسالیستی سوحد خواهد آورد . دامنه سیاستهای آغاز شده در حوزه های فوق هنرین بدستی روش نیست ، مثلاً نون تضویب شده در نوا سرگذشته که به افراد اجازه فعالیت خصوصی می دهد ، روش نمی کشد که رابطه افراد با نوا در این حوزه با سست تا من اجتماعی سوسالیستی چگونه خواهد بود ، با این واحدها محل کارگاه و سایر شرایط فعالیت خود را چگونه بدست خواهند آورد . شکی نیست که اقتصاد شوروی در پیاره ای حوزه های عقب نشینی هائی نما زدا رد و در شرایط کنونی با وجود کارکرد با زار ساه و با اصطلاح "اقتصاد دوم" نمی توان اقتصاد شوروی را اقتصادی تماماً سراسر میسر شده تلقی کرد ، و همین "اقتصاد

دنیاله از صفحه ۷

بزرگ طبقاتی در مقابل با طبقه کارگر و نواده های رحمتکن قرار می دهد، اما چنانچه عاصی صفا حریا با تپ از لیسر الهائه پلاتفرم دموکراتیک بیبوندند و تا آنجا که از آن استقبال کنند (هر چند این هم دانی موقت، منزلزل و شکننده باشد) می توانند در حبه دموکراتیک پذیرفته شوند. زیرا این امر در انفراد هر چه بیشتر رژیم جمهوری اسلامی و تسریع سرکوسی آن و در دامن زدن سسه تشخت با اختلاف در صفوف بورژوازی موثر خواهد بود و سه پیشتر را مردموکراسی باری خواهد رساند. مساله دیگری که در طرح پیشنهادی حزب دموکرات حلت توجه می کند، تا کید آن پلورالسم سیاسی است، این تا کنده طرح حزب دموکرات رنگ کاملاً اندولوزیک داده است، اگر منظور از پلورالسم سیاسی، آزادی احزاب و سازمانهای سیاسی است، ما با طرح آزادیهای قید و شرط سیاسی بنحوی قاطع و روشن آنسرا پیش می کشیم و مورد تاکید قرار می دهیم. آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، مطوعات، اجتماعات، احزاب و تشکلهای سیاسی و صنفی، و اعتمالات یکی از ارکان اصلی پلاتفرم پیشنهادی ما برای حبه دموکراتیک و ضدا میربالیستی و اصول برای هر نوع اختلاف و اتحاد عمل برای دموکراسی است. اما اگر منظور از پلورالسم سیاسی مترادف جلوه دادن سباهای نمایندگی بورژوازی با دموکراسی است، طبعاً نمی تواند مورد پذیرش کمونیستها و انقلابیون باشد. اصولاً پلورالسم سیاسی مفهوم گنگ و گمراه کننده ای است. یکمک این مفهوم می توان بسیماری از رژیمهای سیاسی سرکویگرو ضد دموکراتیک را بمعنوان نظامهای سیاسی دموکراتیک تظهر کرد. دموکراسی بهمع وجه مترادف با چند حزبی نیست. در پاره ای از کشورهای دنیای سوم زیر پوشش سیستم چند حزبی، تمام آزادیهای سیاسی و تشکلهای انقلابی سرکوب می شوند، کسانیکه برای حق تشکل و تحزب شده های محروم و لگدمال شده حاً مع می جنگند، راهی جردفاع از آزادیهای بی قید و شرط سیاسی ندارند. بی تردید همه آنها می که در یک اختلاف دموکراتیک گرد می آیند، اعتقادات ایدئولوژیک یکسان و یا حتی مشابهی ندارند و همین طور برای هدفهای اجتماعی واحدی مبارزه نمی کنند. مثلاً در حالیکه کمونیستها برای نابودی نظام سرمایه داری می جنگند و از اینرود را ختن سوسیالیسم و قدرت دولتی، کارگران و زحمتکشان نمی توانند بیستیم نمایندگی بورژوازی تکیه کنند؛ نیروهای بورژوا - دموکرات، سباهای نمایندگانسی پارلمانی را عالی ترین نظام سیاسی دموکراتیک تلقی می کنند. بنابراین، توافق روی مشخصات نظام سیاسی جایگزین نمی تواند منسای حبه دموکراتیک - ضدا میربالیستی باشد، زیرا چنین توافقی میان نیروهای تشکیل دهنده جنبش حبه ای علقاقابل حصول نیست. نقطه اشتراک این نیروها در مبارزه برای دموکراسی است و مناسرا بین هر حبه یا اختلاف دموکراتیک اصولاً پدروی اسن نقطه اشتراک بنا شود. زیرا نقطه اشتراک در پاره دموکراسی و سراندازی رژیم جمهوری اسلامی معلوم نیست در فردای سرکوسی اسن رژیم حفظ

آزادانه و استقلال تشکلات هر حزب و سازمان شرکت کننده در یک ائتلاف دموکراتیک، سکنتهای است که مورد سکنده است. کمونیستها تحت هیچ شرایطی از حق تبلیغات، تشکلات و انتقال آزادانه و مستقل خود در ائتلافهای دموکراتیک مرصطری می کنند و ما سیرا بن اصل و سبب کمونیستی در هر شرایطی وفادار هستیم.

نگاهی کوتاه ...

دوم " است که منشاء بسیاری از مساهها و روشها - حوا ربهای سازمان با فاه موجود در حاً مع شوریست، در مورد ضرورت استفاده فعال از مشوهای مادی و نحوه کیفیت تولید و ارتقاء بهره وری کار سترددی می تواند وجود داشته باشد. اما ساستهای حیدر رهبری شوری در زمینه اطلاعات اقتصادی ممکن است موجب افزایش سراسریهای امنمادی و اجتماعی کسردد. عفت سبشی به مکانیزمهای اقتصاد بازار، کسه نا بد شرایط کسوسی در پاره ای حوزهها حساب نا پذیر باشد، اگر از میزان محدودی رود، و اگر همچون بشوری در سوسیالیسم و امری کاملاً زکار را آن - وه استثنائی بر آن - تلقی کردد، مسلماً عواقب زیانباری بدنیال خواهد داشت. ز سراسر خلاف آنچه گوربا چف می گوید، " روابط کالا - بولی و عمل کرد قانون ارزین" با سوسیالیسم سازگار نیست و در اقتصاد سوسیالیستی سش مکانیزمهای بازار تنها بمعنوان امری حاشه ای و موقتی می تواند پذیرفته شود.

در ححال حبت کبری قطعی و آندده تحولات شوری هورکا ملاروشن نیست و گوربا چف مسدام نا کدی می کند که آنچه اسحا شده تنها آغا ز حرکت است. اما تحولات مزبور هم اکنون این حقیقت را با ثبات رسانده اس که حاً مع شوری به "تحولسی ریشه ای" نیاز مند است، تحولی که اگر صورت بیدرد حاً مع شوری در مسرا نحطاط پیش خواهد رفت و به متا حی حاً مع با خواهد رسید، این تحول ریشه ای "تنها از طریق احیا سنت لنینی و وفاداری به آموزشهای مارکسیسم - لنینیسم می تواند به شکوفایی سوسیالیستی منتهی گردد. آمد و آرزوی ما این است که اتحاد شوری، زادگاه انقلاب کبیرا کبیر، ساکا مهای قاطع و اشتابسی که شرایط امروز حیان ما می طلبد، در مسرا احیا ستهای کبیر لنینی پیش برود.

در معرفی کلیدر ... دنیاله از صفحه ۲۸

خواهد کسید. نا بد آن حده در مورد "فاوست" گوتسه رح داد، سعی بدایش مجامع و سنا دهائی برای بررسی همه حانیه آن و ساختن فیلم هسبا و نما سنا به های متعدد، در پاره زود، در مورد رسان کبیر در نیز در کشور ما رخ دهد.

در عین حال، کلیدر، این مهمترین نکته است، بازار برخی را کسا دگر و سرای مکتبی حکم تیر خلاص را داشت و فراهها و ناله ها شرا برا نگیخت که اگر هم حاصلی نداشته باشند، دستکم می توان "حسن رقابت" را که انگیزه ای مشت برای کار ادیبی است، نتیجه آن دانست. دولت آمادی تیسر شروع مسابقه را سلیک کرده است! با با علی

شود مثلاً بعد است همه سروهائی که امروز برای دموکراسی، اختلاف می کند، حاضر باشد در گرما - گرم با انقلاب از پیش کسترل تولید طبقه کارگر و حسب مساه دره انقلابی سیدستان شهروستیا حمانت کسید. تردیدی نیست که حسب کسترل تولید و مساه دره از دموکراسی سیاسی فرا تر خواهد رفت و دموکراسی اجتماعی را خواهد طلبد.

اما مرصطرا در طرح پیشنهادی، سطر ما حرت دموکرات کردستان ایران که سالان طولانی برای حق دموکراتیک خلق کرد علیه رژیمهای خودکامه سلطنتی و جمهوری اسلامی مساره کرده، یکی از نیروهای است که گرد آمدن آنها در یک حبه دموکراتیک - ضدا میربالیستی اهمیت و ضرورت دارد. و از همین حاست که مکسث روی پاره ای از مسائل ضرورت پیدا می کند.

همانطور که در پلاتفرم پیشنهادی سازمان ما مطرح شده است، آزادیهای بی قید و شرط سیاسی یکی از ارکان اساسی ائتلاف دموکراتیک است. سراسر این لارم است بیبیم حزب دموکرات نیست با این مساله حه موضعی دارد. مناسفانه اکنون مدت ها است که یک جنگ خانگی میان حزب دموکرات و کومله بر حشش ملی - دموکراتیک طلی کرده شده می زد. اما به اس حنگ سیدید مستقیمی است علیه دموکراسی. چگونه می توان با توسل به قهر، آزادی عقیده و سیا سروه های دگر دموکراسی را محدود کرد و در همان حال برای دموکراسی دست به اختلاف و اتحاد عمل زد؟! علاوه این حسک سا زماندهی تمام عیار دشمنی در بین سروهائی است که می توانند در مبارزه مشترک حول یک حبه واحد دموکراتیک و ضدا میربالیستی متحد شوند. سراسر این یکی از شرایط مقدم و ضروری در احاد جنبش حبه ای عیار رست از آتش سس بدون قید و شرط و پایان جنگ خانگی در کردستان انقلابی.

مساله دیگر، حق مذاکره و استقلال سازمانها در مذاکره با رژیم جمهوری اسلامی است. این فرمول در حریان کناره گیری حزب دموکرات از "شورای ملی مقاومت" از طرف حزب مطرح شده است، همانگونه که توضیح دادیم بدون سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی هیچ گونه دموکراسی در کشور ما قابل تصور نیست. این یک امر بدیهی است که اگر رژیم جمهوری اسلامی دشمن سرسخت و آشتی نا پذیر آزادیهای دموکراتیک و حقوق طبقاتی تحت ستم ایران است، پس هر گامی در جهت تحقق این خواستها بطور تنگنا کسب سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی بیبومی خورد. و از همین روه سازمان سیاسی که در اختلافی برای برقراری دموکراسی شرکت می کند، ساهمین اقدام خود هر روع "حق مذاکره مستقل" را از خود سلب کرده است. زیرا حبه واحد دموکراتیک - ضدا میربالیستی ضرورتاً و قطعاً اختلافی است برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی در کلیت و تمامیت آن، یعنی براندازی همه حناهای آن و فشار برای تقویت حناهای واقع بین آن. بدون این پیش شرط بدیهی سخن گفتن از حبه واحدی معناست. و البته این سبب وجه معنای نفی استقلال احزاب و سازمانهای شرکت کننده در یک حبه دموکراتیک در تبلیغ آزادانه اهداف سراسر آنها نیست. حق تبلیغات و انتقال

طرح نوین...

دنیاله از صفحه ۶

وبالاخره توقف خط تولید بوستن کارخانه؛
 بلبرغم راه‌های بالا، هرگاه کارخانه‌ای بتواند
 به جریان تولید منظم خود سر و سامان دهد، تکلیف
 نهایی و کاملاً مجاز توقف تولید است و بستن
 کارخانه! وزیر صنایع سنگین در این رابطه
 هم بیانی صریح و گویا دارد: "وقتی می‌گوئیم
 تغییر الگوی مصرف یعنی چه... یعنی دنبال
 آن تعطیل کارخانه است (!)" "سراسر آنجا که
 در کلام آنرا مکان جلوگیری از توقف تولید نباشد،
 بهترین راه جلوگیری از ضروریات سرمایه‌است.
 بی‌آنکه نیازی باشد به ادامه بررسی؛ رایسین
 زانویسه، عمق "تداوم اقتصادی" و نتایج
 عینی حاصل از آن تا همین جا و بوضوح قابل رویت
 است. مسئولین حکومت اسلامی با زبان خود گفتند:
 آنچه در پیش "اطلاع ساختار اقتصادی" نباشد
 پیش برده شود، میلیتاریزم کردن سخن‌های هرچه
 موثرتری از صنایع غیر نظامی است. شعار "قطع
 تنگی به نفت" تنها به نامین تسلط خسرو
 مختارانه سرمایه‌تجاری سر تولید صنعتی کش
 خواهد کرد و میدان را برای غارتگری "ارزنجاری"
 باز خواهد ساخت. از این بعد البته، کلامی هم
 انحصارات جهانی خواهد رسید؛ که "اسرائیلی
 صادرات غیر نفتی" و "روش‌های یک" و... نعمتی
 چنین امر خیری را بعهده خواهند داشت!

دنبال بررسی عوارض اقتصادی "طرح"
 نگاهی به مضمون احتمالی آن ناسب خواهد کرد.
 در طول حیات سیاسی و پرازننگ "حکومت اسلامی"
 کمتر فرضی می‌توانست به اندازه شرایط کوسی،
 عمق دشمنی این حکومت را تا توده‌های مردمان
 دهد، و ظرفیت آنرا در تشدید خصم ارتجاعی
 و ضد مردمی آشکار سازد. مطالعه عوارض اجتماعی
 "طرح نوین اقتصادی" پاسخ می‌دهد که وقتی
 نرابا شد در شرایط سقوط قیمت نفت و کاهش
 صادرات آن، "ولایت فقیه" در صدد تشدید جنگ
 نوشت "با خود با قبول وزیر صنایع اش، خواهد
 سرورای کند"، چه کسی باید "دولت‌دولارود"
 و تاوان بپردازد؟ و چگونه؟

اخراج، باز خرید و باز نشسته کردن کارگران؛
 بزرگ تعطیل کردن کارخانه‌ها را تلافی قبول ورور
 صنایع سنگین خاطر نشان کردیم، اما، ارقام و
 "ماروز سرکار است که لب مطلب را ادا می‌کند، و بنا
 بدهد معیوم "حفظ سطح اشتغال مولد" که در
 عدیمهای "طرح" عنوان شده، به زبان ارقام و
 "مارجست": از این هفتصد هزار نیروی کار در
 واحدهای صنعتی ممکن است ۱۵۰ تا ۱۵۰ هزار نفر
 آن بیکار شوند. فرض گذاشته‌ایم که جنبش
 واقعی رخ دهد. "۱۸) البته با این رقم
 ما حمان صنایع مواقد برونه گرداندند کسان
 "شوراهای اسلامی" و به حسی، سازمان تامین
 اجتماعی. رکورد "طرح نوین اقتصادی" در "حفظ
 اشتغال مولد" حساب بسیار رقمی است بیسین
 پانصد هزار تا ۳ میلیون نفر بیکار. (۱۹) میزان
 مدی بودن تلاش برای "حفظ سطح اشتغال مولد"

سویزه زمانی بخوبی درک خواهد شد که از زبان
 طراحان "طرح نوین" شنیده شود: "امروز بحسب
 خدمات ما تورم زیادی دارد و با افزوده شدن این
 ۱۵۰ هزار نفر (کارگر بیکار) به آن سخن منورم...
 چندان دستخوش تلاطم نخواهیم شد. "جراکه
 "اس کارها (بیکار فزونی، دست فزونی، ماسر-
 کشی و... افلا در جا مع وجود داشته و اس سماری
 جامعه ما بوده که بعدها با عده اس مسئله مکرر
 بکنیم، منبیا در جریان جنگ ستوانسته ایسم و
 نمی توانیم به این مسئله مکرر بکنیم، و اشغال
 مثبت و معبدی در جا مع وجود سا ورم" (۲۰) "نرابسی
 که یک حکومت بنا بر تئوری، جنگ طلب نسوی
 ارتجاعی، تنها به حسین "وزیر کار" صدر رسد
 "حزب الهی" بنا بر مبداءات، معاون وزیر کار
 اما معتقد است: "نابستی اربکار شدن عده ای
 از کارگرانمان در بخش صنعت نگران باشم،...
 طرح سیمه بیکاری حمایتی است که خوشحالت
 از سوی هیات دولت تهیه و تصویب شده و به مجلس
 ارائه شده است." (۲۱) در این نوشته محسب
 پرداختن به "سیمه بیکاری" و معضرات شعبا بخش
 آن نیست. همین قدر کافی است تا آوری کنیم،
 کارگران "ولایت فقیه" حل مشکل صدها هزار
 نفری که بیکار شده و با هر لحظه در خطر اردست
 دادن شغل خود هستند را تصویب "لابچه‌ای" از سوی
 "هیات دولت" میدانند! در حالیکه کسی نسبت
 نداد چنین لایحه‌ای حتی اگر به تصویب مجلس
 هم برسد، تا قبل از تصویب شورای نگهبان "منسار"
 اعتبار اجرایی ندارد، و بغرض آنکه در شوروی
 نگهبان هم به سر و شوت دهها موصو به دیگر مجلس در
 نشود، تا زه بدلیل خالی بودن خزانه "حضررات
 آیات" از وجه نقد کافی - البته برای این قبیل
 مصارف - در کتا رتوانی مثل "پرداخت حق سیمه
 کارگاههای کوچک کمتر از سفر از طرف دولت تصویب
 سال ۶۱، و" پرداخت ۸۵۰ تومان حق عائله مندی
 کارمندان دولت "مصب سال گذشته، و پرداخت
 سیمه ۳ درصد کارگران دولت" و... مایگانسی
 خواهد شد. در بهترین حالت، یعنی زیر فشار
 اعتراضات و مبارزات کارگران رژیم مادگی
 آن را ادا ردا "موصو هیات دولت" را با حرا
 بگذارد. موصو ای که به موجب آن بخش بزرگی
 از کارگران تحت عناوین فعلی و غیره نام و...
 از شمول سیمه مستثنی خواهند شد، و بقیه با ۱۰ کسر
 ۳ درصد از حقوق همه سیمه شدگان، برای مدت
 بین ۵ تا ۱۰ ماه! معادل حقوق بازنشستگی - مبلغی در حدود
 دوهزار تومان - دریافت خواهند کرد و بعد همه "امان
 خدا"! وگرنه رژیم در اساس مایل است، آنجا که
 به سوبیا باطمینانی احتیاج هست، از طریق
 نذورات و صدقات کمته امداد، و صندوقهای
 قرض الحسنه اقدام کند که مبادا "حق قانونی"
 ایجاد شود.

افزایش نرخ کالاهای ضروری و وارداتی
 تا میزان نرخ آنها در بازار آزاد داخلی؛ وقتی
 از کبابی برای واردات در اختیار نباشد باید
 تولید داخلی را افزایش داد، و برای اینکار هم،
 با بد قدرت رقابت آنرا در سراسر کالاهای وارداتی

با "رزدولتی" (که سبای بالنسبه نازلی دارند سال
 سرد، تدبیری که از "کنت فقیه" بیرون میاید،
 سالاردن قیمت فروش کالاهای وارداتی است تا
 سطح نرخهای موجود در بازار آزاد! البته
 قیمت غارت بیشتر توده‌های مصرف کننده، حسن
 انکار در عین حال اینست که بخشی از کسر بودجه
 دولتی از این طریق حیران خواهد شد! مفهوسم
 عملی این سیاست را "وزیر کتا ورزی" در مورد مثلا
 سرنج چنین توضیح میدهد: "در اهدا فوسیاست -
 های (طرح نوس اقتصادی) آمده است؛ افزایش
 تدریجی قیمت سرنج وارداتی و کاهش تدریجی
 واردات تا قطع کامل... در زمینه تولیدات
 صنعتی وقتی حسی را وارد کشور میکنند، احرازه
 نمی دهند که از آن تری توزیع شود... به همان
 صورت در مورد محصولات کشاورزی هم این مسئله
 ساد ساد... سادکاری کنیم اگر محصولی وارد
 می شود، به نرخ مشابه آن محصول در داخل کشور
 هم توحه داشته باشیم". البته "با بد اسیمین
 افزایش نرخ را تدریجی عمل کنیم، یعنی: دیگر
 امسال نرخ سرنج وارداتی ۸ تومان بود - بیال -
 دیگر ۱۱ تومان باشد، سال بعد ۱۳ تومان بشود تا
 واردات ماهه نرخ تولید داخلی (۲۲) تومان فعلی
 که با بد در آینده به نرخ آزاد برسد! توزیع
 شود." (۲۲) اینکه چنین سیاستی آشکارا معایرت
 دارد ساد هدهای اعلام شده "طرح" و از جمله: "تا مین
 حداقل نیازهای معیشتی جامعه انقلابی با قیمت
 تثبیت شده و تلاش در جهت کنترل سطح عمومی
 قیمت ها." (۲۳) مسئله ای است که "ولی امر
 مسلمین" خود را ملزم به توضیح آن نمی داند!

حذف سوسیداز کالاهای ضروری تولید شده
 در داخل؛ یکی دیگر از تصمیمات صدر رسد "مکتبی"
 سیاست گزاران حکومتی در جهت "تثبیت قیمت ها"
 و دیگر شعارهای "طرح نوین اقتصادی"، خودداری
 از پرداخت سوسیداست تا ساد کالاهای ضروری
 تولید شده در داخل. در این مورد هم به توضیحات
 "آقای وزیر کتا ورزی" مراجعه می کنیم: "الان
 دولت در سراسر مائل (سزگندم) نظرش این است
 که سوسیدها به تدریج حذف شود، مثلاً در مورد مواد
 لبنی، چندان رادراین اهداف و سیاست های
 (طرح نوین) قبول کرده اند؛ عرضه شیر طبیعی
 تولید داخلی به قیمت تمام شده. این یکی
 از مشکلاتی بود که ما قلا به دنبال آن بودیم، اصلا
 چرا شیر داخلی به قیمت یک تومان دست مشتری
 بدیم، "سهمین حبت: "الان دولت در سراسر سایر
 محصولات غیر از گندم، این سیاست را پذیرفته
 است." اما در مورد نان و گندم: "اگر نخواهیم
 تولید داخلی را حمایت کنیم، یا با بد مصرف
 کننده مان به نرخ تولید داخلی نان بخوریم -
 دولت باید سوسید دهد. حال دولت میاید حساب
 میکند، اگر توانائی دارد، سوسیدی دهد،...
 و با می آید و از محلی برای پرداخت سوسید تا مین
 اعتبار می کند." (۲۴)

فرمایشات آقای وزیر روشن تر از آنست که
 نیازی به تفسیر داشته باشد، ایشان از سوی حکومت

مرك بر جنك! زنده باد صلح! زنده باد انقلاب!

مستضعفان "قول می دهد در اجرای اهداف " طرح نوبت قیمت مایحتاج ضروری مردم و از جمله مواد غذایی مایحتاج روزمره را که تا قبل از اجرای " طرح " بکمک واردات با ارز رفتی و با یکمک پرداخت سوسید برای تولیدات داخلی تا حدی ثابت نگه داشته شده بود را تا سطح برجهای آرد افزایش دهد. و در این میان تنها آن را با شرط آنکه دولت بتواند منع اعتضاری برای برداشت سوسید آن بیاند، مستثنی نموده است. یک معاینه میان نرخ دولتی گندم و نرخ آزاد آن برای هر کیلو، یعنی میان ۱۲ ریال و ۷۰۰ ریال ششاس مدهد که حواسی که دولت برای قیمت های قند و جای و روغن و... دنده است. اما چند صد درصد افزایش تعمیر خواهد شد!

تکلیف کالاهای صنعتی اعم از وارداتی و با تولید داخلی فلان روشن شده بود: نرخها آرد و بر پایه قیمت های تمام شده "نه ارز دراتی" و در عین حال در جارجوب مکانیزمهای قیمت گذاری " بازار ساه" و مستقیم توزیعی مکی بر احتکار.

سادارک مفهوم واقعی "تنظیم قیمت ها و تلاش در جهت کنترل سطح عمومی قیمت ها" است که با سهولت بیشتری می توان مقصود از "تعمیر الگوی مصرف" را فهمید. و فهمید وقتی که در صنایع سنگین رژیم می گوید: "اگر الگوی مصرف را می خواهی تغییر بدیم یک دوره رضایت کشی باید داشته باشیم... و خیلی از کالاهای را که امروز جز ضروریات زندگی محسوب میشوند با سود ارز الگوی مصرف بیرون باید" (۲۵) چیزی نمی گوید جز دعوت از مردم برای گرفتن "روزه انقلابی" و پذیرش اینکه هرروزه تنها عا شورا است، بلکه "رمضان" سز هست! و انتظار می نزنند در حیرت اینکه "ملت" نه این ندا لبیک گوید و با زمان دهدگان شبکه های سرکوب مدکا رگری هم صدا شود که: "ملت آماده کرده اند خودشان را که فرزند رمان ناشدند آماده کرده اند پذیرند سخی ها و مشقت ها را نه برای رفاه خودشان بلکه برای تعالی بقیه مستضعفین و مسلمانهای دسا" (۲۶)

"طرح نوبت اقتصادی" در تمام هدف های اجتماعی اش، بره آوردهای دیگری نیز برای "مستضعفان" (نارمان و مآورد زحمه: هدف های برنامه نویسی اقتصادی... این است که در تمام دوران و فورست، دوران حداقل نیازهاست، یعنی خیلی نیازهای مردم همیه بندی می شود. (۲۷) و بنا بر این محتکران، سازماندها، سازار ساه و باندهای جعل و فروش کوبی "سازهای سهم بندی شده"، یعنی شبکه اصلی توزیع مایحتاج عمومی می توانست آسوده خاطر باشند که، با برخورداری از "رأفت اسلامی" و "عدالت قضائی" همچنان بکار خود ادامه خواهد داد! و با کتاندن هرچه بیشتر مردم به شبکه بازار سیاه و سازمان دادن بخش وسیع تری از مزد و حقوق بگیران موسسات خصوصی بطور نیمه وقت، و جذب تعداد گسترده ای از سیکاران صورت تمام وقت همچنان به عرض و طول خود خواهد افزود.

برگ" و "طرح نوبت اقتصادی" را دستور رومی - حواسد، ناشده میسی که با حاراسات اساسی شوجی بپردازند شیده باشد، اگر "معها" صرفا "نه تکلیف شرعی" گردن گذاشته اند! و کوشیده اند بغای "انقلاب اسلامی" را سهر نقد برنصن کنند و حکومت خود را بحاجت دهند، اما کارگران سکار شده، اما زحمتگنان از هنی سافظ شده، اما توده های مبلوسی که "طرح نوبت" معها را برنامه ای برای مفلکت کشاند، مستخرج بود می دانند، و با مدهای فاحه ما رشتر آرد آسده احساس کرده اند و اما، آنها سی که زیر سار آنها و نوی صف های چند کیلومتری شان و گوشت، سبروی اعتراض جمعی خود را در یافته اند، تکلیف دیگری دارند! و آن پرداختن بهائی در حور، به "شوخ" آقایان با سار تیس های مکنی است، و تعمیر رویای های "فتح برگ" و "طرح نوبت اقتصادی" است با سزیر کشیدن آنها از "نشر حکومتی"!

وظیفه سبار خطر کمونیست ها در جیبسی عرصه ای سازمان دنا کید نیست. اهمیت کمی تحولاتی که در مقطع کنونی حراسان دارد و نیبر بپا مدهای تعین کننده آن سار روش است. سهولت می توان در کار چشم اندازهای مساعد، شکل گیری خطراتی جدی که زندگی و معشت روزمره مردم و همچنین چگونگی حربا رما رزه طبقاتی - سیاسی را هدف قرار داده است، شخصی داد، مسلما در سهر گیری از چشم اندازهای مساعد و مبارزه با خطرات "فتح بهائی" و "طرح نوبت" کمونیست ها سادینشا پیش توده ها ساید.

بررسی

- ۱) - "نحت آزاد پیرامون شرایط نوبت اقتصادی" روزنامه جمهوری اسلامی - ۸ آذر ۶۵
- ۲) - "نقش جنگ در تعمیر ساسا و ساحتارهای تولید صنعتی" - روزنامه اطلاعات - ضمیمه سیاسی - اقتصادی - ۲۲ دیماه ۶۵
- ۳) - "نحت آزاد پیرامون شرایط نوبت اقتصادی" روزنامه جمهوری اسلامی - ۹ آذر ۶۵
- ۴) - "گزارش سرگاری سعیا در روز "اقتصاد و جنگ" - روزنامه جمهوری اسلامی - ۷ دیماه ۶۵
- ۵) - "نحت آزاد پیرامون شرایط نوبت اقتصادی" روزنامه جمهوری اسلامی - ۸ آذر ۶۵
- ۶) - "نحت آزاد پیرامون شرایط نوبت اقتصادی" - روزنامه جمهوری اسلامی - ۸ آذر ۶۵

- ۸) - "سحرانی بهزاد نبوی در دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران" - روزنامه اطلاعات ۱۵ دیماه ۶۵
- ۹) - "گفتگو با وزیر کشاورزی در مورد برنامه نوبت اقتصادی" - روزنامه اطلاعات ۱۱ - آذر ۶۵
- ۱۰) - "نقش جنگ در تعمیر ساسا و ساحتارهای تولید صنعتی" - روزنامه اطلاعات - ضمیمه سیاسی - اقتصادی - ۲۲ دیماه ۶۵
- ۱۱) - "نقش جنگ در تغییر ساسا و ساحتارهای تولید صنعتی" - روزنامه اطلاعات - ضمیمه سیاسی - اقتصادی - ۲۲ دیماه ۶۵
- ۱۲) - "نحت آزاد پیرامون شرایط نوبت اقتصادی" روزنامه جمهوری اسلامی ۱۱ - آذرماه ۶۵
- ۱۳) - "گفتگو با وزیر کشاورزی..." - روزنامه اطلاعات ۱۱ - آذرماه ۶۵
- ۱۴) - "نحت آزاد پیرامون..." - روزنامه جمهوری اسلامی ۲۲ - آذرماه ۶۵
- ۱۵) - "نقش جنگ در تغییر ساسا و ساحتارهای اطلاعات - ۲۲ دیماه ۶۵
- ۱۶) - "نحت آزاد پیرامون..." - روزنامه جمهوری اسلامی ۱۹ - آذرماه ۶۵
- ۱۷) - "نقش جنگ در تعمیر ساسا و ساحتارهای اطلاعات ۲۲ دیماه ۶۵
- ۱۸) - "نحت آزاد پیرامون..." - روزنامه جمهوری اسلامی ۸ - آذرماه ۶۵
- ۱۹) - "نحت آزاد پیرامون..." - روزنامه جمهوری اسلامی ۱۲ - آذرماه ۶۵
- ۲۰) - "نحت آزاد پیرامون..." - روزنامه جمهوری اسلامی ۸ - آذرماه ۶۵
- ۲۱) - "نحت آزاد پیرامون..." - روزنامه جمهوری اسلامی ۱۲ - آذرماه ۶۵
- ۲۲) - "گفتگو با وزیر کشاورزی..." - روزنامه اطلاعات ۱۱ آذرماه ۶۵
- ۲۳) - "نحت آزاد پیرامون..." - روزنامه جمهوری اسلامی ۸ - آذرماه ۶۵
- ۲۴) - "گفتگو با وزیر کشاورزی..." - روزنامه اطلاعات ۱۱ - آذرماه ۶۵
- ۲۵) - "نحت آزاد پیرامون..." - روزنامه جمهوری اسلامی ۹ - آذرماه ۶۵
- ۲۶) - "نحت آزاد پیرامون..." - روزنامه جمهوری اسلامی ۱۹ - آذرماه ۶۵
- ۲۷) - "نحت آزاد پیرامون..." - روزنامه جمهوری اسلامی ۹ - آذرماه ۶۵

منتشر میشود

پیام کارگر شماره ۱



ارگان کسبه و راج رکنود سازمان کارگران انقلابی ایران راه کارگر سال اول - اردیبهشت ۱۳۶۶

سنا پار تیسف فوق ارتجاعی حاکم ایران، زمانی که با سقوط قیمت نفت دو وظیفه بزرگ را در سار سار میگذا رد، و همزمان "پیسروزی

همگام با کارگران و زحمتکشان جهان

برزیل

درست و یکم اسعد ماه گذشته، ارنست برزیل، سار دیکر علیه کارگران و زحمتکشان برزیلی وارد عمل شد و اس باره درخواست دولت غیربسط می "دمکرات"! بدسال ۱۲ روز اعتمصاب کارگران سار دیکر خواستار امراض حقوقی و بهبود شرایط کار بودند، سرانجام نیروی درناهم، سادرا و اشغال کرده و به تحلیه کالها پردا حسد، در همان زمان بدسال آغاز اعتمصاب کارگران و کارمندان پالاینگا ههای اس کشور، سرانجام نیروی رسمی بلافاصله وارد عمل شدند و کارگران اعمصابی را که نه نحص در محوطه پالاینگا هها دستورده بودند سوزور خارج کردند، آسها اس اقدامات رانحت سنوان دعا مار "حق کار" اعتمصاب شکسای که حاصله شرکت در این اقدام شده بودند انجام دادند، در هر دوموردا اس عده در اقلیت کمال قرار داشتند بدین ترتیب حق اعتمصاب اکثریت کارگران لگ س مشودتا "حق کار" اقلیت آسان رعایت بشود! و برای اسکار هم دخالت ارش لازم است! ارتشی که قدرت اصلی را در این کشور در دست دارد، ارتشی که مهنرس اهرم سیاسی اعمال سبود امیرالیم آمریکا و ادا معصات سربا به داری در سربیل است، بدس ترتیب هوزکمی بشناز بکسال اروری کار آمدن دولت سارنی (SARNEY) در سربیل سگشته است که سبروهای سرکوب محددانه دخالت در اجتماعات نوده ای و علیه حق سربسبست شنا حه شده اعتمصاب کارگران می بردازند، حقی که توسط خود دولت در فانون اساسی احسرب سربیل مسطور شده است، اسن حرکات شکسده سودن فضای دموکراتیک نوین در سربیل، سطور کلی در سراسر آمریکا ی لاتین، رانشان سدهنده، دخالت سداوم ارتش علیه کارگران در سولوی، اکوادور، پيرو و اروگوئه سبان آنگا راتحا دمعبان دروغس دمکراسی سارلادان و شکسده گران دبروزی است، وقابح احسر سزانه استخنا، بلکه تحلی قاعده است، شکسبت طری خصادی "گروژادو" که سراساس احمصا د دستمزدها و کنترل محدود قیمت ها در سربیل سناشده سود، سار خود موجی از تورم و کاهش دستمزدها فعی کارگران راه سار آورد، اعتمصابات احسر، در کسار شورش های نیمه گرسگان حاشه سار ثوبولوسو و ربودوزان سبرووا کنش بلافاصله کارگران و زحمتکشان به این طرح سوزواری برای "حل سحران" سبود، حشس سندیگائی، سوسزه، سادعوت به تظاهرات و مقابله سار تعرض نظر میان و بخصوص نه بد سده ادا معاصبات و تبدیل آن به یک اعتمصاب سراسری، نشان داد که حاضر نیست در سار برابن طرحهای رسوای دولت سربا به داران که سبها قصد حط سود سربا به داران را داری حرکت سماند، رشده سرب اسن سندیگاها و افزایش قدرت سار زمانهای سبب در سربیل عامل مهمی است که مانع از پیشرفت "بی دردسر" انگونه طرحهای صدمردمی میشسود، تاکنون هرگز اس حشس از جیب قدرت سرب سوزوردار سوده است، سلسرغم بشناز یک دهه سرکوب خونین و سرحمانه حشس کارگری و سار زمانهای انقلابی، امروزه آگاه و تشکل طبقاتی کارگران و زحمتکشان

اس کشور در حدی لائی فرار دارد، اس امر که بس اس سرجود را در اعتمصاب قهرمانا سده کارگران فلر کار سربیل، بشنازان حشس کارگری سربیل، سنان داده سود آسده حوس سار سربای اسغلاب و سوسالیم سوبدمدهد، کارگران سربیل سار اپسها ده سراساط دمکراتیک امروزه درسی های گراسهائی در مکتب اعتمصاب و سرجود ساروهای سرکوب می آسور سده و هر چه بشسرو سربعتر سده درک سوسالیم سمانه سبها سار من دمکراسی واقعی و رهائی از استثماسرمانه داری سبی می سربند.

اتحاد شوروی

ماه گذشته کنگره اتحادیه های کارگری شوروی " بزرگ ارشد (هفته اول مارس) سار توجه به تغییر و تحولاتی که در این کشور در جریان اسسست، سگزارای این کنگره اهمیت زیاده بلحاظ تعسس خط مشی اتحادیه های کارگری در روند تحولات جاری داشت، حضور میخا شیل گورباچف در این کنگره خود سنان را اهمیت می است که رهبری جدید حزب سربای اتحادیه های کارگری قائل است، اودر سخنرانی افشاحی خود سبشده به وضع تاکنونی سندیگا های شوروی حمله کرد و گفت که این اتحادیه ها بحد کافی ارمنافع کارگران شوروی دفاع نمی کنند، اواز ۱۴ه سلبیون کارگر عضوا اتحادیه ها دعوت کرد سنا سطور جدی در سرحه فمابلیت اتحادیه های خود تجدید نظر کنند و نقش اصلی را در تحولات کشورا بیفا کنند، اسن حقیقتی است که اتحادیه های شوروی تاکنون سبها سار موری نظیرا سبب شرا بط کار سارما ندهی، ستعطیلات و دوره های آموزشی پرداخته اند و سسلا کوچکترین دخالتی در زندگی سیاسی واقمصلادی کشور می کنند، فرخوان های احسر رهبری حزب خطاب به کارگران و لزوم "فعال کردن نهادهای نوده ای" با اسن وضعیت خواهائی ندارد بدین رو در سخنرانی گورباچف، در بیگیری اسن فراخوانها، بر لزوم "خانه نگائی" تکیه شد، کارگران شرکت کننده در کنگره از اسن نکرش جدید سخوسسی استقبال کردند و در جهت اصلاح سبک کارنا کنونی رأی به تفسیرا سنا سار خود داده و سب "استقلال عمل" اتحادیه ها در دفاع از حقوق و منافع کارگران و "اهمیت ایفای نقش فعال در روند دمکراتیزه کردن جامعه شوروی" تا کید کردند، قطعنا میا پالاینگا کنگره که اسن نکات در آن به روشنی ذکر شده اسند مهمترین سندی است که در جریان تحولات احسیر شوروی در باره نقش کارگران در جامعه شوروی و لزوم با زگشت به اصول لنینی حاکم سربروا بسسط اتحادیه های کارگری سار حرب و دولت سسوروی تدوین شده است و سرحه سار سده درک به سرنوسند امروزه جامعه شوروی یاری رسانده و در عین حال افشا گروضع سنا سارمان تاکنونی اسن اتحادیه ها است که بی تردید سبش مهمی در انفعال سیاسی کارگران شوروی بیفا کرده است.

بدینال اسن کنگره کارگری کنگره "اتحادیه روزنا سارنگاران شوروی" (هفته دوم ماه مسسارین) بزرگزار شده هفتصد سار بنده منتخب هشتاد هسزار روزنا سارنگار عضو در اسن کنگره شرکت کردند.

حسبات کنگره محل بحث و تبادل نظر سنوان طرفداران و مخالفان روسد جدید در شوروی سوبند، "یوبی" خسرنکا روروسا مه پرا ودا صمن سربساری مشکلات موجود سربها به "سرخ" مقامات در وزارت امور خارجه و وزارت دفاع "که مخالف دمکراتیزه کردن جامعه شوروی هستند حمله سربد، سخنان سنان منعددی بر لزوم گسترش سار هم بشسرت دمکراسی و آزادی تا کید کردند، لینگاچف، سسول بخشس شکیلات و ایدئولوژی دبیرخانه حزب کمونیست شوروی که سار سار سبب سار از طرف کمیته مرکزی در اسن کنگره شرکت کرده سبودا روروسا سارنگاران دعوت کرد که ار مشکلات سبها سادوتا حدتوان خود به سربرسی و افشای مشکلات موجود و طرق رفع معضلات در روروسا مه های شوروی سبها سار، ا و گفت هر چه سار در اسن رمبه بشسرت سوشنه سوبدا که رها به سربسبش حوا هدرت، اسن اظهارات سار استقبال اکثریت شرکت کنندگان روبروشد، سنا سببگان پیشنها د استخاب سسولان به شیوه رأی گیری مخفی را دادند، سار تصویب و اجرای اسن پیشنها د، سربگی آفا سار سیف، سرب سربروزنا مه پرا ودا، به اتفاق آرا به سمت دبیر کلی اتحادیه انتخاب شد، اسن سبب سبب "اتحادیه بندگان" به وطنی نطفی از روزنا سارنگاران دعوت کرد که به راه جدیدی که در پیش گرفته اسندا سارده دهند و در راه گسبش دمکراسی، یخس اخبار مر بسوط به تصمیمات دولتی و حزبی ودا سار زدن به سیاست "تربیبون سحست و گعتگو" در روزنا مه ها هر چه بشسرت کوشا سارند.

سربرسی اسن دو کنگره سار دیدگیری سارنگر فضای نوین پرا زنگا پوچستجود را تحا دشوروی است، ادا مه پیروز سبب سار ختمان سوسیا لیم بدون گسبش دمکراسی حقیقی نوده ای و شرکت فیسال کارگران و زحمتکشان شوروی ممکن نیست و بدین ترتیب سار سبها سار خیر رهبری حزب بدرستی در همین راستا قرار دارد، شکوفائی هر چه بشسرت دموکراسی سوسیا لیم در اتحاد شوروی کمک مؤثری سده به سبود وضعیت جنبش کمونیستی و کارگری در سراسر جهان می کند و سبب سار جهت موفقیت هر چه بشسرت سیاست "گشایش و شفافیت" آرزوی همه انقلابیون کمونیست است.

فرانسه

در روز دوم سبها، خیابانهای پاریس زیر امواج تظاهرات کنندگان غرق شدند، نزدیک به یک میلیون تن از حقوق سببیران فرانسی در پارسخیه فراخوان "سندیگای عمومی کارگران" سسرت، به خیابانها آمدند تا علیه سیاستهای دولت دست راستی فرانسه در رابطه با نظام سببیمه های اجتماعی اعتراض کنند، دولت شیراک در ادا مه سیاست کاهش اعتبارات رفاهی بودجه کشور تصمیم سده "حراحی" نظام سببیمه ها و کاهش سهم دولت در پرداخت خرج سدا وای کارگران فرانسی گرفته سبود، کاهش حقوق بازنشستگی، افزایش سهم خودکارگران درنا صمن بودجه رفاهی و خدمات عامه، جنبه های دشگرا سبب سیاست تعرض به دستاوردهای کارگران را تشکیل میدهند، تظاهرات عظیم روزیکشنبه دوم

همگام با کارگران و زحمتکشان جهسان

فلسطین

ماه پیش زندانیا ن فلسطینی دست به اعتصاب غذای گسترده ای در زندانهای رژیم صهیونیستی زدند. مبارزین قهرمان فلسطینی که اسیردوخیمان صهیونیست می باشند خواستار بهبود شرایط زندان و افزایش ملاقاتهای خود با افراد فامیل هستند. در حقیقت بدنیا ل افزایش فعالیت سازمانهای فلسطینی در مناطق اشغالی و مقابله رژیم صهیونیستی با این شدید مبارزه، تعداد زندانیا ن سیاسی فلسطینی به سرعت بسالارفته و زندانهای این کشور مملو از مبارزین فلسطینی شده اند. از جانب دیگر انتصاب "ژنرال سیمسون"، فرماندارنظمه می سابق غزه و یکی از فاشیستهای بنام ارتش صهیونیستی به سمت رئیس زندانهای اسرائیل، به وخامت اوضاع زندانها انجامیده است. ممنوعیت حرکت آزادانه بین سلولها، قطع ورود روزنامه و نشریه، کاهش تعداد دوساعات ملاقاتها، ضرب و شتم مکرر زندانیا ن، نتیجه تصمیمات این ژنرال فاشیست بوده اند. در اعتراض به این سخت تر شدن شرایط غیر انسانی زندانهاست که دلاوران اسیر فلسطینی دست به اعتصاب غذا زده اند. اعتصاب غذائی که اکثریت قاطع اسرای هژندان بزرگ و اصلی رژیم صهیونیستی در آن شرکت کردند. بهمت سازمانهای فلسطینی توسطه سگوت چند روز اول مقامات رژیم صهیونیستی درهم شکسته شده و خیسر اعتصاب درسراسر جهان پخش شد. در کشورهای مختلف احزاب چپ به حمایت از این اعتصاب و خواسته های زندانیا ن پرداختند و این امر باعث عقب نشینی موضعی رژیم صهیونیستی شد. اما هنوز خواسته های زندانیا ن فلسطینی بطور کامل برآورده نشده است. سازمان ماضن حمایت کامل از این مبارزان اسیران قهرمان فلسطینی که در شرایط دشواری صورت می گیرند از همه نیروهای خود می خواهد که فعالانه در پخش اخبار اعتصاب و حمایت از خواسته های آن شرکت جویند.

بهمراه کمونیستها از این بتکا رج دیدگی حمایت می کنند. باید اغشای سیاستهای میلیتاریستی بورژوازی امپریالیست و بسیج افکار عمومی راه را برای پیشرفت مذاکرات و تسریع امر خلع سلاح هسته ای هموارتر کرد.

تونس

در بیست و سوم اسفند گذشته پلیسهای "خصی" بمنظور "برقراری نظم، امنیت و آوادی کلاسها" وارد دانشگاهها و مؤسسات عالی این کشور شده و به ضرب و شتم و دستگیری دانشجویان فددولتی پرداختند. این تعرض به دانشجویان که بدنیا ل انتخابات داخلی دانشگاهها صورت گرفت در ادامه منطقی سیاست دولت مرتجع حبیب بورقیبه، رئیس جمهور ما دام العمر ادر تعرض به جنبش اعتراضی توده ای انجام پذیرفته در مرحله نخست لبه تیز این تعرض متوجه جنبش اتحادیه ای کارگران تونس شده بود. حمله به دفاتر سندیکای مستقل کارگران تونس، دستگیری دبیرکسان و حبیب آشور و اعضای فعال این اتحادیه که مخالف دنیا له روی او دولت بورقیبه بوده و بر استقلال اتحادیه خودیای فشا رده بودند، اولین حلقه این سیاست بود. حمله ای که با درهم شکستن نسبی این اتحادیه، برگزاری کنگره فوق العاده قلابی توسط دست نشاندگان دولت، "اخراج" منتخبین کنگره قبلی به "جرم اخلال گری و برهم زدن صلح اجتماعی از طریق دامن زدن به تشنجات صنفی" (یعنی جنبش اتحادیه ای کارگران) به نتیجه رسید. محکومیت حبیب آشور به سه سال زندان و اخراج اکثریت مطلق فعالین اتحادیه از کارخانجات و موسسات تولیدی، نشان از عقب نشینی جنبش مستقل کارگری داشت. اما دشواری دولت در پیبررسی است خودموقفیت سندیکا لیستها در حفظ تشکیلات علنی و نیمه مخفی خود در برخی نقاط کشور و مهمتر از همه، عدم شرکت توده کارگران در نمایشات جیره خواران دولت نشان از استحکام ریشه نهضت سندیکای در میان کارگران و ارتقاء آگاهی آنها دارد.

بیشتر ارتجاعی خود در رابطه با سلاحهای هسته ای را بنمایش گذاشتند و متفقا بر لزوم حفظ این سلاحهای فشا رند. وزیر دفاع دست راستی فرانسه، "آندره ژیرو"، تا بدان حد پیش رفت که پذیرش این پیشنهاد را "خفا نانه" نامید و به آلمانیها شدت حمله برد. وزیر دفاع سابق فرانسه، "شارل هنرو" عضو برجسته حزب سوسیالیست فرانسه حتی پا را فراتر گذاشت و "خطریک آلمان بی طرف - صلحجو" را هم به "خطر آلمان سوسیال - نازی" برای "دمکراسی" ارزیابی کرد! این اظهارات خشن فرانسویها که عمدتا متوجه وزیر امور خارجه آلمان فدرال، هانس دیتریش گنشر، که طرفدار دتانت و بویژه پیشنهادات اخیر اتحاد شوروی می باشد بود، عمق ارتجاع و گنبدگی تمام احزاب بورژوازی فرانسه از نشو و گلیستها تا سوسیالیستها در رابطه با نقش فرانسه بهمثابه یک قدرت اتمی را نشان میدهد. آنها سعی دارند واقعیت اضمحلال قدرت امپراتوری استعماری سابق خود و عقب ماندگی فاحش توان صنعتی و اقتصادی خود از کشورهای نظیر آلمان و ایالتا، را با چسبیدن به سلاحهای اتمی و فخر فروختن به "زرادخانه اتمی" خودینها ن کنند. زرادخانه ای که فاقد هر نوع اهمیت استراتژیک نظامی است و تنها و تنها بهمثابه یک "توی سیاسی" یکسار سیاستمداران بورژوازی فرانسه می آید. وگرنه همه می دانند که حدود سه دهه و چون موشک فرانسوی در برابر بیش از ده هزار موشک هسته ای شوروی کوچکترین ارزش نظامی ندارد و درست بهمین دلیل نیز تدمریکا فیها ونه شورویها آنها را در مذاکرات خلع سلاح دوجانبه دخالت نداده اند! پیشنهاد اخیر شوروی و واکنش بورژوازی فرانسه، و نیز انگلستان به شکلی پوشیده تر، کوس رسوا فی تمام ژستهای "دمکرات منشانه" و "صلح طلبانه" این دو کشور را نشان داد و همگان چهره کربه جنگ طلب و میلیتاریست دولتهای دست راستی را که زیرمانک "دفاع از حقوق بشر" و اشک تمساح ریختن برای "نا راضیان" کشورهای اروپای شرقی پنهان شده بود دیدند. نیروهای دمکرات واقعی

فروردین، در شرایطی که نه تنها احزاب دست راستی بلکه حزب سوسیالیست نیز در این زمینه با رویا و دولت هستند و تنها به غرولندها اکتفا می کنند، نمونه خوبی از قدرت اتحادیه ها و احزاب واقعی چپ بدست داد. تنها حزب کمونیست فرانسه و برخی از گروههای انقلابی چپ از این فراخوان س-ژ-ت حمایت کرده بودند. حضور یک مصلح بین المللی در خیابانها و شور و هیجان بسیی سابقه حاکم بر این تظاهرات، چیزی که مدتها بود در تظاهرات کارگران و کارمندان فرانسه دیده نشده بود، نوید ادا ما به تا به آخر مبارزه را میدهد. کارگران فرانسه با این اقدام خود نشان دادند که حاضر نیستند تن به سیاستهای ارتجاعی بورژوازی فرانسه بدهند. آنها می خواهند دستاوردهای خود که بمدت چهل سال برقرار بوده اند دفاع کنند. آنها حاضر نیستند خسارت بحران سرمایه داری را از جیب خود بپردازند. آنها می گویند "از بوجه تسلیحات کم کنید و به بوجه بیمه های اجتماعی بیفزائید!". آنها می گویند "دست سرمایه داران از دستاوردهای کارگران کوتاه!". هرگز در چهار دهه ای که از جنگ دوم می گذریم مبارزه حادی بر سر دستاوردهای اجتماعی و اقتصادی کارگران فرانسه درنگرشته بود. بورژوازی در بحران که امیدی به رونق زود رس اقتصاد ندارد برای این دستاوردها دندان تیز کرده و به پیساری سوسیال خائنین حمله را آغاز کرده است. کارگران نیز صفوف خود را فشرده می کنند. تظاهرات نیز صوف خود را فشرده می کنند. تظاهرات دوم فروردین تنها شیپور نبرد را نواخت. مبارزه بر سر خواسته های جاری و دفاع از دستاوردهای تا کنونی تازه آغاز شده است. با ورود بورژوازی به یک دوران طولانی رکود و رونق های کم دوام و کم نفس، درگیری دائمی بر سر دستمزدها و دستاوردهای کارگران قان حاکم بر روابط کار و سرمایه است. دوران "صلح اجتماعی" از طریق خریداری اشرافیت کارگری به سرعت به پایان خود نزدیک میشود.

مذاکرات خلع سلاح

پیشنهاد اخیر اتحاد شوروی در برابر چیدن "موشکهای هسته ای میان برد" از اروپا و کاهش تعداد این نوع موشکها در زرادخانه هسته ای و کشور شوروی و آمریکا به ۱۰۰۰، واستقرار این موشکها در مناطقی که اروپا (از قیانس اطلس تا کوههای اورال) در تیررس خود ندانسته باشد، یکبار دیگر تحرک تازه ای به مذاکرات خلع سلاح داده و در عین حال عزم اتحاد شوروی و بلوک سوسیالیست را در پیشبرد این مذاکرات و کاهش خطر جنگ هسته ای نمایش گذاشت. این پیشنهاد که شکل پیشرفته و متکامل پیشنهاد "مفر-مفر"، فرموله شده توسط هلموت اشمیت صدراعظم پیشین آلمان فدرال، می باشد با استقبال فراوان محافظان و انجمنهای طرفدار صلح و وسلاحهای هسته ای روبرو شد. کلیسه کشورهای اروپایی به استثنای فرانسه و انگلستان، یعنی قدرتهای اتمی اروپایی، از این ابتکار جدید شوروی خرسند شدند. اگر انگلستان در مخالفت خود، رویه احتیاط و مانور را در پیش گرفت، دست راستیها و "سوسیالیست" های فرانسوی اوج

۳- اتخاذ تنوع در شیوه‌های ارسال نامه‌های نا مرئی یکی از راه‌های مقابله با کنترل پستی دشمن است.

۴- مطالب اطلاعات مشخص و سرخ دار را با استفاده از رمز نویسی کامل و دقیق و بصورت نامشخص نا مرئی ارسال کنید.

۵- برای آنکه امکان کنترل نامه‌های دریافتی بازنویسی شده از جانب رژیم، توسط مرکز ارتباطات سازمان فراهم شود، برای نامه‌های نا مرئی یک علامت سلامتی بگذارید، جگونگی علامت سلامتی را نیز در متن نا مرئی نامه با رمز کامل بنویسید.

نکاتی در مورد میزان رمز نویسی نامه‌های تشکیلاتی

۱- مطالب عمومی از مطالب خاص اطلاعاتی و رد دار که ضرورت رمز نویسی دارد تفکیک شده و مطالب عمومی بطور کامل و بدون استفاده از رمز نویسی نوشته و ارسال شود.

۲- کلیه اطلاعات مشخص سرخ دار و امنیتی باید با استفاده از رمز کامل نوشته و ارسال شود.

۳- در مواردی که نامه‌ها بدست پلیس افتاده است، جدول رمز سرخ تغییر کرده و علاوه بر آن "مرکز ارتباطات سازمان" جدول رمز را پس از مدتی استفاده عوض خواهند نمود.

۴- ارسال نامه‌های علنی شیوه‌ای است که میتواند تحت پوشش یک مکاتبه عادی خانوادگی و دوستی، تنظیم شده و ارسال شوند و مرکز ارتباطات سازمان را از سلامتی رفا مطلع سازد. نامه‌های سلامتی کسب مشخص کننده سلامتی رفاست میتواند با شرح اوضاع عمومی جامعه و تحت نامه علنی شده‌ای نوشته شده و ارسال شوند.

۵- با تاکید بر اهمیت ارسال هر چه وسیعتر نامه‌های خبری یاد آوری میشود که نامه‌های خبری را در دسترس و بطور علنی ارسال کنید، ارسال هر چه وسیعتر و سریعتر اخبار و تجربیات سازماندهی و وظیفه مهمی و اساسی تمامی رفاست.

مرکز ارتباطات سازمان ۶۵/۱۲/۱۹

بود که مزدوران حزب الهی را بوحشت می‌نذاخت و در دل مردم عشق و پایداری و آگاهی را نفوذ میداد. بخاطر شور و صف تا شدنش به نیروهای زندگی همیشه در حال درگیری با دشمنان قسم خورده مردم بود.

او گیری سرکوب و حبس و شکنجه و جفا بتکارانه رژیم جمهوری اسلامی در اوایل تابستان ۶۷ عاملی شد که رفیق ولی، که چهره شناخته شده‌ای برای رژیم و مزدوران در منطقه بود، کارش را در مسجد سلیمان رها کند و دوباره به تهران برود و برای یافتن کار اقدام کند، که در خوابان مطهری (تخت طاووس سابق) توسط پاسداران جناح تکاور دستگیر میشود و بعد از ماهها شکنجه و آزار و فشار، بخاطر دفاع از آرمان کارگران و زحمتکشان، بخاطر دفاع از سوسیالیسم و آزادی، با حفظ مردانسه و بیباکانه سرار سازمانی در قلب سرخ و مهربانش در روز ششم بهمن ماه ۱۳۶۵ به جوخه اعدام سپرده شد. اما صدای گرمش در گوش کسانی که با او زندگی کرده اند نطنین اندازاست که:

شام تیره پایان گیرده سر برزند آفتاب
با کوش زحمتکشان از ره رسد انقلا ب

فلسطین و پاناسلامیستها

خامنه‌ای در نماز جمعه ۱۵ اسفند گفت: "حضور حزب الله در صحنه مبارزه ساله فلسطین یک بعد اسلامی داده است... ساله فلسطین متعلق بسه اسلام است و حزب الله وجهت اسلامی آن می‌تواند این توجه‌ها را به خود جلب کند." (کیهان - ۱۶ اسفند) بدین ترتیب تاریخ تحریف میشود تا اهداف پاناسلامیستی و روحانیت حاکم توجیه گردد. اگر مسئله ملی و خواست برحق خلق فلسطین برای بازگشت به مین اشغالی و تاسیس دولت فلسطین آن می‌باشد که مدت چهار دهه در سینه‌های این خلق قهرمان رانده شده از مسین میسوزد، خامنه‌ای "کشف" می‌کند که ساله فلسطین ملک طلق اسلام است! لایند برای حل همین معضل خلق فلسطین بود، که رژیم اسلامی از آمریکا و اسرائیل اسلحه گرفته است! این گفتار خامنه‌ای اما هشدار است به مبارزان فلسطینی و لسانی، این منطقه امروز در مرکز فعالیتها پاناسلامیستی رژیم ایران قرار گرفته است، روحانیت به انواع اشکالها با نیروهای تکلی متفاورت و گاه متخاصم دست می‌زند تا نفوذ خود را در صفوف این مبارزین گسترش دهد، اما همانطور که سیاست اخیر "شکار کمونستها" در حومه بیروت و جنوب لبنان از جانب گروههای مختلف اسلامی و نیز جنگ اردوگاهها نشان میدهد هیچیک از دستجات مذهبی، سوسیالیزه حزب الله حاضر به تحمل نیروهای غیر مذهبی،

در درازمدت نیستند، دبکتا توری فاشیستی مذهبی آن خواهی است که رژیم ایران برای لبنان و فلسطین در سردارد، صراحت خامنه‌ای در عبارات فوق بیان این حقیقت است، مقابله با این نفوذ و وظیفه‌ای است که نیروهای چپ در لبنان

کودکان، قربانی رژیم جمهوری اسلامی

شاید در تاریخ معاصر هیچ رژیم جنایتکاری به اندازه رژیم جمهوری اسلامی تا بدین پایه در اجرای سیاست تبااهی همگانی و نسل کشی، از کودکان استفاده نکرده باشد، کودکان به جبهه‌ها فرستاده می‌شوند، در جبهه‌ها به عنوان وسیله خنثی کردن مین و ابزار رضای شهوت پاسداران و آخوندها مورد استفاده قرار می‌گیرند، در مدارس، با فرهنگ مذهبی شستشوی مغزی می‌شوند و یاد می‌گیرند تا برای انجمن اسلامی از محیط خانواده خبرچینی کنند، در سندسازی رژیم جمهوری اسلامی برای ادعای مظلومیت در جبهه‌های جنگ، از مدارس کودکان استفاده می‌شود بدین معنا که علی‌رغم وقوف از زمان حملات هوایی رژیم عراق، مدارسی تخلیه نمی‌شوند تا نظیر سینما رگس آبادان، به عنوان شاهد در ماجرای بین المللی مورد استفاده قرار گیرند، با رزترین نمونه اخیر مدرسه کودکان ناشنناختی عقب مانده بر وجود بود، این مدرسه که علی‌رغم اطلاع قبلی از حمله هوایی توسط مسئولین رژیم تخلیه نگردیده بود، به عنوان یک مدرسه "معمولی" عنوان می‌گردید. تا اخیرا در صفحه گزارشات روزنامه کیهان مورخ پنجشنبه ۱۴ اسفند ۶۵، ضمن مباحثه با افراد جنگزده بر وجود و منجمله خانواده‌های کودکان مدرسه مذکور روشن گردیده است که کودکان مذکور جملگی، عقب مانده و معلول ذهنی و جسمی بوده‌اند، عدم تخلیه این مدرسه تنها بدین خاطر بوده است که فاجعه آفرینی تازه‌ای به خاطر صحنه سازی رژیم جمهوری اسلامی به انجام رسد.

به تمام این موارد، باید تلک کردن خانواده‌ها از طریق ایجا دقلکهای کمک به جبهه‌ها را ذکر کرد که اخیرا "نتایج" توسط رفسنجانی اعلام شد، رفسنجانی در اوایل اسفندماه ۶۵، ضمن سخنرانی در باصطلاح "اجتماع دانش آموزان" اظهار داشت که ۳۳ هزار قلک با حدود ۲۰۰ میلیون ریال از میان دانش آموزان مدارس جمع آوری گردیده است (کیهان، ۱۶ اسفندماه ۶۵). این هم شیوه دیگری برای اخاذی است که حکومت اسلامی، تعبیه نموده است، وظیفه هر نیروی شرقی است که علیه سیاستهای تبااهی آ ورو نسل کشی رژیم جمهوری اسلامی در سرکوب کودکان دست به مبارزه و افشاگری در داخل و خارج کشور بزند، این امر یکی از حلقه‌های اصلی مبارزه ما علیه جنگ ارتجاعی ایران و عراق و رژیم جمهوری اسلامی محسوب می‌شود.

رفسنجانی فلسطینی و لسانی نمره پیشرفت بر نامه‌های ارتجاعی روحانیت حاکم برای ایران است، پیشرومی که ثمری حذرت گیری پاناسلامیست و شکست انقلاب حقیقی - علمی در این سلسله حواهد است.

فلسطین نباید آفراموش کند تخطی از آن موجب اخلاص حدی در روند مبارزه ملی و طبقاتی آن خواهد شد. تشدید اختلافات فرقه‌ای، تحت الشعاع قرار گرفتن مبارزه طبقاتی توسط اختلافات مذهبی و به یک کلام خاک پاشیدن در چشم

تذکره در مورد ارسال نامه‌ها به نشریه از داخل ایران

نامه‌هایی که از داخل ایران مستقیماً به آدرس‌های علمی "راه‌کارگر" در خارج از کشور ارسال شوند، توسط پست رژیم ضبط می‌گردند. برای تماس با راه‌کارگر، نامه‌ها و گزارشات خود را به آدرس دوست یا آشنای در خارج از کشور پست کنید و از او بخواهید آنها را به یکی از آدرسهای نشریه در خارج از کشور پست کند.

با کمک‌های مالی خود سازمان را در امر مبارزه انقلابی یاری رسانید

کمک‌های مالی و وجوه نشریات را به حساب زیر واریز کرده و رسید بانکی آن را به آدرس فرانسه ارسال کنید:

CREDIT LYONNAIS
MERCURE 808
CPT.43956^R HASSAN
PARIS - FRANCE

آدرس در خارج از کشور

فرانسه

ALIZADI, BP195
75564 PARIS_Cedex12
France

آلمان

Postfach 650226
1 BERLIN 65
w.Germany

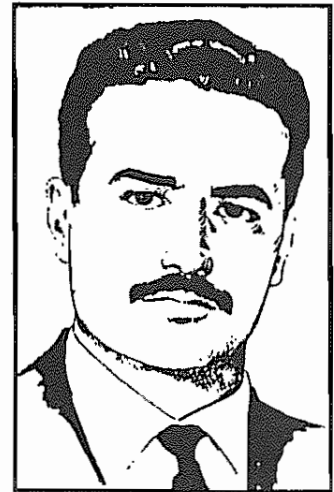
برنامه آزمایشی
صدای کارگر
راه‌پویی
سازمان کارگران انقلابی ایران (راه‌کارگر)

★ برنامه آزمایشی
صدای کارگر هر شب در ساعت
۹ و ۳۰ دقیقه روی موج کوتاه
ردیف ۷۵ متر معادل ۴ مگاهرتز
پخش میگردد.

این برنامه در ساعت ۶ و ۳۰
دقیقه صبح روز بعد تکرار
میشود.

★ ساعت و طول موج
صدای کارگر را بخاطر بسپارید!

★ زمان و طول موج
صدای کارگر را به همگان
بگوئید و در همه جا بنویسید!



خاطره رفیق فدائی بیژن جزنی و هم‌زمانش گرامی باد

دردوا زده‌مین سالگرد شهادت رفقای فدائی بیژن جزنی، حسن ضیاء طریقی، عباس سورکی، سعید کلانتری، عزیز سردی، محمد جویا نژاده، احمد حلیل افشار؛ و همچنین مجاهدان شهید، مصطفی جوان خوشدل و کاظم ذوالانوار، که بعد از سالها اسارت در زندانهای رژیم ستم‌شاهی، در ۳۱ فروردین ۱۳۵۴ بطور مخفیانه و ناجوانمردانه بدست دژخیمان ساواک شهنشاهی در پشت تپه‌های اوین تیرباران شدند، خاطره‌ها را افتخار روزم و پایدار قهرمانانه آنان را گرامی می‌داریم.

همگام با کارگران و زحمتکشان جهان

- اتحاد شوروی
- بوزنیل
- تونس
- فرانسه
- مذاکرات خلع سلاح
- فلسطین

وقایع و حقایق

- رفسنجانی: "زن ماشه مرد"
- کم‌دی ۱۴ ثانیه‌ای و دیپلماسی انفجاری ولایت فقیه
- جنگ سرد در سربال تلویزیونی

مهر

با نشریه
راهکار
همگامی کنید!

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران!